



پوهنتون سلام

پوهنځی شرعیات و قانون  
پروگرام ماستری فقه و قانون



امارت اسلامی افغانستان

وزارت تحصیلات عالی

معینیت امور علمی

# ضرورت فعالیت زنان در حوزه صحی وضوابط آن

رساله ماستری

محصل: عبدالخلیل "شاهین"

استاد رهنما: دکتور محمد یونس "ابراهیمی"

سال: ۱۴۰۱ هـ ش



پوهنتون سلام  
پوهنځی شرعیات و قانون  
پروگرام ماستری فقه و قانون



امارت اسلامی افغانستان  
وزارت تحصیلات عالی  
معینیت امور علمی

# ضرورت فعالیت زنان در حوزه صحی وضوابط آن

رساله ماستری

محصل: عبدالخلیل "شاهین"

استاد رهنما: دکتور محمد یونس "ابراهیمی"

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



# پوهنتون سلام



پوهنځی شرعیات و قانون

دپارتمنت فقه و قانون

بورده ماسټری

## تصدیق نامه

محترم عبدالخلیل ولد محمد حبیب: ID: 755-99-SH-MSF محصل دور هشتم فقه و قانون که رساله

ماسټری خویش را زیر عنوان: ضرورت فعالیت زنان در حوزه صحر و ضوابط آن

په روز ۱۳۴۱/۱۲/۱۴ هـ ش موفقاته دفاع نمود، و به اساس

بررسی هیات تحکیم مستحق ۹۵ (نمره به عدد) نود و پنجاه (نمره به حروف) گردید،

موفقت شان را از الله متعال خواهانیم.

اعضای هیات تحکیم:

ردیف	نام استاد	عضویت	امضاء
۱	دکتور نجیب الله صالح	عضو هیات	
۲	دکتور عبدالکریم فضلی	عضو هیات	
۳	دکتور محمد یونس ابراهیمی	استاد رهنما و رئیس جلسه	

معاون علمی

آمر بورده ماسټری

## اهداء

این تحقیق و رساله کوچک را تقدیم به کسان می‌کنم که در پیشرفت شخصیت و علمیت بنده نقش سازنده ای داشته‌اند.

در قدم نخست تقدیم می‌کنم به ناجی و رهبر بشریت پیامبر محبوب مان حضرت محمد (صلی الله علیه وسلم) که با ارشادات دلنشین ما را به راه راست هدایت فرموده‌اند.

تقدیم به پدر و مادر مهربانم که با لطف و مهربانی شان باعث پیشرفت تعلیم و تربیه در تمام امور زندگی من بودند. و همچنان تقدیم به برادران و همه اعضای فامیل ام جهت حمایت های همیشگی شان.

تقدیم به تمام اساتید محترم ام که از ابتداء تا انتهای دوره های علمی من را یاری رساندند و از هیچ همکاری دریغ نکردند تا به بلندای موفقیت برسیم.

تقدیم به همه مسافرین راه علم و دانش بخصوص آنانیکه یگانه هدف شان تطبیق دین الله متعال و حاکمیت قانون الهی است.

و در آخر تقدیم به تمام مردان راه حق، خصوصا افراد خوش اخلاق و با ترحم که اخلاقی اجتماعی را جزء اولویت زندگی شان می‌دانند و همیشه برای خوشبخت ساختن خانواده و جامعه ای شان تلاش می‌کنند.

## سپاس گزارى

الحمد لله رب العالمين والعاقبة للمتقين والصلاة والسلام على سيدنا وحبينا وشفيعنا محمد رسول الله وعلى آله وصحبه اجمعين.

امابعد! درقدم نخست: از ذات لايزال كه آفريننده تمام موجودات است، سپاسگزارى ميكنم و اوست صاحب شكر، طوريكه مارا از ناشكرى اش منع فرموده است: (فَأَذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ)<sup>۱</sup>

ترجمه: پس شما مرا ياد كنيد به عبادت، من شما را ياد ميكنم به ثواب، و شكر مرا بجا آرئد و ناشكرى مكنيد نعمت هاى مرا.

سپاس از پروردگار عالم كه تا اين دم همه آنچه دارم از بهر الطاف ومهربانى وتوفيق ويارى او بوده كه برايم فكر و ذكاوت عطاء کرده و توفيق نوشتن اين موضوع را برايم عنايت فرمود. واستدعا دارم كه تاهميش حامى وياور مان باشد.

لذا لازم مى بينم از مقام محترم وزارت تحصيلات عالي كه زمينه تحصيل را براى فرزندان اين كشور مساعد نموده است، واز اداره محترم پوهنتون سلام، بورد محترم ماسترى واز تمام اساتيد كه درمرحله ماسترى مخلصانه بخاطر محصلين زحمات زيادى را متحمل شدند وبه صورت خاص از استاد رهنمايم جناب دكتور صاحب "محمد يونس" ابراهيمى" كه در راستاى اتمام اين پايان نامه با رهنمايى هاى عالمانه ومفيد شان قدم به قدم همكارى كردند اظهار سپاس مى نمايم. از همه اعضاء خانواده محترم كه زمينه درس وتعليم را برايم فراهم ساخته وتا اين دوره تحصيلات عالي مرا يارى کرده ومن را در راه علم ودانش ترغيب وتشويق نموده اند اظهار سپاس وتشكرى مى نمايم.

<sup>۱</sup> - البقرة: آية ۱۵۲.

## خلاصه

در این رساله تحقیقی که به گونه توضیحی و توصیفی - کتابخانه ای می باشد، در قدم نخست خواستم ضرورت کار زنان و ضوابط آن رادرحوزه صحی، مورد تحقیق و تحریر قرار دهم وهدف از این تحقیق، جمع آوری معلومات و ترتیب یک رساله مفید و سود مند در موضوع متذکره می باشد . برای رسیدن به این هدف و برای ورود به این بحث، مفاهیم چون،ضوابط، ضرورت،کار وصحت را تحت عناوین جداگانه مورد بحث قرار داده ام. ودرادامه، نحوه کار زنان درحوزه صحی وضوابط آن را در روشنی آیات قرآنکریم وارشادات پیامبر اسلام حضرت محمد(صلی الله علیه وسلم) وهمچنان نظریات علمای کرام، مورد تحقیق قرار داده ام.

این تحقیق درسه فصل ترتیب گردیده است؛ فصل اول کلیات بحث را تشکیل می دهد وشامل سه مبحث می باشد. فصل دوم، زن وحاجات کاری آن را در برگرفته ودرسه مبحث بیان گردیده، وفصل سوم، ضوابط کار وفعالیت زنان درحوزه صحی، درسه مبحث ترتیب گردیده است ودر آخر نتیجه گیری وپیشنهادات همراه با فهرست آیات، احادیث، اعلام ومنابع وماخذ نیزدرج گردیده است. ازآنجائیکه موضوع کار زنان در ادارات وبخصوص درحوزه صحی از مهمترین موضوعات درجوامع اسلامی وحتى از جمله فروض کفایی محسوب می شود وتعداد اندکی افراد جامعه به جواز وعدم جواز چون آن آگاه اند. بناءً تحقیق روی موضوع را اختیار کردم، چون تحقیق این موضوع برای ثبات جامعه وحفظ جان انسان ها با اهمیت بوده وباید در این مورد توضیح شرعی وجود داشته باشد

این تحقیق در برگیرنده موضوع ضرورت های کاری زنان در اماکن صحی وضوابط شرعی اخلاقی واجتماعی آن را بیان می کند.از اینکه در جوامع اسلامی بدون درنظر گرفتن ارزش ها ورهنمود های اسلامی، درشفاخانه ها واماکن صحی، بابد اخلاقی ورزایل دچار گردیده اند توجه روی این موضوع یکی ازمهمترین موضوعات شرعی واجتماعی است. تمام مباحث این تحقیق در روشنایی آیات قرآن کریم وسنت رسول الله(صلی الله علیه وسلم) و با استفاده از کتب معتبره مذاهب فقهی گرد آوری شده است. دراخیر آنچه را به عنوان یافته های جدید، دراین تحقیق به آن دست یافته ام، به عنوان نتیجه گیری تذکر داده ، پیشنهاداتی را نیز مطرح کرده ام.

واژه های کلیدی: ضرورت، کار، ضوابط، صحی.

## فهرست مطالب

عناوین.....	صفحات
اهداء.....	أ
سیاسگزاری.....	ب
خلاصه.....	ج
فهرست مطالب.....	د
مقدمه.....	۱
طرح مسئله.....	۲
سوالات تحقیق.....	۳
اهمیت و ضرورت تحقیق.....	۳
پیشینه تحقیق.....	۳
اسباب اختیار موضوع.....	۴
روش تحقیق.....	۵
محدودیت های تحقیق.....	۶
خطه و پلان تحقیق.....	۶

## فصل اول

### کلیات و مفاهیم

مبحث اول: مفاهیم تحقیق.....	۱۰
مطلب اول: مفهوم لغوی و اصطلاحی ضرورت.....	۱۰
مطلب دوم: اقسام ضرورت.....	۱۱
مطلب سوم: مفهوم لغوی ضابط.....	۱۴



- مطلب چهارم: مفهوم اصطلاحی ضابط ..... ۱۵
- مطلب پنجم: مفهوم لغوی کار ..... ۱۶
- مطلب ششم: مفهوم اصطلاحی کار یا عمل ..... ۱۶
- مطلب هفتم: مفهوم وماهیت کار صحی ..... ۱۷
- مطلب هشتم: مفهوم خلوت ..... ۱۷
- مطلب نهم: مفهوم لغوی واصطلاحی اختلاط ..... ۱۸
- مبحث دوم: شرایط ومشروعیت کار زنان در بیرون از خانه** ..... ۱۹
- مطلب اول: مشروعیت کار زنان وآثار آن ..... ۱۹
- مطلب دوم: شرایط کارو فعالیت زنان بیرون از خانه ..... ۲۷
- مطلب سوم: زن می تواند بیرون از خانه کار کند ..... ۳۲
- مطلب چهارم: حالت های ضرورت کار زن بیرون از خانه ..... ۳۴
- مبحث سوم: مشروعیت کار صحی زنان وحکم خلوت واختلاط در آن** ..... ۳۵
- مطلب اول: حکمت مشروعیت کار ..... ۳۵
- مطلب دوم: اهمیت ومشروعیت کار صحی ..... ۳۸
- مطلب سوم: حکم شرعی کار زنان در حوزه صحی ..... ۴۱
- مطلب چهارم: خلوت واحکام متعلق به آن ..... ۴۳
- مطلب پنجم: اختلاط واحکام متعلق به آن ..... ۴۵
- مطلب ششم: اضرار ومفاسد اختلاط زنان ومردان ..... ۵۴
- مطلب هفتم: کار زنان واهمیت ضوابط آن در حوزه صحی ..... ۵۶

## فصل دوم

### نیازمندی های کار زنان در حوزه صحی

مبحث اول: زن وحاجات شرعی به کار آن در اماکن صحی..... ۵۸

مطلب اول: اولویت طبابت زنان توسط زنان..... ۵۸

مطلب دوم: ضرورت تداوی ومعالجه ..... ۶۰

مطلب سوم: جلوگیری از اختلاط بین زن ومرد..... ۶۲

مطلب چهارم: حاجت که باعث می شود زن بخاطر فراگرفتن کار صحی سفر نماید..... ۶۳

مطلب پنجم: التزام به پوشش اسلامی زن طبییه ..... ۶۴

مبحث دوم: زن ونیازمندی جامعه به کار وعمل آن در حوزه صحی..... ۶۵

مطلب اول: ماهیت ضرورت اجتماعی زنان..... ۶۵

مطلب دوم: زن ونیازمندی جامعه به کار وعمل آن در عرصه صحت..... ۶۵

مطلب سوم: زن ونیاز جامعه به همکاری آن در هر زمان..... ۶۶

مطلب چهارم: زن بدون اجازه می تواند نزد زنان بیمار داخل شود..... ۶۷

مطلب پنجم: زن عامل وتقویه اقتصاد خانواده..... ۶۸

مطلب ششم: زن طبییه وانجام وظیفه در میدان جنگ..... ۶۸

مبحث سوم: نیاز های اخلاقی زنان در حوزه صحی ..... ۶۹

مطلب اول: رعایت ادب واخلاق اسلامی در تعامل با بیگانه گان درحوزه صحی..... ۶۹

مطلب دوم: اظهار شخصیه ممیزه زن مسلمان درحوزه صحی..... ۷۲

مطلب سوم: حفظ شخصیت وادب در راه رفتن وبرخورد های اجتماعی ..... ۷۳

مطلب چهارم: انجام عمل که سازگار با حالت زن مسلمان باشد..... ۷۷

مطلب پنجم: زنان و آموزش علوم دنیوی - صحی..... ۸۱

## فصل سوم

### ضوابط کار و فعالیت زنان در حوزه صحی

**مبحث اول: ضوابط شرعی کار زنان در حوزه صحی..... ۸۴**

مطلب اول: التزام به حجاب شرعی..... ۸۴

مطلب دوم: هنگام بیرون شدن از خانه و رفتن بسوی کار، زن از اولیای خود اجازه بگیرد.. ۸۵

مطلب سوم: تداوی با اشیای حلال و کار صحی در چارچوب شریعت اسلامی..... ۸۶

مطلب چهارم: عدم نرمی و ملایمت با بیگانه ها..... ۸۶

مطلب پنجم: کار زن در حوزه صحی مخالف مسئولیت های خانه اش نباشد..... ۸۷

مطلب ششم: حیا و خضوع در برابر نامحرمان..... ۸۸

**مبحث دوم: ضوابط اجتماعی کار زنان در حوزه صحی..... ۸۹**

مطلب اول: بدون کدام ضرورت فاصله میان زنان و مردان بیگانه رعایت شود..... ۸۹

مطلب دوم: رفتار نیک همراه با همکاران صحی..... ۹۰

مطلب سوم: رابطه و رفتار نیک و صادقانه همراه عیادت کننده گان و بیماران..... ۹۲

**مبحث سوم: ضوابط که عدم رعایت آن موجب مسئولیت جرمی طبییه، در حوزه**

**صحی می شود..... ۹۲**

مطلب اول: اخذ اجازه از بیمار، قبل از شروع طبابت..... ۹۲

مطلب دوم: زن طبییه اهلیت طبابت را داشته باشد..... ۹۳

مطلب سوم: امانت داری و عدم افشای اسرار بیمار..... ۹۴

مطلب چهارم: مسئولیت پذیری زن هنگام اجرای تداوی و معالجه در حوزه صحتی ..... ۹۵

**نتیجه گیری** ..... ۹۹

**پیشنهادات** ..... ۱۰۰

فهرست آیات قرآنی ..... ۱۰۲

فهرست احادیث نبوی ..... ۱۰۶

فهرست اعلام ..... ۱۱۱

فهرست منابع و ماخذ ..... ۱۱۲

خلاصه انگلیسی ..... ۱۱۸

## مقدمه

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على اشرف المرسلين: محمد بن عبدالله الصادق الامين، ومن سار على دربه، واستن سنته، واقتفى اثره الى يوم الدين اما بعد:

زنان در طول قرون و اعصار متمادی، رنجها و ستمهای فراوانی دیده و کشیده‌اند که حقیقتا سنگین و درد آور بوده است. این ستمها در اغلب موارد از سوی قانونگذارانی بر آنها تحمیل شده است که با تکیه بر عقل و دانش بشری و بدون اتّصال به مکتب وحی الهی، به وضع قوانین پرداختند و در نتیجه، ظلم‌های زیادی را در حقّ زنان مرتکب شده‌اند.

علّت اشتباهات این قانون‌گذاران، این بود که آنان خود را بی‌نیاز از مکتب وحی می‌دانستند و با تکیه بر دانش ناقص بشری خود می‌خواستند، سعادت پیچیده‌ترین مخلوق جهان خلقت، یعنی انسان را تأمین کنند. البته بودند سودجویانی که از این فرصت‌ها برای نیل به اهداف ناپاک خود استفاده می‌کردند و در این میان حتی دست به تحریف دساتیر و پیام‌های الهی زدند. تورات و انجیل شاهد خوبی، بر این ادعاست. یقیناً محل کار و عمل خانم‌ها به درجه اولی، خانه می‌باشد که شریعت اسلام به خانه مسلمان و رفتار زن مسلمان در زندگی آن توجه بسیار کرده است. چنانچه الله متعال می‌فرماید: (وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى ۗ وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ ۚ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا).<sup>(۱)</sup>

ترجمه: ودرخانه‌های خود بمانید و به شیوه جاهلیت نخستین زینت‌های خود را آشکار نکنید، و نماز را برپا دارید و زکات را بدهید، و الله و پیامبرش را اطاعت کنید، الله متعال قطعاً می‌خواهد، پلیدی را از شما اهل بیت دور کند، چنانکه باید شمارا پاک سازد. معنی این آیت، این نیست که یگانه محل بود و باش، زندگی و کار زنان تنها و تنها خانه است، بلکه این یک اشاره بسیار زیبا و لطیف است به این که خانه محل زندگی و بود و باش زنان است، ولی غیر از این، امورات هست که به طور استثنایی پیش می‌آید و ممکن بیرون از خانه برای شان کار و حاجت لازمی پیش شود.

و از آنجای که با گذشت زمان، تکالیف اجتماعی انسان‌ها بیشتر شده و در موارد مختلف زندگی، ضرورت به کار کردن زنان، در حوزه‌های مختلف اجتماعی نیاز جدی محسوب می‌شود، پس نقش زنان در بر طرف کردن بسیاری از مشکلات اجتماعی را نباید نادیده بگیریم و در رأس همه مشکلات، امور صحی می‌باشد که توظیف زنان در این بخش از اهمیت غیر قابل انکار برخوردار است و لازم است که در این بخش‌ها زنان ماهر و مسلکی گماشته شود تا زنان جامعه اسلامی، توسط همین زنان مسلکی و ماهر از جنس خودشان معالجه و تداوی شوند. لازم است در این رساله

<sup>۱</sup> سورة الاحزاب، آیه: ۳۳

با استفاده از این فرصت ضرورت فعالیت زنان در حوزه صحت و ضوابط آن را به لحاظ ضرورت انسانی، اجتماعی، و آنچه که با آن رو به رو می شویم را مورد بحث قرار دهیم.

### طرح مسئله

عمل و کار در اسلام مباح بوده و هر فرد می تواند کار کند چرا که این حق از حقوق اجتماعی و انسانی افراد یک جامعه می باشد. کار در زندگی انسان ها، دارای اهمیت بسیار زیاد می باشد، زیرا این کار است که می توانیم حاجات و نیاز مندی های اساسی زندگی را توسط آن مرفوع سازیم و الله متعال کار را مشروع قرار داده تا انسان بتواند نیاز مندی های زندگی خود را توسط آن برطرف نماید .

هر چند کار اصلی زنان بیشتر در خانه می باشد ، بخصوص در کشور های که سطح پیشرفت و ترقی کم تر است. و همچنان، در کشورهای اسلامی، بسیاری از مردان مسلمان بنابر احساسات اسلام می خود و بنابر آنچه که فقهای مذاهب اسلامی ابراز کرده اند، به زنان خانواده خود اجازه نمی دهند اشتغال و وظیفه نمایند و با مردان بیگانه در یک اداره مختلط شده کار نمایند؛ چرا که از دید عده ای از فقها، اختلاط زنان و مردان در ادارات و وزارت ها ناجایز می باشد، مگر در محلات اساسی که با معیار های شریعت اسلام برابر باشد .

قرآن کریم و سنت نبوی نیز راجع به کار زنان در بیرون از خانه، و هم چنان به خانه شخص مسلمان توجه قابل ملاحظه ای کرده و در هر دو منبع به موضوع هذا اشاره کرده و به نحوی بیان داشته اند که محل کار زنان در حقیقت خانه می باشد؛ اما گاهی بنا بر ضرورت و نیاز مندی جامعه و مردم، زنان نیز می توانند در بیرون کار نمایند، طوریکه حتی فقها می فرمایند: از جمله اعمال که در جامعه فرض کفایی محسوب می شود، تعلیم دادن زنان، علوم و اموری را است که برای رفع نیاز مندی های خود شان لازمی، می باشد. مثل، تولد دادن و طبابت کردن همدیگر شان، که این جایز بوده و علمای کرام، خروج زنان بخاطر کار کردن شان در امور تجارت، عمل زراعت، بافندگی ، محاسبه و وظایف را که مشابه به این امور باشد، جایز دانسته اند، مشروط بر اینکه محلات و وظایف با ضوابط شریعت اسلام سازگار باشد. زمان که یک زن مسلمان از خانه خود بیرون می شود، ملزم به رعایت آداب خروج و ضوابط شرعی می باشد. علاوه بر اینکه زن مسلمان هنگام خروج از منزل، بخاطر حفظ ارزش های جامعه اسلامی ، ملزم به پوشیدن لباس شرعی می باشد، عمل و رفتار اجتماعی اش نیز قابل دقت است. چنانچه قرآن کریم در این مورد به جوامع اسلامی اعلام می کند: آنان که به راه خیر دعوت می کنند و امر به معروف کرده نهی از منکر می کنند، آنان رستگار اند .

## سوالات تحقیق

### سوال اصلی تحقیق

1- ضرورت کار و فعالیت زنان در حوزه صحت و ضوابط کار و فعالیت زنان از نگاه اسلام

چیست؟

### سوالات فرعی

1- چه ضرورت های برای کار و فعالیت زنان در حوزه صحت وجود دارد؟

2- ضوابط کار زنان در حوزه صحت چگونه اند؟

3- آیا زنان از عواقب اعمال خود در عرصه صحت، مثل مردان مسئول خواهند بود؟

4- خلوت و اختلاط بین زنان و مردان در کدام حالت جایز بوده و آیا ضرورتی وجود دارد که

سبب جواز خلوت میان زن و مرد شود؟

5- اسلام فعالیت زنان در حوزه صحت را جایز می داند یا خیر؟

### اهمیت و ضرورت تحقیق

موضوع هذا در عصر حاضر از اهمیت والای برخوردار است، زیرا امروزه در جوامع بشری با شیوع مرض های متفاوت و مختلف در میان مردم، حضور زنان مسلکی در عرصه صحت را غیر قابل انکار می نمایاند، چرا که هیچ زن مسلمانی دوست ندارد، قسمت های از وجودش را که برای نامحرمان عورت است به مردی نشان دهد و هیچ مرد مسلمان و باغیرت نیز چنین چیزی را نمی خواهد. مگر اینکه حیات اش در معرض خطر قرار داشته باشد و چاره دیگری جز مراجعه نزد طبیب مرد وجود نداشته باشد. در این صورت بخاطر نجات حیات باید نزد هر نوع داکتری مراجعه کرد و اینکه این مراجعه به لحاظ شرعی خوب است و یا هم بد، در این رساله به توضیح این موضوع خواهیم پرداخت، و اینکه کارکردن زنان در حوزه صحت همراه با مردان چگونه می باشد، بیان خواهد گردید. و در کل تحقیق این موضوع کمک می کند تا بدانیم استخدام زنان و کار کردن آنها با مردان در امورات صحت از نگاه شرعی درست است یا خیر.

### پیشینه تحقیق

زنان نیم پیکره جامعه محسوب می شوند. همان طور که هیچ خانه ای بدون زن نمی تواند سکون و قوام داشته باشد، همین طور هیچ جامعه ای بدون حضور زن، جامعه انسانی کامل و سالم گفته نمی شود، به نحوی از انحا زنان باید در جوامع انسانی نقش لازم برای خودشان را ایفا نمایند. به همین لحاظ، من در این قسمت آستین بر زده ام تا درباره کار زنان در بیرون از خانه و بخصوص در حوزه صحت از نگاه فقه اسلامی، رساله ماستری ام را به تحقیق بگیرم. وان شاء

الله این کار را آغاز نموده ام؛ امید وارم حق این موضوع را ادا نمایم. پیش از این از هیچ کسی همچون عنوان به زبان های محلی، وطن عزیزمان افغانستان، تحقیق صورت نگرفته است، در این موضوع شبیه تحقیق هذا، چند رساله به زبان عربی نوشته شده است که قرار ذیل می باشد:

۱. مراد سهیل مطر مزید، الضوابط شرعية لعمل المرأة في المجال الصحي، كلية الشريعة والقانون الجامعة الاسلاميه الغزه

۲. مطر مزید، مراد سهیل، 2007م (عمل المرأة في المجال الصحي بين الضرورت والضرر دراسة الفقيه المقارنه. الجامعة الاسلامية الغزة. ب ط

۳. الصغیر، فاتح بن محمد). ۲۰۰۳ (المرأة المسلمة ومسئوليتها في الواقع المعاصر. السعوديه، الطبعة الاولى. المرأة المسلمة

۴. وجدی، محمد فرید، 1419). هـ (المرأة المسلمة. الرياض، الطبعة الاولى

۵. ناعوره، عثمان محمد). ۲۰۰۷ (عمل المرأة بين الضوابط شرع وضغوط الواقع. بيروت، دارالنوادر، لبطبعه الاولى

۶. العصیمی، عبدالرحمن بن دخیل). ۲۰۱۸ (حكم شرع في الخروج المرأة من بيتها بدون اذن وليها. مقاله به زبان عربی.

این چند رساله و مقاله فوق تنها به زبان عربی نوشته شده اند که به همگان قابل فهم نیستن.

من خواستم بنا برتوان قاصر خویش آستین برزده و تا حد توان این خلاء را پرکنم، در بخش های مختلف زندگی، زنان در تکامل جامعه سهم اساسی داشته اند، طوری که از باب صحت و طبابت گرفته الی معارف و مکتب زنان همیشه قابل مشاهده بوده اند.

با آنکه کتب و موضوعات در این بخش کم است اما تلاش می کنم این موضوع را به طور بهتر مورد تحقیق قرار بدهم تا به همه کسان که اهل مطالعه اند از این رساله استفاده اعظمی نمایند.

### اسباب اختیار موضوع

1- از اینکه این موضوع برایم جالب و زیبا بود خواستم روی این تحقیق نمایم؛ زیرا در جوامع که اختلاط و عواقب آن برای اکثر معلوم نیست و اختلاط میان جنسین این قدر عادی شده برایم دلچسپ بود که بدانم اختلاط های غیر ضروری چه عواقبی دارند و نظریات اسلامی در این مورد چگونه است.



2- یکی دیگر از اسباب مهم که سبب تحقیق این رساله گردید موضوع چگونگی حقوق زنان و اختلاط شبانه روزی آنان با مردان بخصوص در عرصه صحت می باشد، تا با مراجعه به این رساله فهمیده شود که این روش کار زنان در بیرون از خانه جایز است یا ناجایز؟ .

3- سبب دیگری که باعث شد این موضوع را اختیار نمایم این بود که با وجود اینکه اختلاط زنان و مردان و اشتغال شان در حوزه صحت در روابط اجتماعی، احتمال اضرار و ضرورت های را دارا می باشد، هنوز حکم و هدایت شریعت در این مورد برای طبقه با سواد مبهم است چه باشد که افراد بی سواد فهمی در این مورد داشته باشند ، بناء برای فهم بهتر این موضوع لازم بود چنین نوشته ای صورت بگیرد.

### روش تحقیق

هدف از انجام هر تحقیقی رسیدن به اهدافی است که محقق آن را برای کار تحقیقی خود تعیین می کند و انتخاب روش تحقیق از ابزار های مهم و موثر است که محقق را در رسیدن به اهداف تحقیقی اش کمک می کند، بناء در نوشتن این تحقیق از روش کتابخانه ای - تجزیه و تحلیل، به منابع مدون و مکتوب مراجعه صورت گرفته و به مطالعه آن ها پرداخته شده و در نهایت معلومات و اطلاعات مورد نیاز و مرتبط به موضوع گرد آوری گردیده است.

- آیات قرآن کریم به رسم الخط عثمانی تحریر گردیده و ترجمه آیات نیز از کتب معتبر تفسیر و ترجمه احادیث از کتب معتمد، استفاده می گردد. و همچنان استدلال به احادیث نبوی در قدم اول از کتب معتمد مثل صحیح بخاری و صحیح مسلم و دیگر کتب صحاح ( استناد شده و غیر از صحاح سته، به سایر کتب معتبر حدیث دیگر نیز مراجعه صورت خواهد گرفت.

- در این تحقیق در توضیح مسائل، نخست به کتب فقهی معتبر مراجعه صورت گرفته و در صورت اختلاف مذاهب در موضوع، دیدگاه های هر مذهب به طور جداگانه بیان خواهد گردید.

- در یک تحقیق علمی انسان بخواهد یا نخواهد به صدها نظریه و دیدگاه از علمای قدیم و معاصر مواجه شده و ناگزیر از آنها مستفید میشود؛ لذا قطع نظر از حق تشکری و سپاسگذاری از آنها، برای اعتماد و اطمینان خواننده گان و استفاد کنندگان از رساله خویش ناگزیر به معرفی کسانی از آنها که به حد جهانی شهرت ندارند، حتی المقدور پرداخته شده است، که در تحقیقات علمی آن را معرفی اعلام می نامند، بنده هم به غرض تحقق هر دو

هدف درین رساله به استثنای اصحاب کرام و امامان چهارگانه مذاهب فقهی که به معرفی ضرورت ندارند، به معرفی بقیه اعلام تا حد امکان پرداخته خواهد شد.

### محدودیت های تحقیق

مشکلات بحث هذا در موارد زیر محسوس می باشد:

1- قلت امکانات دسترسی به کتب معتبر فقهی که تمام موارد این تحقیق را در برگیرد، عدم دسترسی به کتب خانه های مجهز وسایر تسهیلات ضروری از جمله مشکلات دیگر تحقیقی به شمار می رود.

2- عدم وجود منابع مورد نیاز در داخل کشور در بخش متذکره از چالش ها و محدودیت های دیگر این تحقیق می باشد.

3- نبود نویسنده گان داخلی که در این بخش کار کرده و چیزی چاپ یا نشر کرده باشند تا از آن استفاده صورت گیرد.

4- نبود سیستم ویا کارت های خریداری کتاب، از سایت های انترنیتی دنیا و غیره...

### خطه وپلان تحقیق

این رساله شامل یک مقدمه ای که در آن طرح مسئله و بیان سوال های تحقیق، اعم از اصلی و فرعی است می باشد، و همچنان اهمیت و ضرورت انجام تحقیق، پیشینه تحقیق، مشکلات و طرح پلان تحقیق و غیره بیان گردیده است که شامل سه فصل می باشد .

**فصل اول : کلیات و مفاهیم را در برگرفته و شامل سه مبحث می باشد: مبحث اول:**

**مفهوم ضرورت، ضابط و اختلاط و خلوت** بوده و در برنده هشت مطلب می باشد. **مطلب اول :** مفهوم ضابط در لغت، **مطلب دوم:** مفهوم اصطلاحی ضابط، **مطلب سوم:** اهمیت ضابط و فعالیت زنان در حوزه صحی، **مطلب چهارم:** تعریف ضرورت، **مطلب پنجم:** اقسام ضرورت، **مطلب ششم:** تعریف اختلاط و خلوت، **مطلب هفتم:** انواع اختلاط، **مطلب هشتم:** حکم اختلاط و حرمت اسباب توصل به آن

**مبحث دوم : مفهوم لغوی و اصطلاحی کار، ماهیت و مشروعیت آن** است که هفت مطلب را به

گونه ذیل در خود جای داده است: **مطلب اول:** مفهوم لغوی کار، **مطلب دوم:** مفهوم اصطلاحی کار یا عمل، **مطلب سوم:** فضیلت و جایگاه کار، **مطلب چهارم:** مشروعیت کار زنان و آثار آن،

مطلب پنجم: شرایط کار فعالیت زنان بیرون از خانه، مطلب ششم: هنگام ضرورت زن می تواند بیرون از خانه کار کند، مطلب هفتم: حالت های ضرورت کار زن بیرون از خانه

### **مبحث سوم: ماهیت و مشروعیت کار صحی و حکم اختلاط زنان و مردان در این**

**حوزه** بوده و دارای پنج مطلب می باشد. مطلب اول: مفهوم و ماهیت کار صحی، مطلب دوم: اهمیت و مشروعیت کار صحی، مطلب سوم: حکم شرعی عمل معالجه و طبابت توسط زنان، مطلب چهارم: اختلاط زنان و مردان در اماکن صحی و حکم آن، مطلب پنجم: اضرار و مفساد اختلاط زنان و مردان

### **فصل دوم: نیاز های کاری زنان در حوزه صحی را احتوا می کند و سه مبحث را**

شامل می شود: **مبحث اول: زن و حاجات شرعی به کار آن در اماکن صحی** دارای پنج مطلب می باشد. مطلب اول: اولویت طبابت زنان توسط زنان، مطلب دوم: ضرورت تداوی و معالجه، مطلب سوم: عدم اختلاط بین زن و مرد، مطلب چهارم: حاجت که باعث می شود زن بخاطر فراگرفتن کار صحی سفر نماید، مطلب پنجم: التزام به پوشش اسلامی زن طبیبه

**مبحث دوم: زن و نیازمندی جامعه به کار و عمل آن در حوزه صحی**، این مبحث شامل شش مطلب است. مطلب اول: ماهیت ضرورت اجتماعی کار زنان، مطلب دوم: زن و نیازمندی جامعه به کار و عمل آن در عرصه صحت، مطلب سوم: زن و نیاز جامعه به همکاری آن در هر زمان، مطلب چهارم: زن بدون اجازه می تواند نزد زنان بیمار داخل شود، مطلب پنجم: زن عامل تقویه اقتصاد خانواده مطلب ششم: زن طبیبه و انجام وظیفه در میدان جنگ

### **مبحث سوم: نیاز های اخلاقی زنان در حوزه صحی**، دربرگیرنده شش مطالب ذیل است:

مطلب اول: رعایت ادب و اخلاق اسلامی در تعامل با بیگانه گان، مطلب دوم: رعایت و اظهار شخصیه ممیزه زن مسلمان، مطلب سوم: حفظ شخصیت و ادب در راه رفتن و برخورد های اجتماعی، مطلب چهارم: حفظ شخصیت و ادب در راه رفتن و برخورد های اجتماعی، مطلب پنجم: انجام عمل که سازگار با حالت زن مسلمان باشد، مطلب ششم: زنان و آموزش علوم دنیوی -

صحی

**فصل سوم: ضوابط کار و فعالیت زنان در حوزه صحت** می باشد که در سه مبحث بحث گردیده است: **مبحث اول: ضوابط شرعی کار زنان در حوزه صحت**، **مطلب اول: التزام به حجاب شرعی**، **مطلب دوم: هنگام بیرون شدن از خانه و رفتن بسوی کار، زن از اولیای خود اجازه بگیرد**، **مطلب سوم: تداوی با اشیای حلال و کار صحتی در چارچوب شریعت اسلامی**، **مطلب چهارم: عدم نرمی و ملایمت با بیگانه ها، مطلب پنجم: بدون ضرورت از تجمع با بیگانه گان خود داری کند**

**مطلب ششم: حیا و خضوع در برابر نامحرمان.**

**مبحث دوم: ضوابط اجتماعی کار زنان در حوزه صحت** بوده و سه **مطلب** دارد: **مطلب اول:** بدون کدام ضرورت فاصله میان زنان و مردان بیگانه رعایت شود، **مطلب دوم:** رفتار نیک همراه با همکاران صحتی، **مطلب سوم:** رابطه و رفتار نیک و صادقانه همراه عیادت کننده گان و بیماران.

**مبحث سوم: ضوابط که عدم رعایت آن موجب مسئولیت جرمی طبیبه، در حوزه صحت می شود** آخرین مبحث رساله است که چهار **مطلب** دارد: **مطلب اول:** اخذ اجازه از بیمار، قبل از شروع طبابت، **مطلب دوم:** طبیبه اهلیت طبابت را داشته باشد، **مطلب سوم:** امانت داری و عدم افشای اسرار بیمار، **مطلب چهارم:** مسئولیت پذیری طبیبه هنگام اجرای تداوی و معالجه.

و در آخر پیشنهادات، نتیجه گیری، فهرست موضوعات همراه با فهرست آیات قرآنی و فهرست احادیث نبوی و همچنان فهرست اعلام و خلاصه انگلیسی رساله تحریر خواهد گردید.

## فصل اول

### کلیات بحث

(این فصل دارای سه مبحث می باشد)

مبحث اول: مفاهیم تحقیق

مبحث دوم: شرایط و مشروعیت کار زنان در بیرون از خانه

مبحث سوم: مشروعیت کار صحی زنان و حکم خلوت و اختلاط در آن

## مبحث اول: مفاهیم تحقیق

از جمله مقاصد ومصالح شریعت اسلام یکی آن ضروریات می باشد که همه ادیان وشرایع این مصالح را مراعات کرده اند، گرچه راه آنها در مراعات و حفظ این ضروریات باهم متفاوت بوده است و شریعت اسلامی که آخرین شرایع است، آنها را به کامل ترین صورت مراعات نموده و در ابتدا برای ایجاد آنها و سپس، جهت محافظت از آنها احکامی را تشریح کرده است؛ چنانکه برای ایجاد دین، ایمان به ارکان دین یعنی شهادتین و لوازم آنها و عقاید دیگر چون ایمان به رستاخیز و محاسبه ای اخروی و اصول عبادات، مانند نماز ، روزه حج و زکات را تشریح کرده است. با این امور دین ایجاد می شود و امور و احوال مردم قوام می یابد و جامعه بر اساس بنیانی استوار برپا می گردد. همان طور هم برای محافظت از دین، این امور را تشریح کرده است: دعوت مردم به دین دفع تجاوز از دین، و جوب جهاد علیه کسانی که قصد ابطال و محو نشانه های آن را دارند، مجازات کسانی که از آن بر می گردند باز داشتن افرادی که قصد این را دارند مردم را در مورد عقیده ی خود دچار شک و تردید سازند، باز داشتن افراد از فتوای باطل دادن یا فتوا به تحریف احکام و مواردی از این قبیل. برای ایجاد نفس، شریعت ازدواج را و برای حفظ نفس و جوب خوردن غذا و نوشیدن آنچه را قوام بدن بدان است و نیز مجازات متجاوزگران بر نفس و همچنین تحریم در معرض هلاک قرار دادن جان را تشریح کرده است. (۱)

### مطلب اول: مفهوم لغوی اصطلاحی ضرورت

ضرورت در لغت بر وزن فعولت و از ضرر گرفته شده و به مشقت و شدت گفته می شود که قابل دفع نباشد. ضرورت مفرد و جمع آن ضروریات است. (۲) و یا هم نقصانی است که در چیزی داخل شود، و گفته شود: در مال فلان شخص، ضرر وارد شده یعنی نقصان رسیده است. و یا هم از اضطرار گرفته شده و اضطرار، همان احتیاج شدید را گفته می شود. (۳)

<sup>۱</sup> زبدان، الوجیز در اصول فقه، ص ۳۸۶

<sup>۲</sup> قلعة جی، معجم لغت الفقهاء، ص ۳۲۶

<sup>۳</sup> الزبیدی، تاج العروس، ج ۱۲، ص ۳۸۵

چنانچه گفته شده: «هی الشدة التي لا مدفع لها والمشقة والحاجة. والضرورة: كل ما تمس اليه الحاجة، مما ليس منه بد، والجمع ضروريات».<sup>(۱)</sup> ضرورت به حالت شدیدی گفته می شود که قابل دفع نباشد، چه مشقت باشد ویا حاجت. و ضروری، عبارت است از هرآنچه که حاجة با آن تماس پیدا کند، وشی مورد نیاز بد نباشد.

ضرورت در اصطلاح: ضرورت از دید علماء اصول، منظور از آن مصالحی است که زندگی انسان و برپایی جامعه و استقرار آن متوقف بر آنهاست، به نحوی که اگر این مصالح فوت شوند، نظام زندگی مختل و هرج و مرج بر مردم حکم فرما می شود و آشوب و اضطراب و بی نظمی امورشان را فرا می گیرد و بدبختی دنیا و عذاب آخرت دامن گیر آنان می شود. این ضروريات عبارت اند از دین، نفس، نسل و مال.<sup>(۲)</sup>

وهبة الزحيلي می گوید: ضرورت آن است که ترس هلاک انسان به طور قطعی ویا ظنی وجود داشته باشد، و این هم شرط نشده که شخص که دچار ضرورت شده تا زمان مرگ اش صبر کند. حکم ضرورت از دید مذاهب چهارگانه این است که: در هنگام ضرورت خوردن از شی حرام به اندازه ای که حیات خود را حفظ کند واز مرگ نجات پیدا کند لازم و واجب است و در صورت که اکل و شرب را ترک نماید تا اینکه وفات نماید؛ به تحقیق مرکب معصیت شده است چرا که خود را با دستان خود به هلاکت انداخته است.<sup>(۳)</sup>

علماء مالیکی ضرورت را چنین تعریف می کنند: (بأنها الخوف على النفس من الهلاك علماً و ضمناً).<sup>(۴)</sup> ضرورت آن است که در صورت عدم انجام آن، ترس هلاکت انسان علماً و گماناً وجود داشته باشد. امام شافعی (رحمه الله) در تعریف ضرورت می فرماید: ضرورت به حالتی گفته می شود که شخص در موقعیتی قرار داشته باشد که همراه خود نه طعام داشته باشد و نه چیز دیگری که از آن بخورد و از شدت گرسنگی خود بکاهد، مثل شیروغیره، ویا گرسنگی طوری شدید شود که ترس مرگ آن ویا ابتلاء به مرض، شدیداً وجود داشته باشد، یا اینکه ترس مرگ نباشد، اما در صورت که چیزی تناول نکند؛ این گرسنگی، ضرر وارد کند.<sup>(۵)</sup>

## مطلب دوم: اقسام ضرورت

<sup>۱</sup> عبدالمنعم، محمود عبدالرحمن. (ب.ت) معجم المصطلحات والالفاظ الفقهية. ص ۴۱۰، جامعة الازهر- القاهرة

<sup>۲</sup> زیدان، الوجيز در اصول فقه، ص ۳۸۶

<sup>۳</sup> الزحيلي، وهبة، (۱۴۳۳-۲۰۱۲) موسوعة الفقه الاسلامي والقضايا المعاصرة.. ج ۳، ص ۵۱۲، دمشق: دارالفکر، الطبعة الثالثة.

<sup>۴</sup> الدسوقي، حاشية الدسوقي، ج ۲، ص ۱۱۵

<sup>۵</sup> امام شافعی، الأم، ج ۲، ص ۲۷۶

موضوع ضرورت و تقسیمات آن، در عصر حاضر از موضوعات مهم اعتبار کرده می شود و برای انجام ضرورت و یا عدم اجرای آن باید علم کافی وجود داشته باشد تا از ضرورت، درست استفاده صورت بگیرد و یا به بهانه ضرورت کارهای غیر شرعی انجام نشود. ضرورت از جهات و اعتبارات متعدد به چندین قسم تقسیم می شود

### (الف) اقسام ضرورت به اعتبار متعلقات آن (ضروری)

۱- **ضرورت که به حفظ دین تعلق می گیرد:** این مورد ضرورت، به صحت جسمی و عقلی اختصاص داشته؛ و حفظ دین، حفظ عبادات را نیز دربر می گیرد. تداوی و معالجه، حفظ و رعایت صحت خوب، در حفظ عبادات سهم مستقیم دارد. خداوند متعال، توانایی جسمی و عقلی لازم را، جهت اداء مسئولیت عبادات به انسان های مکلف اعطاء کرده. پس عبادات اساسی چون: روزه، نماز، حج، تکیه بر طاعت جسمی دارند و جسم ضعیف توانای اداء و انجام این عبادات را بوجه کامل ندارد. از این جهت صحت کامل و موازی برای فهم عقاید و دوری از خطاء فهمی، ضروری می باشد.

۲- **ضرورت که به حفظ نفس تعلق می گیرد:** این ضرورت مقصد اساسی اش طبابت و معالجه است (طبابت و معالجه) نه مانع مرگ شده می تواند و نه مرگ را به تأخیر می اندازد، چراکه مرگ، بدست خداوند متعال است؛ لکن طب محافظ زندگی بهتر و عاری از مرض های عادی، تا زمان مرگ می با شد. و این محافظت بالای وظایف جسمی صورت می گیرد. همان طوری که رابطه بین فقه و طب در امر حفظ نفس واضح می شود، همین طور این ضرورت از مقاصد اکبر شریعت شناخته می شود، نگهداری و محافظت نفس این است که از بی پروایی و به هلاکت انداختن آن جلوگیری کنیم و تداوی نفس را در اولویت کاری قرار دهیم. (۱) خداوند متعال در قرآن کریم به گونه صریح به طبابت و قیای دعوت می کند، چنانچه می فرماید: **{وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ ۚ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا}**. (۲) ترجمه: و خودتان را نکشید، زیرا خداوند نسبت به شما مهربان است.

۳- **ضرورت که به حفظ نسل تعلق می گیرد:** طب نیز معاونت و همکاری خود را در جهت حفظ نسل از طریق توصیه های شدید صحتی به اطفال انجام می دهد تا این اطفال را به عنوان نسل جدید، مردان کامل و صحتمند، به جامعه تقدیم نماید، و همچنان معالجه ای مردان و زنان عقیم با

<sup>1</sup> الکندی، عبدالرازق. المفطرات الطبية المعاصرة دراسة فقهية طبية مقارنة. ص ۵.

<sup>2</sup> سورة النساء، آیه: ۲۹



وجود اینکه کارسخت است به دوش طب می باشد. و این رشته علمی، قبل از تولد کودکان متوجه صحت آنها است تا اطفال، صحتمند بوجود بیایند.

**۴- ضرورت که متعلق به حفظ عقل می باشد:** طب در حفظ عقل انسان نیز نقش خود را از طریق معالجه امراض جسمی بازی می کند، بحیث که معالجه جسم و آزاد سازی آن، از درد و الم، فشارعصبی را که به حالت عقلی و روانی انسان تاثیر گزار است کاهش می دهد. و همین طور است معالجه ای حالات نفسانی، بخاطر حفظ وظایف عقلی ضرورت است. و به همین شیوه طب، در معالجه معتادین که به الکول و مخدرات آغشته هستند کمک می کند تا با تداوی از اعتیاد و عدم استفاده مخدرات حالت روانی خود را از دست ندهند.

**۵- ضرورت که به حفظ مال تعلق می گیرد:** طب در حفظ مال نیز کمک می کند، طوری که اموال و مجتمعات نیازمند صحت و نشاط بوده و به آن تکیه می کنند.

**ب: اقسام ضرورت به اعتبار عموم و خصوص:**

#### **۱- ضرورت عامه**

طوری که حاجت و ضرورت به لحاظ معنایی بجای همدیگر قرار می گیرند همین طور یک اصل فقهی در این زمینه داریم که می گوید "الحاجة تنزل منزلة الضرورة"<sup>(۱)</sup> یعنی گاهی اوقات حاجت در جایگاه ضرورت قرار می گیرد. از جمله کشف عورت و لمس آن، بخاطر تداوی کردن و یا اجرای عملیات جراحی بدون اجازه بیمار درحالات عارضی و آنی که احتمالاً تاخیر در انجام آن منجر به ضرر شدید و یا فوت شود.

#### **۲- ضرورت خاصة**

اجازه نگاه کردن به محرم و لمس آن به قصد تداوی، و کشف موضع مرض حتی اگر عورت هم باشد، نظر کردن و لمس کردن آن بقصد تداوی جایز است، برابر است که معالج مرد و بیمار زن باشد و یا عکس آن که در وقت ضرورت جایز است. از آنجای که قاعده فقهی در این مورد بیان می دارد: "لا يجوز أن يتعدى الرخصة موضعها"<sup>(۲)</sup> جایز نیست که در هنگام استفاده از رخصت حدود آن را نادیده بگیریم و از محدوده آن تجاوز کنیم.

**ج: اقسام ضرورت به اعتبار دلیل**

<sup>۱</sup> الاشباه والنظائر ابن نجيم صفحه، ۹۱ و سيوطي، ص ۸۸  
<sup>۲</sup> الندوي، القواعد الفقهية، ص ۱۲۸

۱- ضرورت که توسط نص قرآنی ثابت شده است: مانند خوردن از میتة یاخود مرده برای شخص مضطر(مجبور) از جهت این قول الله تعالی {فَمَنْ اضْطُرَّ فِي مَخْمَصَةٍ غَيْرِ مُتَجَانِفٍ لِإِثْمٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ} (۱) ترجمه: پس هرکسی که از گرسنگی در مانده شود و مایل به گناه نباشد، مانعی ندارد که از گوشت های ممنوع بخورد، پس بداند که خداوند آمرزنده مهربان است. و یا تداوی کردن با اشیای حرام برای کسان که بدیل پاک و حلال، برای طبابت خود پیدا نمی کنند، مشروط به اینکه مقدار که در شریعت برای طبابت با این اشیاء تجویز شده است در نظر گرفته شود.

۲- ضرورت که اجتهاد آن را ثابت کرده است: در باب مصالح مرسله به این موضوع اشاره می کند که هرگاه ضرورتی، مانند ضرورت نظر کردن طبیب به عورت زن، هنگام معالجه باشد، برای خلاص شدن از آن جهت دفع ضرر، اجرای اعمال وقایه جهت نجات از آن جایز است. (۲) طوریکه در قاعده فقهی آمده است. (لا واجب مع عجز، ولا حرام مع ضرورة) (۳) هنگام و ناتوانی هیچ چیزی واجب نیست و در وقت ضرورت چیزی حرام نیست.

### مطلب سوم: مفهوم لغوی ضابط:

ضوابط، مفرد آن ضابط است و ضابط در لغت اسم فاعل ضبط می باشد و ضبط در لغت دارای چندین معنی است. آنچه که در «جمهرة اللغة» آمده است چنین است "ضبط الرجل الشيء بضبطه ضبطاً إذا أخذه اخذاً شديداً، والرجل الضابط: الشديد الأيد، وكان عمر (رضی الله عنه) أضبط يعمل بکلنا یدیه". (۴) مرد گرفت چیزی را به گرفتن قوی، یعنی وقتی آن را گرفت به طور محکم و شدید گرفت و مرد ضابط: مرد قوی دست. عمر رضی الله تعالی عنه مرد قوی و ضابط بود چون با هر دو دست خود عمل می کرد.

و یا ضوابط، جمع «ضابط» و ضابط در لغت اسم فاعل و از ضَبَطَ گرفته شده، ضبط الشيء، یعنی با استقامت و استواری چیزی را نگهداری کردن. و یا ضبط العمل: محکم کردن و استوار گردانیدن. مثل ضبط الكتاب: آن کتاب را شکل دادن و تصحیح کردن. و در اصطلاح نحوی، به آن فروع گفته می شود که تحت باب واحد جمع می شود. (۵) همچنان در قاموس المحيط آمده است:

<sup>1</sup> سورة المائدة، آیه: ۳

<sup>2</sup> مطر مزید، مراد سهیل. (۱۴۲۸) عمل المرآت فی المجال الصحی بین الضرورت والضرر. ص ۷۴. الغزة

<sup>3</sup> البورنو، موسوعة القواعد الفقهیه، ج ۱، ص ۹۱

<sup>4</sup> ابن درید، ابوبکر محمد بن الحسن، (۹۸۷ م) جمهرة اللغة دارالعلم، بیروت، الطبعة الأولى، ص ۳۵۲.

<sup>5</sup> یعقوب، ایمیل بدیع. (۲۰۰۶ م)، موسوعة علوم اللغة العربیه، ج ۶، ص ۱۶۴، باب الضاد، کتاب، الناشر: دارالکتب العلمیه - بیروت، الطبعة الأولى

ضبط کرد آن را ضبطاً ضباطه، آن را با استواری حفظ کرد، مرد و شتر ضابط، یعنی قوی. واضبط: کسی که با هر دو دست خود عمل کند.<sup>(۱)</sup>

### مطلب چهارم: مفهوم اصطلاحی ضابط

در هر علم اصطلاحاتی وجود دارد که می تواند مختص به آن علم باشد، اما اصطلاح ضابط، در همه علوم استعمال می شود، و در هر علم، تعریف ضابط، بنابر مراد و بحسب استعمال اصطلاح متفاوت می باشد. در نزد علماء فقه و اصول، برای ضابط یا ضوابط یک تعریف نبوده بلکه این تعریف در دو جهت متفاوت تعریف شده است:

جهت اول: جهت که ضابط را در مفهوم قاعده آورده و هر دو را به معنی واحد دانسته اند. در این دیدگاه ضابط مرادف قاعده قرار داده شده است، چنانچه، در کتاب المصباح المنیر آمده: "والقاعده فی الاصطلاح بمعنی الضابط وهی الامر الکی المنطبق علی جمیع جزئیاته"<sup>(۲)</sup> قاعده در اصطلاح بمعنی ضابط بوده و به هر امر کلی گفته می شود که بالای تمام جزئیات خود تطبیق شود. و همچنین در تیسیر التحریر آمده است که معنای قاعده مانند ضابط، قانون، اصل و حرف است و اینها الفاظ مترادف اصطلاحی هستند.<sup>(۳)</sup> و آل بورنو در کتاب موسوعة القواعد الفقهیه گفته است: یکی از معانی قاعده در لغت همان ضابط است که عبارت است از امر کلی که به تمام جزئیات خود تطبیق پیدا کند.<sup>(۴)</sup>

جهت یا نظر دوم: در این نظریه بین ضابط و قاعده فرق قایل شده اند، و اکثراً به این نظر هستند که ضابطه خاص تر از قاعده می باشد. قاعده آن است که فروع و جزئیات مختلف از ابواب مختلف در آن جمع شده باشد، در حالیکه ضابط آن است که جزئیات و فروع مختلف را در باب واحد جمع می کند. چنانچه سبکی می گوید: قاعده امر کلی است که بر جزئیات زیادی تطابق پیدا کرده و احکام آن نیز فهمیده شود و به باب خاص مربوط نباشد، مانند اینکه می گویم: «الیقین لایزول بالشک»<sup>۵</sup> یقین توسط شک از بین نمی رود. و آنچه که به باب خاص مربوط می شود مانند

<sup>۱</sup> القاموس المحيط، حرف ضاد، ص ۹۶۴

<sup>۲</sup> الفیومی، احمد بن محمد، (۱۴۱۵م) المصباح المنیر، ج ۲، ص ۵۲۰. دارالمعارف، الطبعة الثانية،

<sup>۳</sup> امیر پادشاه، محمد امین، ۱۴۰۳ هـ تیسیر التحریر، ج ۱، ص ۱۵. دارالکتب العلمیه، بیروت،

<sup>۴</sup> آل بورنو، محمد صدقی، (۱۴۴۲ هـ) موسوعة القواعد الفقهیه، ج ۱، ص ۲۰. مؤسسة الرسالة، بیروت، الطبعة الاولى،

<sup>۵</sup> الزیدان، عبدالکریم، (۲۰۰۱م) الوجیز فی شرح القواعد الفقهیه فی الشریعت الاسلامیه، قاعده ۱۲، ص ۳۵، مؤسسة الرسالة الطبعة الاولى الاولى

این جمله می باشد: «کل كفارة سببها معصية فهي على الفور» والغالب فيما اختص بباب وقصد به نظم صور متشابهة أن تسمى ضابط. (۱) سبب هر كفاره گناه می باشد واین به وفور ثابت است. غالباً در مورد چیزی که به یک باب مشخص اختصاص پیدا می کند واز آن نظم یک صورت مشابه قصد می شود تا ضابط گفته شود.

اما تعریف که به لحاظ اصطلاحی نزد اکثر علماء مورد قبول واقع گردیده، تعریف است که عام می باشد: الضبط در لغت عبارت است از حزم، استواری و اعتماد، ودر اصطلاح: اسماع کلام و فهم معنی آن، طوریکه مراد است؛ حفظ و نگهداری آن به اثر تلاش و ثابت ماندن به آن، در هنگام مذاکره، تا زمان ادای آن به غیر. (۲)

**مطلب پنجم: مفهوم لغوی کار:** در لغت عرب، کار را عمل می گویند؛ کلمه عمل از «عمل يعمل عملا» که مصدر است، گرفته شده است، عامل اسم فاعل است. عین، میم، لام اصل واحد صحیح است.

در عربی، مزد کار را اجرت و یا عماله می گویند. و معامله، مصدر فعل است. و عماله: به کسانی گفته می شود که به دستان شان انواع کارها را انجام می دهند، مانند چاه کندن، حفاریات و غیره. (۳) کار در لغت به معنی مهنة و انجام دادن و جمع آن اعمال است. گفته می شود که عمل به معنی ایجاد یک امر قولی یا فعلی. (۴)

**مطلب ششم: مفهوم اصطلاحی کار یا عمل:** از تعاریف که دانشمندان در معنی اصطلاحی کار کرده اند تعریفی که معنای کار را به طور خاص افاده کرده و غرض مفهوم را برساند نشده است؛ و تعاریف آن ها یا این که عام بوده و یا هم غرض از کار را اداء نمی کند.

کار، میدان بزرگ دارد و دارای شاخه ها و اغراض متعدد می باشد و گنجاندن آن در یک تعریف جامع و مانع کاری بس مشکل است. از مجموع تعریف هایی که برای کار شده، تعریف دکتر سلیمان بن ابراهیم، تعریف جالب و خوبی است، ایشان می گوید: «کار عبارت از هر نوع سعی و

<sup>1</sup> السبکی، تاج الدین عبدالوهاب، (۱۴۱۱هـ) الاشباه والنظائر، دارالکتب العلمیه، بیروت، الطبعة الاولى، ج ۱، ص ۱۱

<sup>2</sup> الجرجانی، سید شریف. (۱۴۱۳) معجم التعريفات، ص ۱۶، الناشر: دارالفضيلة، القاهرة

<sup>3</sup> - معجم مقاییس اللغة، ابن فارس: (ج ۴/ص ۱۴۵). أبو الحسين احمد بن فارس بن زكريا، بيروت، لبنان، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، نشر ۱۳۹۹ هـ، ۱۹۷۹ م.

<sup>4</sup> عبدالمنعم، معجم المصطلحات والالفاظ الفقهية. ص ۵۴۳

تلاشی است که انسان در عرصه فعالیت‌های صنعتی، حرفه‌ای، زراعی، تجاری، و غیره، بخاطر تحقق هر هدفی که دارد انجام می‌دهد».<sup>(۱)</sup>

### مطلب هفتم: مفهوم و ماهیت کار صحی

صحت در لغت به کسر و فتح مصدر صح، و صح یصح صحاح و قوم اصحاء، منها اصح الله فلان، یعنی خداوند متعال فلان شخص را صحت داده است، و این جمله براءت از هر عیب ضد صحت بوده و به معنی از بین رفتن مرض است و این حالت خلاف سقم و مرض می باشد.<sup>۲</sup>

و یا صحت در لغت به معنی سلامت، و صحیح ضد بیمار بوده و به حالتی گفته می شود که افعال انسان به طور سالم بتواند کار و فعالیت کند و صحت بدنی، به حالت طبیعی گفته می شود که فعالیت انسان به طور عادی جریان داشته باشد. مثل اینکه گفته می شود (صحت صلوات) یعنی نماز طور ادا گردیده که قضاء از آن ساقط شده باشد (یعنی قضاء آوردن آن لازم نباشد). یا گفته شود (عقد صحیح است) وقتی که آثار عقد بر آن مرتب شود و یا قول درست و صحیح است اگر مطابق واقعیت باشد.<sup>۳</sup>

صحت در اصطلاح، به معنی خالی بودن بدن از مرض و سقم نمی باشد بلکه به حالت بدنی، نفسانی و اجتماعی گفته می شود که انسان به طور منظم و دارای استقرار صحی بوده و شخص ادامه روزهای زندگی اش را به صورت صحیح و مطابق توصیه های بهداشتی در حالت درست و صحیح پیش ببرد.<sup>۴</sup>

### مطلب هشتم: مفهوم خلوة:

«خلوة لغتاً: خلا المكان والشیء یخلو خلواً و خلاءً». خلوة در لغت به معنی مکان خالی و هر آن مکان که خالی از چیز دیگر باشد. محل خالی، به آن محلی گفته می شود که در آنجا نه کسی باشد

<sup>۱</sup> - مجلة البحوث الإسلامية، شماره: ۶۲، ریاض، المملكة العربية السعودية، ریاسة إدارة البحوث العلمية والإفتاء بحث من د. سليمان بن ابراهيم بن ثنيان، نشر ذو القعدة وذو الحجة ۱۴۲۱ هـ محرم و صفر ۱۴۲۲ هـ. (ص/۱۲۷).

<sup>۲</sup> الفيروز آبادی، القاموس المحيط، ص ۲۹۱.

<sup>۳</sup> عبدالمنعم، معجم المصطلحات والفاظ الفقهية، دارالفضيلة.

<sup>۴</sup> كنعان، و آخرون (۲۰۰۰م) الموسوعة الطبية، الفقهية، ص ۶۴۴، بيروت: دارالنفائس الطبعة الاولى،

ونه چیزی. ودر اصطلاح، تنها شدن مرد بیگانه به همراه زن بیگانه ونامحرم در مکان که از ورود غیر آنان در امان باشند.<sup>(۱)</sup>

یا خلوة حرام آن است که مردی به همراه زن اجنبی غیر محرم، تنها شود، درحالیکه از چشم مردم دور باشد. این از افعال جاهلیت بوده واز جمله گناهان کبیره است.<sup>۲</sup>

### مطلب نهم: مفهوم لغوی واصطلاحی اختلاط

اختلاط کلمه ای است که از خَلَطَ مشتق شده به معنی «مزج» آمیختن است واطلاق این کلمه به اجتماع(شدن) مردان با زنان گفته می شود.<sup>(۳)</sup>

الاختلاط: "من خلط شیء بالشیء خلطاً" کسی که چیزی را به چیز دیگر مخلوط ویا ضم نماید.مثل این قول خداوند متعال{وَآخِرُونَ اعْتَرَفُوا بِذُنُوبِهِمْ خَلَطُوا عَمَلًا صَالِحًا وَآخَرَ سَيِّئًا عَسَى اللَّهُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ}.<sup>(۴)</sup> ترجمه: وگروه دیگری نیز هستند که به گناهان خود اعتراف کردند،کارهای شایسته وناشایسته را به هم آمیختند، امید است که خداوند توبه ی آنان را بپذیرد، بی گمان خداوند آمرزنده مهربان است.

معنی لغوی اختلاط: اختلاط در لغت یکجا کردن چیزی به چیز دیگری که ممکن است بعد از این اختلاط میان اشیاء تمیز کرده شود، مثل: حیوانات. ویا تمیز کرده نشود،مثل:مایعات که درهم آمیخته شوند. گفته شده اصل خلط، تداخل بعضی از اجزاء اشیاء را در بعضی دیگر گفته می شود. وهمچنان گفته می شود"رجل خلیط" هرگاه یک مرد با مردم زیاد در ارتباط ومختلط باشد به آن (رجل خلیط) می گویند که جمع آن خلطاء می باشد. مثل: شریف وشرفاء.<sup>(۵)</sup>

تعریف اصطلاحی اختلاط: اختلاط عبارت است از اجتماع مرد و زن که باهمدیگرمحرم شرعی نباشند.<sup>(۶)</sup> وهمچنان در تعریف اختلاط گفته شده: اختلاط عبارت است از اجتماع مردان با زنان غیر محرم، در مکان واحد به گونه ایکه تماس ومواصلت میان شان ممکن باشد، برابر است که این

<sup>۱</sup> لسان العرب، ج ۱۴، باب خ، ص، ۲۲۷

<sup>۲</sup> صقر، شهبته، الاختلاط بین الرجال والنساء ص ۶۲

<sup>۳</sup> فیروز آبادی، القاموس المحیط، ج ۲، ص ۲۱۴، ۲۱۳

<sup>۴</sup> سورة التوبة، آیه: ۱۰۲.

<sup>۵</sup> المصباح المنیر، ج ۱، ص ۲۴۲ / عبدالمنعم، معجم المصطلحات والالفاظ الفقهیه، ص ۹۸

<sup>۶</sup> عودة الحجاب، لمحمد بن اسماعیل المقدم، ج ۳، ص ۵۲

اختلاط، نظر کردن باشد یا اشاره کردن و یا صحبت کردن و یا تماس حضوری. و یا اختلاط عبارت است از اجتماع مردان با زنان بیگانه در مکان واحد، جهت کاری خرید و فروش و یا هم صفاکاری، سفر و مسافرت.<sup>(۱)</sup>

## مبحث دوم: مشروعیت کار زنان در بیرون بیرون از خانه

### مطلب اول: مشروعیت کار زنان و آثار آن

از نصوص قرآن کریم و سنت مطهر پیامبر (صلی الله علیه وسلم) و آنچه علما در تفاسیر خود از کتاب و سنت گفته اند استنباط می شود که کار نه تنها مباح است، بلکه مندوب است و سبب کرامت و فضیلت می گردد و شرع بر انجام دادن آن تشویق می نماید، همچنین حتی از حقوق افراد است که می توانند انواع کارهای جایز شرعی مانند تجارت، کشاورزی، صنعت و کارهای دستی را تمرین کنند و به سبب آن حق آزادی سفر را به اطراف و اکناف کشور حتی خروج و بازگشت به آن را دارند.<sup>۲</sup>

کار کردن مباح است و چنانچه برای رفع نیاز باشد مستحب است و اگر هدف کسی از کسب درآمد انجام فریضه حج یا یاری نیازمندان و یا راهی برای به دست آوردن نفقه واجب مانند نفقه همسر و پدر و مادر یا فرزندان یا برای جلوگیری از گدایی و درخواست از دیگران برای خود یا دیگری باشد - در صورت توانایی انجام کار بر او واجب است.

شریعت اسلامی از دو مرجع اصلی و ثابت احکام خود را اخذ می نماید که غیر قابل تغییر هستند، این احکام و اصول، وحی آسمانی بوده و عبارت از قرآن و سنت می باشند. هرگاه بخواهیم مشروعیت یک عمل را بیان کنیم باید به این دو منبع مراجعه نمائیم، از جمله مشروعیت کار کردن زنان، پس کار زنان در حدود که خداوند متعال مباح قرار داده است همان اعمال مشروع به شکل عام و خاص می باشند، در صورتی که حاجت برای کار وجود داشته باشد از جمله دلایل که به مشروعیت عمل زنان اشاره می کند ذیلا بیان خواهد گردید:

<sup>۱</sup> مجموع فتاوی و مقالات متنوعه لابن باز، ج ۱، ص ۴۲۰  
<sup>۲</sup> مطر مزید، عمل المرأة فی المجال صحی، ص ۳۶

علماء اشتغال زنان به کار و وظیفه را جایز دانسته و به دلایل ذیل استدلال می کنند:

الف: دلالتی از قرآن، مبنی بر مشروعیت و کار زنان:

خداوند متعال در مورد مشروعیت کار زنان می فرماید: (وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةٌ مِّنَ النَّاسِ يَسْتَفُونَ وَوَجَدَ مِنْ دُونِهِمُ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ قَالَ مَا خَطْبُكُمَا قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّىٰ يُصَدِرَ الرِّعَاءُ وَأَبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ فَسَقَىٰ لَهُمَا ثُمَّ تَوَلَّىٰ إِلَى الظِّلِّ فَقَالَ رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ).<sup>۱</sup>

ترجمه: و هنگامی که به (چاه) آب مدین رسید مردمان زیادی را دید که بر آن گرد آمده اند و چهارپایان خود را سیراب می کنند و آن طرف تر دو زنی را دید که گوسفندان خویش را می پابند، موسی گفت: «شما دو نفر چه کار می کنید؟» گفتند: «پدر ما پیرمرد کهن سالی است. ما گوسفندان مان را آب نمی دهیم تا چوپانان [همگی، گوسفندان خود را] برگردانند» (موسی دلش به حال آنان سوخت و) گوسفندان ایشان را سیراب کرد. سپس به زیر سایه (درختی) رفت؛ و عرضه داشت: پروردگارا! من نیازمند هر آن چیزی هستم که برایم حواله و روانه فرمایی.»

در تفسیر این آیه آمده است: (وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ) یعنی زمانی موسی به آب مدین رسید که با آن آب [حیوانات، را سیراب می کردند.

(وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةٌ مِّنَ النَّاسِ) یعنی بر لب چاه گروه بسیاری از مردم را دید. (وَوَجَدَ مِنْ دُونِهِمُ) یعنی در محلی پایین تر از آن مردم. (امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ) یعنی موسی دو زن را دید که گوسفندانشان را دور می کردند تا با گوسفندان مردم نیامیزند. (قَالَ مَا خَطْبُكُمَا) موسی به آنها گفت: «شما این جا چه می کنید؟» (قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّىٰ يُصَدِرَ الرِّعَاءُ وَأَبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ) گفتند: ما گوسفندانمان را آب نمی دهیم تا مردم گوسفندان خود را آب دهند و جا برای ما خالی شود. زیرا ما توان بدنی آنها را نداریم و اگر پدرمان ضعیف و ناتوان نبود به این جا نمی آمدیم. (فَسَقَىٰ لَهُمَا) هنگامی که موسی سخنان آنها را شنید گوسفندانشان را سیراب کرد و با آن مردم رقابت نمود و [آن دختران] پیش از وقت همیشگی و معمول به نزد پدر بازگشتند»<sup>۲</sup>.

وجه استدلال: حضرت شعیب به دخترانش اجازه داده بود تا گوسفندان را بیرون از خانه و از چاه مدین، سیراب نمایند زیرا خود از سیراب نمودن گوسفندان ناتوان بود و به سبب ضرورت برای او مباح گشته که به دخترانش اجازه دهد، این کار را انجام دهند. امام رازی در زمینه تفسیر

<sup>۱</sup> سوره القصص، آیه: ۲۳-۲۴

<sup>۲</sup> - تفسیر الرازی، ج ۲۴، ص ۲۳۹، تفسیر آلوسی، ج ۲۰، ص ۵۹-۶۰.



این آیه گفته است: اگر پرسیده شود چگونه جایز است پیامبری چون شعیب راضی شود که دخترانش برای سیراب کردن گوسفندان بروند؟

پاسخ این است که اگر شعیب پیامبر است، هیچ مفسده ای نیز در انجام کار دخترانش نیست. زیرا دین آن را منع نمی کند اما جوانمردی مردم نسبت به یکدیگر و وضعیت بادیه [نشینان] با شهر متفاوت است. به ویژه اگر وضعیت ضروری باشد<sup>۱</sup>.

در واقع، انجام این کار در حالت ضرورت بوده است زیرا شعیب پسری نداشته که گوسفندان را به جای او سیراب کند پس ناچار بود دخترانش را برای انجام این کار بفرستد و این نکته را که شعیب پسری نداشت ادامه داستان روشن می کند. زیرا هنگامی که دختران برگشتند و پدر را از اتفاقات پیش آمده خبر کردند<sup>۲</sup> او یکی از دختران را دنبال موسی فرستاد تا او را به خانه اش بیاورد. خداوند فرموده است:

**(فَجَاءَتْهُ إِخْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى أَسْتَحْيَاءٍ قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَفَيْتَ لَنَا)<sup>۳</sup>**

ترجمه: یکی از آن دو (دختر) که با نهایت حیا گام برمی داشت به پیش او آمد و گفت: پدرم از تو دعوت می کند تا پاداش اینکه گوسفندان ما را آب داده ای، به تو بدهد.

اگر نزد شعیب کسی دیگری جز دختران می بود وی را به جای دخترش می فرستاد. همه اینها دلالت می کنند، بر اینکه شعیب ناچار بود، برای سیراب کردن گوسفندان دخترانش را بفرستد.

**(وَإِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تَسْرَضِعُوا أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا آتَيْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ)<sup>۴</sup>** ترجمه: و اگرخواستید برا یفرزندان خود دایه ای بگیریید، گناهی بر شما نیست؛ به شرط اینکه آنچه را مقرر کرده اید، به طور شایسته بپردازید. و از خدا بترسید، و بدانید که خداوند خداوند به آنچه که انجام می دهید بینا است.

وجه استدلال به این آیه این است که وقتی به اجاره گرفتن زن جهت رضاعت جایز است، پس برای ولی طفل لازم است که اجرة خانم مرضعه را بدهد. این عمل از وظایف اصلی خانم ها است که با فطرت زنها نیز توافق دارد.<sup>(۵)</sup>

<sup>۱</sup> - تفسیر الرازی، ج ۲۴، ص ۲۳۸.

<sup>۲</sup> فقه المرأة المسلمة ص ۲۴۹

<sup>۳</sup> سورة القصص، آیه: ۲۵

<sup>۴</sup> سورة البقره، آیه: ۲۳۳

<sup>۵</sup> التفسیر الکبیر، ج ۶، ص ۴۵۸

خداوند متعال در سوره توبه می فرماید: (وَقُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ).<sup>(۱)</sup>

ترجمه: ای پیامبر بگو هرچه میخواهید عمل کنید سپس خداوند و پیامبرش و مومنان عمل شما را می بینند.

و همچنان در سوره ملک می فرماید: (هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ دُلُورًا فَاْمَشُوا فِي مَنَآكِبِهَا وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهِ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ).<sup>(۲)</sup> ترجمه: خداوند کسی است که زمین را برای شما نرم و هموار گردانیده است، پس شما در اطراف زمین گردش کنید و از روزی خداوند بخورید و بدانید که باز گشت همه خلائق بسوی او است.

وجه دلالت: هردو آیه فوق الذکر عام هستند و شارع در این آیات زن و مرد را تشویق به کاری می نماید که مؤثر بوده و سعادت و مصلحت مردم را در پی داشته باشد، و همچنان عمل باید با طبیعت و نفس عامل سازگار بوده باشد که به چنین عملی به شدت ترغیب صورت گرفته است، زیرا کار که جهت مرفوع ساختن مشکلات مردم و به خیر عامل و مردم باشد؛ اساس خیر و سعادت در دنیا و آخرت می باشد.<sup>(۳)</sup>

الله متعال در سوره دیگری می فرماید: (فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِّنْكُمْ مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْتَىٰ بَعْضُكُمْ مِّنْ بَعْضٍ).<sup>(۴)</sup> ترجمه: پس خداوند دعای ایشان را اجابت کرد که البته من که پروردگارم عمل هیچ کسی، چه مرد و چه زن را بی مزد نگذارم؛ زیرا شما از یکدیگر هستید. (و همه در نظر من یکسان هستید).

(مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْتَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّاهُ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ).<sup>(۵)</sup> ترجمه: هرکسی از مرد و زن که کار نیکی را به انجام دهد درحالیکه ایمان به خدا داشته باشد ما او را با زندگانی خویش زندگی با سعادت ابدی می دهیم و اجر بسیار بهتر از عمل نیکی که می کردند به آنان اعطاء می کنیم.

وجه استدال: در هردو آیه اشاره به این است که زنان و مردان از حق مساوی کار برخوردار اند و هردو (زن و مرد) نیروی کار اند که می توانند کار کنند، چرا که این آیات دقیقاً بیان کرده اند که

<sup>۱</sup> سوره التوبه، آیه: ۱۰۵

<sup>۲</sup> سوره الملک، آیه: ۱۵

<sup>۳</sup> الکریدی، احمد الحجی، احکام المرأة فی الفقه اسلامی، ص ۱۴۷

<sup>۴</sup> سوره آل عمران، آیه: ۱۹۵

<sup>۵</sup> سوری النحل، آیه: ۹۷

الله سبحانه و تعالی عمل هیچ عاملی را ضایع نمی سازد، برابر است که این عامل (کارگر) زن باشد و یا مرد، و این عمل شامل اعمال دینی چون نماز، روزه و ذکر و غیر آن... و اعمال دنیوی می شود، زیرا در هر عمل دنیوی انسان نیت رضایت الله را می کند و می خواهد عمل صالح را انجام دهد بناءً خداوند متعال عمل وی را ضایع نمی کند. (۱)

و در آیت دیگری نیز بیان شده که (لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ). (۲)

ترجمه: هر یکی از مرد و زن آنچه را که اکتساب کنند بهره مند می شوند.

وجه استدلال: این آیه به طور واضح بیان می کند زنان خود حق کار و اشتغال را دارند چون لفظ (کسب) به معنی تلاش برای بدست آوردن رزق و روزی معیشت است، پس اسلام برای زن اجازه داده که کار کند و چیزی کسب نماید طوری که برای مرد این اجازه را داده است؛ و لکن در کار و اشتغال زن، ضمن اینکه مد نظر گرفتن حدود طبیعت زن و توانایی جسمی و عقلی آن ضرور بوده و رعایت قواعد نظام مرسوم و محل کار زن لازم است، زن نباید طوری به کار مشغول شود که از خانواده و تربیت فرزندان خود دور شود، چون از اساسی ترین حقوق زن تربیه اولاد صالح و ادای حقوق شوهر و خانواده اش می باشد. (۳)

رازی در تفسیر این آیه می فرماید: مراد از این آیه این است که برای هر یکی از مرد و زن باید سهم مشخص از آنچه که از نعمت های دنیا کسب کرده اند باشد، فرقی نمی کند که شی کسب شده از طریق ارث بدست آمده باشد و یا از طریق کار و عمل. (۴)

### دلالتی از سنت رسول الله (صلی الله علیه و سلم مبنی بر مشروعیت کار زنان:

امام بخاری در صحیح خود از اسما، دختر ابوبکر (رضی الله تعالی عنه) روایت کرده است:

(تَزَوَّجَنِي الزُّبَيْرُ وَمَا لَهُ فِي الْأَرْضِ مِنْ مَالٍ وَلَا مَمْلُوكٍ، وَلَا شَيْءٍ؛ غَيْرَ نَاصِحٍ وَغَيْرِ فَرَسِيهِ، فَكُنْتُ أَعْلِفُ فَرَسَهُ، وَأَسْتَقِي الْمَاءَ، وَأَخْرِزُ عَرَبَهُ، وَأَعَجِنُ، وَلَمْ أَكُنْ أَحْسِنُ أَخْبِرُ، وَكَانَ يَخْبِزُ جَارَاتُ لِي مِنَ الْأَنْصَارِ، وَكُنَّ نِسْوَةَ صِدْقٍ، وَكُنْتُ أَنْقُلُ النَّوَى مِنْ أَرْضِ الزُّبَيْرِ الَّتِي أَقْطَعَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَى رَأْسِي، وَهِيَ مِنِّي عَلَى ثَلَاثِي فَرَسَخٍ، فَجِئْتُ يَوْمًا وَالنَّوَى عَلَى رَأْسِي، فَلَقِيتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَمَعَهُ نَفَرٌ

<sup>۱</sup> سقیرق، طلعت محمود، (۱۹۹۱م) الاسلام دين العمل، منشورات جمعية الدعوة الاسلامية الطبعة الاولى

<sup>۲</sup> سورة النساء آية: ۳۲

<sup>۳</sup> محمد قنيس، عبدالحليم، معضلات ومشكلات تواجه المرأة المسلمة المعاصرة، ص ۴۷

<sup>۴</sup> التفسير الكبير، ج ۱۰ ص ۶۶

مَنْ الْأَنْصَارِ، فَدَعَانِي، ثُمَّ قَالَ: إِنْ إِنْخُ؛ لِيَحْمِلَنِي خَلْفَهُ، فَاسْتَحْيَيْتُ أَنْ أُسِيرَ مَعَ الرَّجَالِ، وَدَكَرْتُ الزُّبَيْرَ وَغَيْرَتَهُ، وَكَانَ أُغْيِرَ النَّاسِ، فَعَرَفَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنِّي قَدْ اسْتَحْيَيْتُ، فَمَضَى، فَجِئْتُ الزُّبَيْرَ فَقُلْتُ: لَقِينِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَعَلَى رَأْسِي النَّوَى، وَمَعَهُ نَفَرٌ مِنْ أَصْحَابِهِ، فَأَنَاخَ لِأَرْكَبَ، فَاسْتَحْيَيْتُ مِنْهُ وَعَرَفْتُ غَيْرَتَكَ، فَقَالَ: وَاللَّهِ لَحَمْلُكَ النَّوَى كَانَ أَشَدَّ عَلَيَّ مِنْ رُكُوبِكَ مَعَهُ، قَالَتْ: حَتَّى أُرْسَلَ إِلَيَّ أَبُو بَكْرٍ بَعْدَ ذَلِكَ بِخَادِمٍ تَكْفِينِي سِيَّاسَةَ الْفَرَسِ، فَكَأَنَّمَا أُعْتَقْتَنِي).<sup>(۱)</sup>»

«زبیر با من ازدواج کرد در حالی که بر روی زمین، ثروت و نوکر و خدمتکار نداشت و جز شتری آبکش و یک اسب، سرمایه دیگری جمع نکرده بود. من به اسبش علوفه می دادم و آب از چاه می کشیدم و آرد الک شده را خمیر می کردم. اما خوب بلد نبودم، نان بیزم. برای همین، زنان همسایه ام که از انصار بودند آن را برای من می پختند آنها زنان صادقی بودند. روزی در حالی که هسته‌ها را از زمین زبیر(رضی الله عنه) که پیامبر به او واگذار کرده بود روی سرم حمل می‌کردم، به پیامبر و گروهی انصار برخورد کردم. پیامبر مرا صدا زد و با بخ‌بخ شترش را متوقف کرد تا مرا بر پشت آن شتر سوار کند.

من شرم داشتم که با آن مردان رهسپار شوم، زبیر و غیرتش را به یاد آوردم و او باغیرت ترین مردم بود. پیامبر (صلی الله علیه وسلم) دانست که من شرم می‌کنم، رفت. هنگامی که نزد زبیر بازگشتم داستان را تعریف کردم و گفتم: پیامبر مرا در حالی دید که، بر روی سرم هسته بود و گروهی از اصحاب همراه او بودند. پس شترش را متوقف نمود تا سوار شوم. من شرم نمودم و غیرت تو را به یاد آوردم. زبیر(رضی الله عنه) گفت: سوگند به خدا، حمل خرما بر سرت از سوار شدن با او برایم سخت تر است. بنابراین از آن به بعد ابوبکر خدمتکاری را نزد فرستاد تا اسب سواری را به من یاد دهد»<sup>۲</sup>.

در شرح این حدیث آمده است: انگیزه أسما، دختر ابوبکر(رضی الله عنه)، درشکبایی بر این کارهای سخت که در حدیث آمده است و سکوت شوهر و پدرش بر آن کار، مشغول بودن شوهر و پدرش به جهاد و کارهای دیگری بود که پیامبر به آنها دستور می‌داد؛ زیرا زبیر(رضی الله عنه) وقت انجام کارهایی را که اسما به آن می‌پرداخت، نداشت. و نیز توانایی استخدام خدمتکار و برده را نداشت که این کارها را برایش انجام دهند و در نتیجه کار تماماً به همسرش واگذار شده بود و

<sup>۱</sup> أخرجه البخاري، ج ۷، ص ۳۵، (۵۲۲۴)، و مسلم (۲۱۸۲)،. إسناده صحيح على شرط الشيخين

<sup>۲</sup> - فتح الباری به شرح صحیح البخاری، ابن حجر عسقلانی، ج ۹۷، ص ۳۲۰-۳۱۹.

او رنج کارهای خانه، ساکنان آن، زحمت نگهداری اسپ، حمل میوه و مانند آن را تحمل می‌کرد تا زبیر برای کارهایی که به پیروزی اسلام و اجرای دستورات پیامبر می‌انجامد، وقت داشته باشد. همچنین عرف مردم در آن زمان، کمک همسران را به شوهر زشت و ناپسند نمی‌دانست و با استدلال به این حدیث زن موظف به انجام همه خدماتی است که مرد به آن نیاز دارد.

جمهور علما کارهایی را که اسما انجام داده، بر سنت حمل نموده‌اند و معتقدند کاری که اسما انجام داده، بر او واجب نبوده است. ابن حجر عسقلانی گفته است: «بر من روشن است که این واقعه و امثال آن، برای حالت ضرورت است. پس حکم آن به کسانی که در حالتی مانند اسما نیستند سرایت، داده نمی‌شود»<sup>۱</sup>.

داستان أسماء و همچنین آگاهی پیامبر از حال او و سکوتش، دلیل روشنی بر جواز کار زن، در هنگام ضرورت است. البته کار اسما (رضی الله عنها) هرچند برایش سخت و طاقت فرسا بود، اما به تکلیف و وظایف او در خانه آسیبی نمی‌رساند. زیرا او به اسپ زبیر هم می‌رسید برای نمونه به آن علوفه و آب می‌داد، همان‌گونه که به روشنی در روایت امام مسلم به این داستان اشاره شده و ابن حجر عسقلانی نیز آن را آورده است. در روایت مسلم گفته شده است: «من کارهای خانه زبیر را انجام می‌دادم، برای من هیچ‌کدام سخت تر از تیمار و نگهداری اسب نبود. من برای آن [از بیرون خانه] علوفه جمع می‌کردم و از عهده این کار به خوبی بر می‌آمدم»<sup>۲</sup>.

جمع‌آوری علف، کار دیگری بود که اسما، (رضی الله تعالی عنها) بیرون از خانه انجام می‌داد و همه اینها با رضایت شوهرش بود حتی کارهایی که انجام می‌داد، آسیبی به وظایف خانه داریش نمی‌رساند. به سبب اینکه اسما گفته است: «من کارهای خانه زبیر را انجام می‌دادم».

### ج: آثار وارد شده از صحابه و تابعین

از صحابه و تابعین نیز آثاری مبنی بر ضرورت کار و اهمیت آن در رشد اقتصاد و عدم تکیه بر دیگران نقل شده است که در ذیل به بخشی از آنها اشاره می‌کنیم:

<sup>۱</sup> - همان، ص ۳۲۴-۳۲۳ و صحیح البخاری به شرح العینی، ج ۲، ص ۲۰۹-۲۰۷.

<sup>۲</sup> - صحیح البخاری به شرح العسقلانی، ج ۹۷، ص ۳۲۳.

الف: معاویه بن قره (رضی الله عنه) روایت می‌کند: «أن عمر بن الخطاب أتى على قوم»  
فقال: ما أنتم؟ قالوا: نحن المتوكلون قال بل أنتم المتكلمون ألا أخبركم بالمتوكلين؟ رجل ألقى حبة  
في بطن الأرض ثم توكل على ربه» و قوله المتكلمون يعني على أموال الناس.<sup>۱</sup>

عمر (رضی الله عنه) به قومی برخوردار و فرمود: شما چه کسانی هستید؟ گفتند: ما توکل کنندگان  
هستیم. عمر (رضی الله عنه) گفت: بلکه شما سر بار دیگران هستید! آیا شما را از توکل کنندگان  
خبر کنم؟ انسان متوکل آن است که دانه را در دل زمین بکارد و سپس به الله توکل کند " مراد از  
متکلمون یعنی بر اموال مردم تکیه می‌کنند.

ب: حدیث عایشه (رضی الله تعالی عنها) که می‌فرماید: «كَانَ أَصْحَابُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ  
عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عُمَّالَ أَنْفُسِهِمْ وَكَانَ يَكُونُ لَهُمْ أَرْوَاحٌ فَقِيلَ لَهُمْ لَوْ اعْتَسَلْتُمْ».<sup>۲</sup>

یاران رسول الله (صلی الله علیه وسلم) خودشان کار می‌کردند، در نتیجه بوی بد (عرق) از آن‌ها  
به مشام می‌رسید، پس به آن‌ها گفته شد: اگر غسل می‌کردید (این بوی بد از بین می‌رفت).

وجه استدلال از آثار فوق: در اثر اول عمر (رضی الله عنه) ترک کار را مذموم دانسته و به  
اختیار اسباب آن امر می‌کند. و در اثر دوم عایشه ل از حال صحابه خبر می‌دهد که آن‌ها کار را  
جایز دانسته و خودشان کار می‌کردند و کارهای سنگین و سختی انجام می‌دادند که عرق آن‌ها را  
درمی‌آورد و بوی بد عرق از آن‌ها به مشام می‌رسید.<sup>۳</sup>

ج: پس از عصر صحابه نیز آثار زیادی در دست است که به کار دعوت می‌دهد و ما در این  
مجال تنها به اثری که از امام احمد و ابن عیینه در خصوص وجوب کار آمده، اکتفا می‌کنیم. خلال  
می‌گوید: محمد بن علی از صالح پسر امام احمد بن حنبل برایم نقل کرد که وی از پدرش پرسید:  
مراد از توکل کردن چیست؟ ایشان فرمود: «توکل چیز خوبی است، اما برای انسان مناسب نیست  
که سربار دیگران شود؛ انسان باید کار کند تا خود و خانواده‌اش خودکفا باشند و هرگز کار را  
ترک نکنند» صالح می‌گوید: از پدرم پرسیده شد و من به چشم گروهی از انسان‌ها را می‌دیدم که  
کار نمی‌کردند و می‌گفتند: ما توکل کنندگان هستیم. پدرم گفت: «اینان گروهی بدعت‌گرنده».  
ابوبکر مروزی روایت می‌کند که به ابو عبدالله " امام احمد " گفته شد: ابن عیینه هم می‌گفت که:

<sup>۱</sup> - جامع العلوم والحکم ج ۲، ص ۵۰۷  
<sup>۲</sup> - عمدة القاری شرح صحیح البخاری، عینی (۱۱ / ۲۶۵). شماره حدیث (۲۰۷۱). الإمام العلامة بدرالدین أبي محمد محمود بن احمد،  
پشاور، المكتبة الحفانية ۱۹۹۵ م.  
<sup>۳</sup> - مرجع قبلی (۱۱ / ۲۶۳ - ۲۶۶).

«آنان بدعت گرانند». سپس امام احمد / گفت: «آنان قوم بدی اند، می‌خواهند با این ادعای خود دنیا را تعطیل کنند»<sup>۱</sup>.

آیات واحادیثی که سابقاً ذکر کردیم همگی دعوت به کار زنان داده و ثابت نموده اند که کار از عمل پیا مبران، خلفای راشدین، صحابه کرام و جمیع سلف صالح بوده است، لذا این خود اجماع بر مشروعیت کار می‌باشد.<sup>۲</sup>

از مجموع این منابع معتبر تشریح اسلامی برمی‌آید که اسلام دروازه‌های کار را به روی مسلمانان گشوده است تا هر فرد مسلمان کاری مناسب حال خودش که کفایت و نیازش را فراهم کند انجام بدهد و هیچ گاه عمل خاصی را بر مسلمانی تعیین و فرض نمی‌گرداند، مگر در صورتی که بجز او کسی دیگر این مصلحت را در جامعه آن‌ها نتواند فراهم کند، در آن صورت بر وی لازم می‌گردد؛ همچنین هیچ دروازه‌ای را به روی مسلمانان بند نمی‌سازد مگر این که پیامد آن کار به ضرر دیگران و یا خودش باشد. رزق و روزی و زندگی باکرامت برای انسان بدون سعی و تلاش بدست نمی‌آید، لذا خداوند متعال خوردن رزق را وابسته به کشت و حرکت و سعی در زمین قرار داده است. خداوند متعال می‌فرماید: (فَأَمْشُوا فِي مَنَاقِبِهَا وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهِ<sup>۳</sup>). ترجمه: پس در اطراف و جوانب زمین راه بروید و از روزی خدا بخورید. پس کسی که تلاش نموده و حرکت می‌کند، نتیجه تلاش خود را بدست می‌آورد، ولی اگر انسان قادر حرکت نکند، سزوار آن است که از همه چیز محروم شود.

### مطلب دوم: شرایط کار و فعالیت زنان بیرون از خانه

علماء و دانشمندان اسلامی در مورد کار زنان سه نظر ارائه کرده اند: نظراول: کار زنان در بیرون از خانه را تأیید کرده و برای کار زنان حدود مشخص نکرده است؛ بلکه زن را به حیث عضو جامعه در بنای جامعه سالم شریک می‌داند. نظردوم: با کار زنان در بیرون از خانه تعارض داشته و کار زنان را تربیه فرزندان، رعایت حقوق شوهر و نگهداری خانه آن دانسته و می‌گوید: بیرون شدن زن از خانه جهت کار در بسیاری از موارد آثار بد داشته است و این بدی به خانه و اجتماع نیز سرایت کرده است.

<sup>۱</sup> - المنجد، محمد صالح، سلسلة أعمال القلوب، شيخ المنجد (ج ۱، ص ۳۲)، مجموعة زاد للنشر، چاپ اول، المملكة العربية السعودية ۱۴۳۰-۲۰۰۹.

<sup>۲</sup> - هموم العمل والعمال (۱۷-۱۹). الطویل؛ عزت عبدالعظیم، دار المطبوعات الجديدة، ۱۴۰۸ هـ ۱۹۸۸ م، اسکندریه، مصر.

<sup>۳</sup> سورة الملك، آیه: ۱۵.

نظر سوم این است که زن حق دارد بیرون از خانه کار نماید اما شروط و ضوابطی وجود دارد که باید آنها را رعایت نماید.<sup>۱</sup>

کار باعث سربلندی و افتخار می‌شود و با پدیده وقت‌کشی، سستی و فرو رفتن در سخن‌های بیهوده رویارویی می‌نماید. کار و تلاش هم برای زن و هم برای مرد مطلوب و سازنده است. از طرف دیگر خداوند متعال انسان بیکار و بی‌اراده را دوست نمی‌دارد؛ زیرا خداوند این را می‌خواهد که بندگان از طریق کار و تلاش وجود و شخصیت خود را اثبات نمایند و دستاوردها و منافعی را برای خود و جامعه‌ای که در آن زندگی می‌نمایند، ارائه نماید و سستی، و بیکاری و کار نهادن مسئولیت‌های زندگی را برای آن‌ها نمی‌پسندد.

مقتضای عدالت اسلامی این است که کارها و مسئولیت‌های روزمره زندگی براساس فطرت، طبیعت و توانایی خاص هر یک میان آن‌ها تقسیم شود. در همین رابطه است که کارهای خارج از منزل را به مردان و کارهای داخل خانه را به زنان سپرده است و این را از عملکرد و سنت رسول خدا (صلی الله علیه وسلم) در مورد حضرت علی و حضرت فاطمه می‌توان فهمید.

عرصه کار و تلاش در محیط خانه و منزل برای زنان عرصه گسترده و متنوعی است و همه امور مربوط به تهیه غذا، نظافت، شستشو، خیاطی، مرتب نمودن خانه و ... را شامل می‌شود. همچنین مسائل مربوط به دانش و آموزش قرآن و احادیث رسول خدا (صلی الله علیه وسلم) و آشنایی با احکام شریعت، فقه، اخلاق و ... را در بر می‌گیرد.<sup>۲</sup>

حوزه‌های کاری که مناب طبیعت زن شناخته شده و توظیف زن در آنها بر نفع خود زن و جامعه شناخته می‌شود قرار ذیل می‌باشند:

### ۱) کار کردن در حوزه دعوت بسوی الله

مثل دعوت گران و معلمان که احکام شریعت اسلام و اصول و فروع اسلامی را در مدارس، مراکز، پوهنتون‌ها بر مردم آموزش می‌دهند که این از بهترین و افضل‌ترین اعمال در دنیا و آخرت می‌باشد.

### ۲) کار کردن در حوزه تعلیم و تعلم عامه

مثل کار تدریس در مدارس دخترانه و تعلیم دادن علوم که در امور دنیوی و اخروی از آن همراه با ضوابط شرعی که برای خروج زنان به منظور کار در نظر گرفته شده استفاده نمایند. چنانچه از شفاء بنت عبدالله (رضی الله تعالی عنه) روایت است که گفته رسول الله

<sup>۱</sup> عبدالسلام محمد، عبدالفتاح، (۲۰۱۲) احکام و ضوابط عمل المرأة فی الشریعت الاسلامیة، ص ۱۸۷، الناشر: جامعة القاهرة، کلیة دارالعلوم، مرکز البحوث والدراسات الاسلامیة، بحوث ومقالات  
<sup>۲</sup> زحیلی، احکام، آداب، حقوق ومسئولیت های فقه خانواده در جهان معاصر. ص ۳۴۰



(صلی الله علیه وسلم) نزد ما داخل شد در حالیکه من نزد حفصة بودم، سپس برای من چنین گفت: (ألا تعلمین هذه - یرید حفصة - رقیة النملة كما علمتها الكتابة؟)<sup>۱</sup> آیا آموزش نمی دهی این را مراد(حفصة) رقیة نمله را چنانچه نوشتن را برایش یاد دادی؟ وجه دلالت: در این حدیث برای زنان رخصت است که کار کتابت و دیگر کار های نافع را انجام دهند.

۲

### ۳) کار کردن در حوزه صحی

معالجه زنان از امراض ورعایت صحت زن در هنگام زایمان و اجرای عملیات ولادت و غیر آن از از جمله کارهای است با طبیعت زن سازگار بوده و کرامت زن را محفوظ می دارد. و این بخش خدمت گذاری زنان از قدیم مروج بوده و در حال حاضر نیز ضرورت به آن بیشتر شده است. شیخ عثیمین می فرماید: حوزه کاری برای زن آنجا است که کار آن مختص زنان باشد مثل آموزش دختران، برابر است که این کار در بخش اداری آموزش گاه باشد و یا در بخش فنی و یا عم عمل تدریس در خانه اش یا خیاطی لباس های زنانه و یا آنچه شبیه این کارها باشد؛ اما کار زنان در حوزه ای که انجام کار مخصوص مردان باشد، برای زن جایز نیست که در آنجا کار کند؛ زیرا مستلزم اختلاط با مردان است که در آن فتنه است و از آن باید دور بود. چنانچه در این مورد از رسول الله (صلی الله علیه وسلم) روایت است که فرمودند: «ماترکت بعدی فتنة أضر علی الرجال من النساء، وان فتنة بنی اسرائیل کانت من النساء».<sup>۲</sup> بعد از درگذشت من، هیچ فتنه ای باقی نمانده است که زیان بار تر از فتنه زنان برای مردان باشد، و یقیناً که فتنه که در میان بنی اسرائیل بود منشاء آن زنان بودند. پس برای هر شخص لازم است که نزدیکان خود را از موقعیت های فتنه انگیز و اسباب آن در هر حال محافظت کند.<sup>۴</sup>

### ۴) کار کردن در حوزه فن و حرفه

مثل انجام عمل خیاطی و دوختن لباس های زنانه و طفلانه که هم نیازمندی های اجتماع برطرف می شود و هم زن عامل می تواند از آن نفع ببرد و همچنان که انجام کارهای دستی که برای زینت خانه از آن استفاده می شود. برای افراد یک جامعه لازم است تا برای بر

النسائی، السنن الکبری، ج ۷، ص ۷۵ ارجه ابو داود فی سننه ج ۴، ص ۱۱ و احمد فس مسنده ج ۶، ص ۳۷۲ و حاکم فی المستدرک، ج ۴، ص ۶۳، حدیث صحیح علی شرط شیخین.

<sup>۲</sup> بن مفلح، محمد، (۱۴۱۷هـ) الآداب الشرعیة ج ۳، بیروت: الطبعة الثانية مؤسسة الرسالة

<sup>۳</sup> البخاری، کتاب النکاح، مایتنقی من شئون المرأة، برقم، ۵۰۹۶، و مسلم کتاب الذکر والدعاء، والتوبه والاستغفار، باب استحباب حمد الله تعالی.

<sup>۴</sup> عبدالسلام، احکام وضوابط عمل المرأة فی الشریعة الاسلامیه، ص ۱۹۲

طرف کردن نیاز های جامعه و اشتغال زنان برای پیشرفت همچون افراد زمینه سازی کنند.

#### ۵) کار کردن در خدمات اجتماعی مخصوص زنان باشد

پس اعمال اجتماعی که متعلق به نیازهای زنان باشد، بسیار است این مشکلات اجتماعی که به زنان تعلق داشته باشد مثل محلات که خدمات بیوه ها، مطلقه ها و دختران یتیم انجام دهد، چنین مکان های باید مستقیماً از طرف زنان نگهداری و کنترل شوند.

#### ۶) کار اداری و میط زنانه

مثل کار مندان مؤسسات زنانه، مدارس و مکاتب مخصوص زنان و غیره اعمال که مناسب طبیعت زن و اجتماع زنان بوده و احتیاجات آنها بر طرف شده و ضوابط شرعی نیز در کار زنان بیرون از خانه رعایت می شود.<sup>۱</sup>

با این همه از نظر شریعت اسلام کار کردن زنان در محیط خارج از محیط خانه، حق مشروع آنهاست و آنان می توانند کارهایی مانند کشاورزی، تجارت و کارهای صنعتی و اشتغال در ادارات حکومتی به ویژه در عرصه آموزش و پرورش، بیمارستان و درمانگاه های ویژه خانمها با مراعات شروط و موازین زیر انجام بدهند:

#### ۱- التزام به غض البصر (چشم خود را از نگاه حرام نگهداری کردن)

یعنی زن مسلمان به عورت کسی نگاه نکند، به شهوت به طرف کسی نگاه نکند، و اگر چشم زن مسلمان به کسی افتاد، بدون حاجت نگاه و دید خود را به آن شخص طولانی نسازد چنانچه الله متعال در این مورد می فرماید: {قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ}.<sup>۲</sup> ترجمه: (ای پیامبر) به مردان با ایمان بگو: چشمان خود را (از نگاه حرام) فروبندند و شرمگاه های شان را حفظ کنند، که این برای آنان پاکیزه تر است. بی گمان خداوند از آنچه می کنند آگاه است.

#### ۲- اجازه ولی یا شوهر

زمانی دختران و خانمها می توانند در خارج از منزل به کار مشغول شوند، که اولیاء و سرپرستان آنها مانند پدر، جد یا شوهر این کار را به خیر و مصلحت آنها تشخیص دهند و محیط کار را مایه گرفتاری و پدید آمدن مشکلاتی برای او تشخیص ندهند. خداوند متعال در این باره می فرماید:

<sup>۱</sup> WWW.ISLAMONLINE.NET

<sup>۲</sup> السورة النور، آية: ۳۰-۳۱

(الرِّجَالُ قَوْمُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ).<sup>۱</sup> ترجمه:

مردان بر زنان حق سرپرستی (و در جامعه کوچک خانواده حق مدیریت و مسئولیت مشورت را) دارند. بدان سبب که خداوند برخی را بر برخی دیگر برتری بخشیده و بدین خاطر که (معمولاً) مردان کار و درآمد دارند و مخارج خانواده را تأمین می‌نمایند) و از اموال خود هزینه (منزل را) تهیه می‌کنند.

### ۳- ضرورت کار کردن

اصل و قاعده در شریعت اسلام این است که زنان در مقابل هزینه و مخارج زندگی خود و خانواده (در مقام مادر، همسر، دختر یا خواهر بودن) مسئولیتی بر دوش ندارند، بلکه ولی یا شوهر آن‌ها مسئول تأمین نیازهای زندگیشان می‌باشند، اما هرگاه به خاطر فوت پدر یا شوهر یا ناکافی بودن نفقه ای که به او می‌دهند، یا به خاطر نداشتن شوهر، فرزند و...، به سرگرمی و مشغولیتی نیازمند بود، می‌تواند در خارج از منزل به کاری مشروع و مباح با حفظ موازین اخلاقی و ایمانی بپردازد؛ زیرا «ضرورت‌ها ناپذیرفتنی‌ها را پذیرفتنی می‌نمایند».<sup>(۲)</sup> و همین ضرورت است که سبب عدول از اصل بودن زنان از کانون خانواده و منزل می‌شود؛ زیرا خداوند متعال می‌فرماید:

(وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ).<sup>(۲)</sup> ترجمه: ددرخانه‌هایتان مستقر شوید».

مواردی مانند رفتن به دنبال تحصیل، تجارت، شهادت در دادگاه، مراجعه به پزشک و امثال آن را می‌توان جزو ضرورت‌های خارج شدن زنان از منزل برشمرد، اما لازمه دین بودن و کار کردن در خارج از منزل این است که نباید مرد و زن بیگانه و نامحرم در یک اتاق به کار اداری مشغول باشند؛ زیرا رسول خدا (صلی الله علیه وسلم) فرموده‌اند:

«لَا يَخْلُونَ رَجُلًا بِامْرَأَةٍ إِلَّا تَالَتْهُمَا الشَّيْطَانُ».<sup>(۴)</sup> هیچ مردی با زنی خلوت ننماید؛ زیرا نفر سوم

آن‌ها شیطان است. (و برای ایجاد فساد و تباهی تلاش می‌کند).

همچنین به مسافرت رفتن بیش از ۸۵ تا ۸۹ کیلومتر خانم‌ها، بدون اجازه پدر یا شوهر جایز

نیست؛ زیرا رسول خدا (صلی الله علیه وسلم) فرموده‌اند:

<sup>۱</sup> سورة النساء، آیه ۳۴

<sup>۲</sup> زحیلی، احکام، آداب، حقوق و مسئولیت های فقه خانواده در جهان معاصر. - ۳۴۱،

<sup>۳</sup> سورة الاحزاب، آیه: ۳۳

<sup>۴</sup> - اخرجہ احمد فی مسنده

« لا يحل لامرأة تؤمن بالله واليوم الآخر أن تسافر مسيرة ثلاث ليالٍ إلا ومعها ذو محرم. »<sup>(۱)</sup>

برای زنی که به خداوند و دنیای پس از مرگ ایمان دارد، روا نیست که مسیره شبانه روز را مسافرت نماید، مگر اینکه همراه خود محرمی داشته باشد.

لازم به یادآوری است که جایز نیست زنان و دختران درخانه ای به تنهایی زندگی کنند؛ زیرا احتمال دچار شدن به هرگونه مشکل و ناهنجاری و ترس و اضطراب برای آن‌ها وجود دارد.<sup>۲</sup>

#### ۴- کار مشروع

همچنان که گفته شد: از نظر شرعی پرداختن زنان به کارهای تجاری، کشاورزی، اداری و آموزشی هیچ مانعی ندارد و در هر یک از آن اعمال آنچه برخاسته از موازین شرعی در آن کارها و حفظ اصول و ارزش‌های اخلاقی و پاسداری از حرمت و کرامت خود و خانواده است.

#### ۵- کار متناسب

لازم است کار خارج از منزل خانم‌ها با سرشت و طبیعت زن بودن آن‌ها متناسب باشد. برای مثال کارهایی مانند بنایی، جوشکاری، آهنگری، کار در معادن، رانندگی ماشین‌های سنگین راهسازی و مسافری، جارو کردن کوچه و خیابان، حمالی، مهندسی صنایع سنگین، مهندسی کشاورزی و ...، برای آنان مناسب نیست؛ زیرا این گونه کارها به روحیات خاص، توانایی جسمی و شرایط ویژه مردان نیازمند است.<sup>۳</sup>

#### مطلب سوم: زن می‌تواند بیرون از خانه کار کند

خداوند متعال در قرآن کریم قصه چوپانی دختران حضرت شعیب علیه سلام را بیان کرده که به جواز کار زنان در هنگام ضرورت اشاره می‌کند: (وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةً مِّنَ النَّاسِ يَسْقُونَ وَوَجَدَ مِنْ دُونِهِمُ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ قَالَ مَا خَطْبُكُمَا قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّى يُصْدِرَ الرِّعَاءُ وَأَبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ فَسَقَى لَهُمَا ثُمَّ تَوَلَّى إِلَى الظِّلِّ فَقَالَ رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ).<sup>۴</sup>

ترجمه: و هنگامی که به (چاه) آب مدین رسید مردمان زیادی را دید که بر آن گرد آمده‌اند و چهارپایان خود را سیراب می‌کنند و آن طرف تر دو زنی را دید که گوسفندان خویش را می‌پایند موسی گفت: «شما دو نفر چه کار می‌کنید؟» گفتند: «پدر ما پیرمرد کهن‌سالی است. ما گوسفندانمان را آب نمی‌دهیم تا چوپانان همگی، گوسفندان خود را برگردانند» (موسی دلش به

<sup>۱</sup> صحیح مسلم، ج ۲، ص ۹۷۲،

<sup>۲</sup> عبدالسلام، احکام و ضوابط عمل المرأة فی الشریعة الاسلامیه، ص 207

<sup>۳</sup> زحیلی، د/ و هبة (۱۳۹۴ هـ) احکام، آداب، حقوق و مسئولیت های فقه خانواده در جهان معاصر، ص ۳۴۰-۳۴۱، مترجم: عبدالعزیز سلیمی

<sup>۴</sup> سورة القصص، آیه: ۲۳-۲۴

حال آنان سوخت و) گوسفندان ایشان را سیراب کرد. سپس به زیر سایه (درختی) رفت؛ و عرضه داشت: پروردگار! من نیازمند هر آن چیزی هستم که برایم حواله و روانه فرمایی.»

وجه دلالت این دو آیه فوق الذکر این است که این آیات اشاره به حالت ضرورتی می کند که زن مجبور به کار کردن بیرون از خانه شود. طوری که دو دختر می گویند: (وابونا شیخ کبیر) حال این دو دختر نوع عذر و مجبوریت را نشان می دهد که باعث خروج ایشان به میدان کار و آب دادن گوسفندان شده است در حالیکه ولی ایشان همراه ایشان نیست.

(وَإِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تَسْتَرْضِعُوا أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا آتَيْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ).<sup>۱</sup> ترجمه: و اگر خواستید برا یفرزندان خود دایه ای بگیرید، گناهی بر شما نیست؛ به شرط اینکه آنچه را مقرر کرده اید، به طور شایسته بپردازید. و از خدا بترسید، و بدانید که خداوند خداوند به آنچه که انجام می دهید بینا است.

وجه استدلال به این آیه این است که به اجاره گرفتن زن جهت رضاعیت جایز است، پس برای ولی طفل لازم است که اجرة خانم مرضعه را بدهد. این عمل از وظایف اصلی خانم ها است که با فطرت زنها نیز توافق دارد.

امام بخاری در صحیح خود از اسما، دختر ابوبکر (رضی الله تعالی عنه) روایت کرده است:

(تَزَوَّجَنِي الزُّبَيْرُ وَمَا لَهُ فِي الْأَرْضِ مِنْ مَالٍ وَلَا مَمْلُوكٍ، وَلَا شَيْءٍ؛ غَيْرَ نَاصِحٍ وَغَيْرِ فَرَسِهِ، فَكُنْتُ أَعْلِفُ فَرَسَهُ، وَأَسْتَقِي الْمَاءَ، وَأَخْرِزُ عَرَبَهُ، وَأَعْجِنُ، وَلَمْ أَكُنْ أَحْسِنُ أَحْبِرُ، وَكَانَ يَخْبِزُ جَارَاتُ لِي مِنَ الْأَنْصَارِ، وَكُنَّ نِسْوَةَ صِدْقٍ، وَكُنْتُ أَنْقُلُ النَّوَى مِنْ أَرْضِ الزُّبَيْرِ الَّتِي أَقْطَعَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَى رَأْسِي، وَهِيَ مِنِّي عَلَى ثَلَاثِي فَرَسَخٍ، فَجِئْتُ يَوْمًا وَالنَّوَى عَلَى رَأْسِي، فَلَقِيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَمَعَهُ نَفَرٌ مِنَ الْأَنْصَارِ، فَدَعَانِي، ثُمَّ قَالَ: إِنْ أَخِي لِيَحْمِلَنِي خَلْفَهُ، فَاسْتَحْيَيْتُ أَنْ أُسِيرَ مَعَ الرَّجَالِ، وَذَكَرْتُ الزُّبَيْرَ وَغَيْرَتَهُ، وَكَانَ أُغْيِرَ النَّاسِ، فَعَرَفَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّي قَدْ اسْتَحْيَيْتُ، فَمَضَى، فَجِئْتُ الزُّبَيْرَ فَقُلْتُ: لَقِينِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَعَلَى رَأْسِي النَّوَى، وَمَعَهُ نَفَرٌ مِنْ أَصْحَابِهِ، فَأَنَاخَ لِأَرْكَبَ، فَاسْتَحْيَيْتُ مِنْهُ وَعَرَفْتُ غَيْرَتَكَ، فَقَالَ: وَاللَّهِ لَحَمْلُكَ النَّوَى كَانَ أَشَدَّ عَلَيَّ مِنْ رُكُوبِكَ مَعَهُ، قَالَتْ: حَتَّى أُرْسَلَ إِلَيَّ أَبُو بَكْرٍ

<sup>1</sup> سورة البقره، آیه: ۲۳۳

بَعْدَ ذَلِكَ بَخَادِمٍ تَكْفِينِي سِيَّاسَةَ الْفَرَسِ، فَكَأَنَّمَا أُعْتَقَنِي»<sup>(۱)</sup> «زبیر با من ازدواج کرد در حالی که بر روی زمین، ثروت و نوکر و خدمتکار نداشت و جز شتری آبکش و یک اسب، سرمایه دیگری جمع نکرده بود. من به اسبش علوفه می‌دادم و آب از چاه می‌کشیدم و آرد الک شده را خمیر می‌کردم. اما خوب بلد نبودم، نان بپزم. برای همین، زنان همسایه ام که از انصار بودند آن را برای من می‌پختند آنها زنان صادقی بودند. روزی در حالی که هسته‌ها را از زمین زبیر س که پیامبر به او واگذار کرده بود روی سرم حمل می‌کردم، به پیامبر و گروهی انصار برخورد کردم. پیامبر مرا صدا زد و با بخ بخترش را متوقف کرد تا مرا بر پشت آن شتر سوار کند.

من شرم داشتم که با آن مردان رهسپار شوم و زبیر و غیرتش را به یاد آوردم و او باغیرت‌ترین مردم بود. پس پیامبر دانست که من شرم می‌کنم رفت. هنگامی که نزد زبیر بازگشتم داستان را تعریف کردم و گفتم: پیامبر مرا در حالی دید که، بر روی سرم هسته بود و گروهی اصحابش همراه او بدند. پس شترش را متوقف نمود تا سوار شوم. من شرم نمودم و غیرت تو را به یاد آوردم. زبیر (رضی الله تعالی عنه) گفت: سوگند به خدا، حمل خرما بر سرت از سوار شدن با او برایم سخت‌تر است. بنابراین از آن به بعد ابوبکر خدمتکاری را نزد فرستاد تا اسب سواری را به من یاد دهد»<sup>(۲)</sup>.

در شرح این حدیث آمده است: انگیزه أسما، دختر ابوبکر در شکیبایی بر این کارهای سخت که در حدیث آمده است و سکوت شوهر و پدرش بر آن کار، مشغول بودن شوهر و پدرش به جهاد و کارهای دیگری بود که پیامبر به آنها دستور می‌داد زیرا زبیر وقت انجام کارهایی را که اسما به آن می‌پرداخت، نداشت و نیز توانایی استخدام خدمتکار و برده را نداشت که این کارها را برایش انجام دهند و در نتیجه کار تماماً به همسرش واگذار شده بود و او رنج کارهای خانه، ساکنان آن، زحمت نگهداری اسب، حمل میوه و مانند آن را تحمل می‌کرد تا زبیر برای کارهایی که به پیروزی اسلام و اجرای دستورات پیامبر می‌انجامد، وقت داشته باشد.

### مطلب چهارم: حالت های ضرورت کار زن بیرون از خانه

با قیاس بر حالت ضرورتی که در قرآن درباره دختران شعیب و نیز آنچه در سنت درباره داستان أسما، آمده، هرگونه حالت ضرورت دیگری که زن ناچار به انجام کار بیرون از خانه باشد، بر این دو حالت قیاس می‌گردد و اگر زن فرزندان یتیمی داشته باشد و سرپرستی هم نداشته

<sup>۱</sup> أخرجه البخاري، ج ۷، ص ۳۵، (۵۲۲۴)، و مسلم (۲۱۸۲)، إسناده صحيح على شرط الشيخين

<sup>۲</sup> - فتح الباری به شرح صحيح البخاری، ابن حجر عسقلانی، ج ۹۷، ص ۳۲۰-۳۱۹.

باشند و چیزی هم از بیت‌المال به آنها نرسد، برای او جایز است با وسایلی که در خانه می‌سازد و در خارج از خانه می‌فروشد، کار کند و روزی به دست آورد. مانند پختن نان و یا بافتن پشم و یا دوختن لباس‌های بچه‌گانه و زنانه در خانه تا در بازار بفروشد و جایز است که برای انجام این کارها از خانه بیرون رود.

ضرورت‌ها با معیار خود، اندازه‌گیری می‌شوند، چنانچه کار زن بیرون از خانه ضروری باشد، چنین وضعیتی با معیار خود سنجیده می‌شود. یعنی کار در خارج از خانه تا زمانی جایز است که ضرورت باشد و چون ضرورت تمام شد آن هم ممنوع می‌گردد. پس زنی که زندگی خود و فرزندش با کار خارج از منزل، آشفته و نابسامان می‌گردد، هرگاه بچه‌ها بالغ شدند و قدرت کسب و کار یافتند، دیگر ضرورتی برای کار زن در بیرون از خانه وجود ندارد. زیرا نفقه و مخارج آنها در حالی که بزرگ شده‌اند بر عهده خودشان است. همچنین نفقه زن به سبب اینکه مادر آنهاست، بر فرزندان واجب می‌گردد.<sup>۱</sup>

## مبحث سوم: مشروعیت کار صحی زنان و حکم خلوت و اختلاط در آن

### مطلب اول: حکمت مشروعیت کار:

در مشروعیت کار حکمت‌های بی‌شمار و غیر قابل‌حصری نهفته است که ما به بخشی از آنها اشاره می‌کنم که عام بوده و کار زنان و مردان را در بر می‌گیرد.

الف: اقامه دین الله بر روی زمین

خداوند متعال بندگانش را فرمان داده که به برپایی عدل و داد بر روی زمین بپردازند: **(كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ)**<sup>۲</sup> ترجمه: بر ادای واجبات خدا مواظبت داشته باشید و از روی دادگری گواهی دهید.

مراد از قوامت در این آیه، اقامه و برپایی دین است؛ و اقامه‌ی دین نیاز به قوت دارد؛ و قوت بدون کار و تلاش در بخش‌های مختلف زندگی تحقق نمی‌یابد.

ب: عزتمندی مسلمانان

بدون قوت عزتی نیست، قوت یافتن نتیجه‌ی کار و زحمت می‌باشد، هنگامی که ما مؤمن قوی، صنعتکار ماهر، زراعت پیشه مبتکر و هنرپیشه هوشیار و لایق و تاجر بیدار و صادق داشته

<sup>۱</sup> زیدان، عبدالکریم، (۱۳۹۴ هـ) حقوق و تکالیف زن در اسلام، ترجمه: سهیلا رستمی. ص ۱۸۰، نشر الکترونیکی کتابخانه قلم.  
<sup>۲</sup> المائده، آیه: ۸.

باشیم، امور مسلمانان به جدیت کامل و بهبودی پیش می رود و صنعت و تولیدات اعم از پوشاک و سلاح و محصولات زراعتی، غذا و نوشیدنی و فن آوری و حرفه های مختلف سد نیازمندی های بزرگ و کوچک مردم گردیده و تاجران ما کالاهای شان را وسیله رشد بازار و اقتصاد اسلامی با امانت و زیرکی خواهند نمود.

دروغ وجود معیارهای فوق، امت اسلام هرگز مورد اهانت و ذلت و انکسار قرار نمی گیرند، زیرا ارشاد رب العالمین است که می فرماید: (فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلْمِ وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ وَلَنْ يَتِرَكُمْ أَعْمَلَكُمْ)<sup>۱</sup> ترجمه: سست مشوید و (کافران را) به صلح مخوانید، چرا که شما برترید و خدا با شما است، و هرگز از (اجر و ثواب) اعمال تان نمی کاهد.

ج: دفع کردن اضرار از مسلمانان

زمانی که مسلمانان برای خود و جامعه خویش کار نکنند و کفار بیابند و کارهای آنها را انجام ندهند، طبیعی است که زمینه برای آنها مهیا می شود تا به اسرار مسلمانان اطلاع یابند؛ متعاقباً شناخت مواقع ثروت و خزاین و تشخیص امکانات و اندازه آمادگی و... همه برای شان منکشف می شود، در حالیکه آنان دشمنان اسلام اند.

تصور کنید وقتی دشمن وارد خانه تان شود و ستر و پرده را برهم بزند و اسرار را آشکار کند، آیا توقع خیری از دشمن بر حراست مال و نفس و ناموس وجود دارد؟!.

خداوند متعال می فرماید: (إِنَّ الْكُفْرِينَ كَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا مُّبِينًا)<sup>۲</sup> ترجمه: بی گمان کافران دشمنان آشکار شما هستند.

د: دفع اضرار بیکاری و فراغ

هر امتی که بیکار و فراغ و تنبل باشد پیامدهای شومی مثل شیوع فساد، ارتکاب جرایم، ذلت و خواری، دورماندن از ادای واجبات، آنها را تهدید می کند؛ چرا که بیکاری و فراغ کلید همه بدی ها است، زیرا وقتی انسان فراغ و بیکار بماند به امور ناشایسته مثل لهو و لعب و شهوت رانی و بیهودگی ها روی می آورد، آن وقت است که از هر خیری دست کشیده و تبدیل به بلا و مصیبتی برای جامعه و خانواده اش می گردد.

<sup>۱</sup> سوره محمد، آیه: ۳۵

<sup>۲</sup> سوره النساء، آیه: ۱۰۱



متأسفانه کم اند افرادی که از اوقات فراغت شان درست و معقول استفاده کنند. خداوند متعال می‌فرماید: (فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَب).<sup>۱</sup> ترجمه: پس هنگامی که (در کار و بارت) فراغت یافتی، بکوش. و به سوی پروردگارت روی آر.

مشروعیت کار به این هدف است تا اضرار از فرد و جامعه دفع شده و سد راه بیکاران گردد و تاثیرات مثبت خود را در رشد اقتصاد اسلامی بگذارد.<sup>۲</sup>

### ه) اعمار سرزمین

از حکمت‌های الهی در مشروعیت کار برای مسلمانان اعمار و آبادانی زمین است، خداوند متعال در زمین امکانات آن را گذاشته تا در وقت نیاز برای تحقق آبادی زمین از آن استفاده نمایند. خداوند متعال در این مورد می‌فرماید: (هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا).<sup>۳</sup> ترجمه: او ذاتی است که شما را از زمین آفریده است و آبادانی آن را به شما واگذار نموده است (و نیروی بهره‌وری و بهره‌برداری از آن را به شما عطاء کرده و در شما پدید آورده است.

و نیز می‌فرماید: (الَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي الْأَرْضِ).<sup>۴</sup> ترجمه: مگر نمی‌بینی (ای انسان) که الله (به سبب رحم و لطفی که نسبت به شما بندگان دارد، تمام مواهب و امکانات) و چیزهایی را که در زمین است در اختیار و دسترس شما قرار داده است».

عمارت و آبادانی زمین طبق فرموده خداوند متعال جز به دستان مسلمانان راستکار صورت نمی‌گیرد، چرا که غیر از مسلمانان دیگران فساد برپا می‌کنند نه آبادی، خداوند متعال می‌فرماید: (وَإِذَا تَوَلَّىٰ سَعَىٰ فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ).<sup>۵</sup> ترجمه: و هنگامی که پشت می‌کند و می‌رود (و یا به ریاست و حکومتی می‌رسد)، در زمین به تلاش می‌افتد تا در آن فساد و تباهی ورزد و زرع و نسل (انسان‌ها و حیوانات) را نابود کند (و با فساد و تباهی خود، اقوات و اموال و ارواح را از میان ببرد) و خداوند فساد و تباهی را دوست نمی‌دارد.

<sup>۱</sup> الشرح، آیه: ۸، ۷

<sup>۲</sup> عبدالسلام محمد، عبدالفتاح، (۲۰۱۲) احکام و ضوابط عمل المرأة في الشريعة الإسلامية، ص ۱۹۰، الناشر: جامعة القاهرة، كلية دارالعلوم، مركز البحوث والدراسات الإسلامية، بحوث ومقالات

<sup>۳</sup> سورة هود، آیه: ۶۱

<sup>۴</sup> سورة الحج، آیه: ۶۵

<sup>۵</sup> سورة البقره، آیه: ۲۰۵

و نیز می‌فرماید: (وَلَا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ الَّذِينَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ).<sup>۱</sup> ترجمه: و از فرمان اسراف کنندگان فرمانبرداری مکنید آن کسانی که در زمین تباهی می‌نمایند و اصلاح نمی‌کنند.

خداوند متعال کار را برای آبادی زمین مشروع نموده است، بگونه‌ای که آن‌را از زبان صالح ÷ به قومش برای ما حکایت می‌کند: (قَالَ يَقَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا)<sup>۲</sup> ترجمه: (صالح به آنان) گفت: ای قوم من! خدا را بپرستید که معبودی جز او برای شما وجود ندارد (و کسی غیر او مستحق پرستیدن نمی‌باشد) او است که شما را از زمین آفریده است و آبادانی آن را به شما واگذار نموده است و نیروی بهره‌وری و بهره‌برداری از آن را به شما عطاء و در شما پدید آورده است.

### مطلب دوم: اهمیت و مشروعیت کار صحی

الف: اهمیت صحت و کار صحی: صحت و صحت‌مندی از بزرگترین نعمات است که خداوند متعال برای مخلوقات خود عطا کرده است و باید همیشه حامد خداوند متعال باشیم و شخص مسلمان در برابر این صحت نزد خداوند در روز قیامت مسئول و پاسخگو است طوری که الله متعال می‌فرماید: (ثُمَّ لَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ).<sup>۳</sup> ترجمه: سپس در آن روز از نعمت‌ها بازخواست خواهید شد. این صحت از اسباب وقایه مخلوقات برای ادامه حیات هستند، پس محافظت و نگهداری آن از هدر رفتن و افراط و تفریط برای ما انسان‌ها واجب است. در این مورد از ابن عباس (رضی الله تعالی عنه روایتی است که می‌فرماید: "نعمتان مبعون فیهما کثیر من الناس الصحة والفراغ")<sup>۴</sup> دو نعمت خطیر است که خداوند متعال به بندگان خود عنایت فرموده است، و اکثر مردم قدر آن را نمی‌دانند یکی نعمت صحت و تندرستی است و دیگری نعمت امن و فراغت. این حدیث دلیل است بر اینکه صحت و صحت‌مندی بهتر از غنای است و همچنان از عبید الله بن محسن انصاری روایت است که ایشان فرمودند: قال رسول الله (صلی الله علیه وسلم) (مَنْ أَصْبَحَ مِنْكُمْ آمِنًا فِي سَرَبِهِ، مُعَافَى فِي جَسَدِهِ، عِنْدَهُ قُوَّةٌ يَوْمِهِ، فَكَأَنَّمَا حِيزَتْ لَهُ الدُّنْيَا بِحَذَائِرِهَا).<sup>۵</sup> (شخص عاقل و هوشیار کسی است که از اوقات صحت‌مندی عمر خود بهره‌برده و آن را در کارهای خیر صرف می‌کند چرا که قیام به کارهای خیر در هنگام مرض و عجز و ضعفیت ممکن نیست، در این مورد روایتی

<sup>۱</sup> سورة الشعراء، آیه ۱۵۱-۱۵۲

<sup>۲</sup> سورة هود، آیه: ۶۱

<sup>۳</sup> التكاثر، آیه: ۸

<sup>۴</sup> البخاري ج ۸، ص ۱۰۹

<sup>۵</sup> النووي، رياض الصالحين، ص ۱۷۵. حدیث ۵۱۰. این حدیث را ترمزی روایت کرده و درجه آن را حسن گفته است.

است از ابن عمر (رضی الله تعالی عنه) قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم (إِذَا أَمْسَيْتَ فَلَا تَنْتَظِرَ الصَّبَاحَ وَإِذَا أَصْبَحْتَ فَلَا تَنْتَظِرَ الْمَسَاءَ وَخُذْ مِنْ صِحَّتِكَ لِمَرَضِكَ وَمِنْ حَيَاتِكَ لِمَوْتِكَ).<sup>(۱)</sup>

هرگاه روز را به عصر رساندی منتظر صبح نباشد و اگر شب را صبح کردی منتظر غروب نباشد از صحت خود برای مرض ات و از زندگی ات برای مرگت چیزی بگیر.

### ب: دلیل مشروعیت تدای و عمل صحی

۱- دلیل قرآنی: خداوند متعال در مورد حفظ صحت و حیات می فرماید: {وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا}.<sup>۲</sup> ترجمه: هرکس جان یک نفر را نجات دهد مانند آن است که جان همه مردم را نجات داده باشد. طوری که آلوسی می فرماید: ومن احیایا یعنی هر شخصی که سبب برای بقای نفس یا جان کسی دیگری قرار بگیرد، درحالی که شخص قاتل نباشد و در زمین فساد نکرد باشد، پس اگر قاتلی را از قتل شخصی نهی کرده باشد و یا به وجهی از وجوه از اسباب که سبب هلاک شخصی می گردید جلوگیری کرده باشد واقع مصداق آیه فوق قرار گرفته است.<sup>۳</sup>

الله متعال در جای دیگری می فرماید: {وَإِذْ نَادَىٰ رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الشَّيْطَانُ بِنُصْبٍ وَعَذَابٍ ارْجُضْ بِرِجْلِكَ ۗ هَذَا مُغْتَسَلٌ بَارِدٌ وَشَرَابٌ}.<sup>۴</sup> ترجمه «بیاد آر بنده ما ایوب را آن زمان که پروردگار خود را ندا داد که شیطان من را دچار عذاب و گرفتاری کرده است، (به بنده خود ایوب خطاب کردیم) پای خود را به زمین بزن، این آبی است سرد و برای شستشو و نوشیدن.

وجه دلالة آیه فوق این است که الله متعال حضرت ایوب را به عنوان برادر برای حضرت محمد (صلی الله علیه وسلم) یاد می کند در حال که به حضرت ایوب از جهت بیماری که به ایشان عاید گردیده بود ضرر رسیده بود و ایشان همچنان صبر کرده بودند و خداوند متعال را یاد می کردند تا این مرض را از بدن شان دور کند، و همچنان این آیه دلیل است بر رهنمایی مسلمانان به تدای و اینکه خداوند متعال شافی است و اسباب طبابت مرض را به طور قطع نا بود کرده نمی تواند.

۲- دلیل از حدیث پیامبر اسلام: عن ابی هریره (رضی الله تعالی عنه) قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ما انزل الله من داء إلا وانزل له شفاء).<sup>۵</sup> هیچ مرضی را خدا نداده است مگر اینکه

<sup>۱</sup> مشکاة المصابیح، ج ۱، ص ۵۰۳، شماره حدیث ۱۶۰۴ این حدیث صحیح است.

<sup>۲</sup> سورة المائدة، آیه: ۳۲

<sup>۳</sup> الألوسی، روح المعانی، ج ۶، ص ۱۱۸

<sup>۴</sup> سورة ص، آیه: ۴۰-۴۱

<sup>۵</sup> صحیح البخاری، ج ۴، ص ۱۴۵۳، شماره حدیث: ۲۱۹۹

خداوند شفای را برای آن آماده کرده است (بوجود آورده است) و همچنان از سهل بن سعد الساعدی روایت است که در حادثه جراحت پیامبر (صلی الله علیه وسلم) در روز احد می فرماید: «وَجَاءَتْ فَاطِمَةُ تَغْسِلُ عَنْ وَجْهِهِ الدَّمَّ، فَلَمَّا رَأَتْ الدَّمَ يَزِيدُ عَلَى الْمَاءِ كَثْرَةَ عَمِدَتِ إِلَى حَصِيرٍ فَأَحْرَقَتْهَا وَالصَّقْتَهَا عَلَى جِرْحِ رَسُولِ اللَّهِ، فَرَقًا لِلدَّمِّ».<sup>۱</sup> فاطمه (رضی الله تعالی عنه) آمد وقتی خون را در چهره مبارک دید کمی آب انداخت و چهره مبارک را شستشو کرد و بعد از آن بوریا را سوخت و آن را بر روی زخم (جرح) رسول الله (صلی الله علیه وسلم) چسپاند، سپس با رقی آن را دم کرد.

وجه دلالت احادیث فوق الذکر این است که تعلیم و تعلم طبابت را به طور صریح جواز می دهد و عمل طبابت از طریق تداوی و استفاده دارو های که تاثیر آن در شفا دهی امراض و درد ها معلوم است را جایز قرار می دهد، برابر است که این طبابت به اثر تجربه استفاده از معجون های طبیعی و خالص چون عسل و یا هم از طریق حجامه باشد. این موارد فوق الذکر شامل همه انواع معالجه و تداوی می شود که توسط تجربه و یا ادویه و یا هم جراحة صورت می گیرد. و همچنان تداوی با رقیه نیز جواز دارد مشروط بر اینکه خالی از شرک باشد طوری که عوف بن مالک الاشجعی (رضی الله تعالی عنه) می گوید: قال رسول الله (صلی الله علیه وسلم) «لَا بَأْسَ بِالرَّقِيِّ مَا لَمْ يَكُنْ فِيهَا الشَّرْكَ» در رقی هیچ باکی نیست اگر با شرک همراه نباشد.

عن جابر بن عبدالله (رضی الله عنهما) قال: نهی رسول الله صلی الله علیه وسلم عن الرقی<sup>۲</sup> فجاء آل عمرو بن حزم فقال: یا رسول الله، انه كانت عندنا رقیة نرقی بها من العقرب، وإنک نهیت عن الرقی قال: فعرضوها علیه فقال: ( ما أرى بها بأساً من استطاع منکم أن ینفع أخاه فلینفعه).<sup>۳</sup> از جابر (رضی الله تعالی عنه) روایت است که گفت: رسول الله (صلی الله علیه وسلم) از رقی نهی کرده است، آل عمرو بن حزم آمدند و سپس گفت: ای رسول الله!! نزد ما کسی است که آن را از ضرر عقرب رقی کرده ایم و شما از رقی نهی کرده اید. سپس آن رقیه را به پیامبر (صلی الله علیه وسلم) وصف کردند، من در این هیچ باکی نمی بینم، هرگاه یکی از شما بتواند به برادر خود نفع برساند پس آن کار را انجام دهد.

<sup>۱</sup> عبد الجبار، صهیب، المسند الموضوعی الجامع للکتب العشرة، ج ۱۹، ص ۳۶۲ الرقم الحدیث ۵۷۲۲. رواه البخاری فی «غزوة أحد» باب «ما أصاب النبی من الجراح یوم أحد» [برقم (۴۰۷۵)] ، و مسلم فی [کتاب الجهاد والسیر] باب «غزوة أحد» [برقم (۱۷۹۰)] باختلاف یسیر، [وأمحد فی المسند (۳۳۰ / ۵) ، و ابن ماجه فی أبواب الطب، باب دواء الجراحة، برقم (۳۴۶۴) من حدیث سهل بن سعد الساعدی رضی الله عنه] و ابن هشام: ج ۲، ص ۸۵ وزاد المعاد: ج ۱، ص ۳۵۲. وصححه الحاكم ووافقه الذهبي  
<sup>۲</sup> رقی: جمع آن رقیه است و آن عبارت است از خواندن اوراد و دمیدن در آن به منظور شفا یافتن و سلامتی کسب کردن است فرقی نمی کند که از قرآن کریم باشد و یا از دعاهای مأثور پیامبر (صلی الله علیه وسلم)  
<sup>۳</sup> ابن حنبل، مسند احمد، ج ۲۲، ص ۲۷۹ ابن ابی شیبة این را در مسند خود ج ۸، ص ۳۴۳ و مسلم با شماره حدیث ۲۱۹۹ و بیهقی در ج ۹، ص ۳۴۹ از طریق معاویه آن را روایت کرده است و حاکم نیز در ج ۴، ص ۴۱۵ از طریق محاضر بن مورع و ابن ماجه با شماره حدیث ۳۵۱۵ از طریق یحیی بن عیسی آن را روایت کرده است و اسناد این حدیث مطابق شرط مسلم قوی است.

## مطلب سوم: حکم شرعی کار زنان در حوزه صحی

یکی از مقاصد شریعت اسلامی حفظ نفس است که طبابت درجهت تحقق این مقصد از اعتبار خوبی برخوردار است، چراکه هدف از طبابت محافظه بدن و معالجه آن از امراض می باشد. طبابت و معالجه وضع نشده مگر، جهت جلب مصلحة و سلامتی، و دور کردن مرض و سقم. طبابت چیزی است که دنیا برای قوام امور خود به آن نیاز دارد و از آن مستغنی نیست، همچنان برای بقای ابدان (جسم ها) نیز وجود آن ضروری است. وقتی که نیاز مردم به طبابت و علاج مبرم باشد، پس در این صورت آیا برای زنان جایز است که عمل طبابت را در حوزه صحی انجام دهند و یا خیر، و آیا وظیفه طبابت زنان محدود به زنان است و یا اینکه زنان می توانند مردان را نیز طبابت نمایند که این بحث را به گونه ذیل بیان خواهیم نمود:

اصل شرعی این است که کشف عورت زن برای مرد و از مرد برای زن جایز نیست و همچنان کشف عورت زن برای زن و از مرد برای مرد جواز ندارد. اما مجلس فقهی که به تاریخ ۲۰ شعبان ۱۴۱۵ هـ در مکه مکرمه جهت استحکام روابط و بیان قضایای جهان اسلام صورت گرفته است، این مجمع بیان کرده است که هرگاه زن مسلمان داکتر متخصص باشد برایش لازم است که به مریضی زنان رسیدگی نماید و اگر زن مسلمان و متخصص موجود نبود زن غیرمسلمان زنان مریض را طبابت نماید و در صورت که طبیبه متخصص غیر مسلمان نیز پیدا نشد، در آن صورت به قدر نیاز داکتر مرد حق دارد که زنان مریض را دیدن نماید و به مریضی های شان رسیدگی نماید، و اگر داکتر مسلمان نیز پیدا نشد داکتر متخصص غیر مسلمان به مریض ها رسیدگی کند و به قدر حاجت نزد مریض مراجعه کرده معاینه نماید و اگر حال مریض تقاضای عملیات را نیز می کرد آن وقت باید در حضور محرم و یا یک فرد مورد اعتماد تداوی صورت بیگرد تا خلوت صورت نگیرد.<sup>۱</sup>

کار کردن زنان در بخش صحت و طبابت (زنان و مردان) بنابر فحوای کلام اهل علم از جمله فرض های کفایی محسوب می شود، طوری که امام غزالی<sup>(۲)</sup> در کتاب (احیاء علوم الدین) می فرماید: در علوم دنیوی، فرض کفایی آن است که قوام دنیا بوجود آن نیاز مند است مثل علم طب و صحت.<sup>(۳)</sup>

<sup>۱</sup> صقر، الاختلاط بین الرجال والنساء ص ۲۶۱

<sup>۲</sup> ابو حامد محمد بن محمد بن احمد غزالی ملقب به حجة الاسلام یکی از فقهای شافعی مذهب و از شاگردان امام حرمین الجوینی .

<sup>۳</sup> عشاوی، عبدالفتاح بن سلیمان. التعلیم فی البلاد المسلمین، ص ۲۵

پس باید گروهی از زنان، علم طبابت را بخاطر معالجه زنان که بیمار اند و در امور دنیا به طبابت احتیاج دارند بیاموزند، چون برای بقای جسم و بدن طبابت امر ضروری است تا عرض و عورات زنان از پیش چشم مردان مستتر و محفوظ بمانند. اصل این است که زنان طبیب هم نوعان خود (زنان) بیمار را معالجه نمایند مگر اینکه ضرورت استثنایی بوجود بیاید و زنان توسط مردان معالجه شوند و یا عکس آن. چراکه نظر کردن زن به زن و پیامرد به مرد ساده تر از نظر کردن جنس مخالف است.<sup>۱</sup> بنا بر این وجود زنان طبیب و داکتر در حوزه صحتی بخصوص در ادارات که کشف عورت زنان را ایجاد می کند امر ضرور و با اهمیت است، مثل زنان در بخش نسایی و لادی، مشکلات بولی و تناسلی و یا تخصصات که نزدیک شدن دو جنس به همدیگر را ایجاب نماید مثل طبابت دندان و چشم و غیره.

اما در صورت که در بخش های فوق الذکر زنان متخصص موجود نباشد معالجه زنان توسط مردان کدام مشکل نداشته و درحالت ضرورت گناه ساقط می شود.<sup>۲</sup> شفاء بنت عبدالله (رضی الله تعالی عنه) می گوید: پیامبر صلی الله علیه وسلم نزد من داخل شد درحال که من نزد حفصة (رضی الله تعالی) بودم، پیامبر (صلی الله علیه وسلم) گفت: (ألا تعلمین هذه - یرید حفصة - رقیة النملة كما علمتها الكتابة؟)<sup>۳</sup> آیا آموزش نمی دهی این را مراد (حفصة) رقیة نمله را چنانچه نوشتن را برایش یاد دادی؟ وجه دلالت: دلالت حدیث فوق این است که پیامبر (صلی الله علیه وسلم) از شفاء (رضی الله تعالی عنه) درخواست کرد تا رقیة نمله را به حضرت حفصة آموزش دهد و این دلیل اباحه و همچنان ضرورت آموزش طب برای زنان است و فحواى این حدیث هیچ فایده دیگر ندارد مگر عمل معالجه. و همچنان از اسامه بن شریک (رضی الله تعالی عنه) روایت است که گفته: «قالت الاعرابی: یا رسول الله ألا نتداوی؟ قال: نعم، یا عباد الله تداووا، فإن الله لم یضع داء إلا وضع له شفاء»<sup>۴</sup> اعرابی گفت: ای رسول خدا آیا تداوی نکنیم؟ گفت بلی: تداوی کن، چون الله تعالی هیچ دردی را بوجود نه آورده مگر اینکه برای آن دواى را پدید آورده است. وجه دلالة: تداوی هرچند نزد جمهور واجب نیست مگر حداقل مباح است و از مستلزمان تداوی این است که طبیب وجود داشته باشد تا مداوا کند.

و همچنان رسول الله (صلی الله علیه وسلم) در زمان غزوات شان به زنان اجازه می داد تا جهت تداوی مجروحین و بیماران به همراه ایشان به بیرون از شهر و به میدان های نبرد بروند. و دیگر

<sup>۱</sup> الکاسانی، بدائع الصنائع، ج ۵، ص ۱۲۴

<sup>۲</sup> بحر رائق، ج ۴، ص ۱۹۲.

النسائی، السنن الکبری، ج ۷، ص ۷۵ ارجه ابو داود فی سننه ج ۴، ص ۱۱ و احمد فس مسنده ج ۶، ص ۳۷۲ و حاکم فی المستدرک،

<sup>۳</sup> ج ۴، ص ۶۳، حدیث صحیح علی شرط شیخین.

<sup>۴</sup> ابن ماجه، سنن ابن ماجه، ج ۴، ص ۴۹۷

اینکه عمل طبابت یک عمل مباح است بناءً انجام این عمل در بدل اجرت نیز مثل سایر امور مشروع امر مباح است.<sup>۱</sup>

### مطلب چهارم: خلوت واحکام متعلق به آن

از خلوة بین ذکور واناس اگرچه خواهر و برادر باشند، پیامبر (صلی الله علیه وسلم) از آن نهی کرده است. و امر نموده است که اطفال مذکر و مؤنث هرگاه به سن ده سالگی رسیدند در خوابگاه از هم جدا بخوابند. در این مورد از عبدالله بن عمرو بن عاص (رضی الله تعالی عنه) روایت است که ایشان فرمودند: «**مرو اولادکم بالصلاة وهم ابناء سبع سنین واضربوهم علیها وهم ابناء عشر سنین، وفرقوا بینهم فی المضاجع**».<sup>(۱)</sup> فرزندان تان را امر به نماز نماید در حال که هفت سال سن داشته باشند، در صورت که نماز نخواندند و به ده سالگی رسیدند ایشان را بزنیید و خوابگاه ایشان را جدا نماید. ابن باز (رحمه الله) می فرماید: یقیناً پیامبر (صلی الله علیه وسلم) در این حدیث امر کرده است که هرگاه فرزندان مذکر و مؤنث شما به سن ده سالگی و یا بالاتر از آن رسیدند خوابگاه ایشان را جدا نمائید؛ زیرا نزدیکی دختران و پسران در این سن و یا سن بالاتر از آن وسیله وقوع فحشاء می شود و هیچ شکی نیست که اجتماع همه روزه ایشان در مراحل ابتدایی سبب برای فتنه و فساد می شود، پس از اجتماع ایشان باید جلوگیری شود زیرا حرام است.<sup>(۲)</sup>

این حدیث دلالت به این می کند که خلوة که از آن نهی شده تنها میان مرد و زن بیگانه اتفاق نمی افتد بلکه تا حد توان باید از خلوة کردن دو جنس (مذکر و مؤنث) خود داری صورت گیرد حتی اگر برای همدیگر محرم نیز باشند؛ زیرا در حدیث دیگری که از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت گردیده اجتماع زن و مرد را منع فرموده و بیان می دارد که هرگاه زن و مردی باهم تنها شوند سوم آنها شیطان است و باید از آن اجتناب صورت گیرد تا به فساد و فتنه نه افتد. به طور خلاصه: خلوت آن است که زن و مرد در مکان دور از چشم مردم باهم یکجای باشند در حالی که اختلاط به آن حالتی گفته می شود که زن و مرد در تعامل باهمدیگر قرار بگیرند بدون اینکه دور از چشم مردم باشند. و هرگاه دور از چشم مردم و در مکان امن قرار بگیرند به آن حالت خلوت گفته می شود.)

<sup>۱</sup> المغنی، ج ۸، ص ۱۱۷.

السجستانی، سنن ابی داود، کتاب الصلاة، حدیث شماره (۴۹۵) و احمد ج ۱۱، ص ۳۶۹، حدیث شماره (۶۷۵۷) و المستدرک، ج ۱، ص ۱۹۷.

<sup>۲</sup> الاختلاط بین الجنین احکامه و آثاره، ص ۸۶ به نقل از الموقع رسمی لفضیلة الشیخ ابن باز رحمه الله

### فقهای کرام، به تحریم خلوة بین زن و مرد اتفاق کرده اند چنانچه:

- قال الإمام النووي - رحمه الله: «- في هذا الحديث، والأحاديث بعده تحریم الخلوة بالأجنبية، والدخول عليها، وهذان الأمران مجمع عليهما» (١) این حدیث و احادیث دیگری که غیر از این روایت گردیده، بیان گر حرمت خلوة میان اجنبیه و دخول به مکان امن یکدیگر می باشد که حرمت هر دو امر، مجمع علیها می باشد.

- وقال ابن تيمية: "فأما مؤاخاة الرجال النساء الأجانب، وخلوهم بهن، ونظرهم إلى الزينة الباطنة منهن: فهذا حرام باتفاق المسلمين." (٢)

- وقال الحافظ ابن حجر (رحمه الله) فيه منع الخلوة بالأجنبية وهو إجماع. (٣) در این (حدیث فوق) اشاره به منع خلوة میان زن و مرد بیگانه دارد که در این موضوع اجماع است.

- وقال الشوكاني - رحمه الله، والخلوة بالأجنبية مجمع على تحريمها، كما حكى ذلك الحافظ في الفتح، وعلى التحريم ما في الحديث من كون الشيطان ثالثهما، وحضوره يوقعهما في المعصية. (٤) خلوة به همراه اجنبیه به اجماع حرام است طوری که حافظ ابن حجر در فتح الباری چنین حکایت کرده است و حدیث پیامبر اسلام نیز خلوة را حرام دانسته و گفته شیطان سومین شان می باشد که حضور شیطان باعث معصیت میان دو طرف می شود.

### حکم خلوة زن و مرد نامحرم در سنت رسول الله

ابن عباس از پیامبر (صلی الله علیه وسلم) چنین روایت کرده است: «سمعت النبي (صلی الله علیه وسلم) يخطب ويقول: (لا يخلون رجل بامرأة إلا ومعها ذو محرم، ولا تسافر المرأة الا مع ذي محرم)». (٥) ابن عباس از پیامبر (صلی الله علیه وسلم) روایت کرده می گوید: از نبی کریم شنیدم که خطبه می خواند و می گفت: هیچ مردی با زنی خلوت نکند مگر اینکه محارمش همرايش باشند و هیچ زنی مسافرت نکند مگر همراه با محرم شرعی اش.

وجه دلالت حدیث فوق این است که رسول الله صلی الله علیه وسلم از خلوة به اجنبی به طور مطلق نهی کرده است و این نهی تقاضای تحریم را می کند. پس خلوة باشخص اجنبی حرام است،

<sup>١</sup> شرح النووي على صحيح مسلم، ج ٧، ص ٩٦

<sup>٢</sup> مجموع الفتاوى" ج ١١، ص ٥٠٥

<sup>٣</sup> فتح الباري شرح صحيح البخاري، ج ٤، ص ١٧.

<sup>٤</sup> نيل الأوطار، ج ٦، ص ١٢٧.

<sup>٥</sup> نيل الأوطار، ج ٦، ص ٢٤١.



برابر است که این خلوة در حوزه کار باشد یا مکان دیگر، در حدیث دیگر جابر (رضی الله تعالی عنه) می گوید: (قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: ألا لايبیتن رجل عند امرأة ثيب إلا أن يكون ناكحا أو ذی محرم).<sup>(۱)</sup> هیچ مردی وارد خانه خانم ثیبیه نشود ویا در یک خانه با آن نشیند مگر اینکه با او نکاح کرده باشد ویا همرایش محرم باشد.

### حکم خلوة زنان و مردان بیگانه در آثار صحابه

ابراهیم نخعی می گوید: " نهی عمر (رضی الله عنه) أن يطوف الرجال مع النساء قال: فرأى رجلا معهن فضربه بالدرّة"<sup>(۲)</sup> ابراهیم نخعی می گوید: عمر (رضی الله عنه) از گردش مردان نامحرم همراه با زنان منع کرده بود، سپس گفت: یک مرد را همراه زن دید آن را دره زد.

وجه دلالت: این اثر بیانگر این است که در مورد منع اختلاط زنان و مردان در طواف کعبه نیز هدایت صورت گرفته است. پس منع اختلاط در محلات کار و تحصیل به طریق اولی است.

### مطلب پنجم: اختلاط واحکام متعلق به آن

#### انواع اختلاط

#### الف) اختلاط حرام و صورت های آن

در تعریف اختلاط حرام می شود گفت: به ملاقات مستقیم وهدف مندانه ای طرفین غیر محرم گفته می شود که امکان احتراز را آن نیز وجود داشته باشد.

۱- استخدام مردان خدمه و اختلاط با آنها: استخدام مردان به عنوان خدمت گار و اختلاط ایشان با زنان در محل کار (خانه ها، شرکت ها) و غیره.. و محیاشدن خلوت میان این مردان با زنان صاحب کار یکی دیگر از انواع اختلاط ها می باشد، طوری که در بعضی آثار روایت گردیده فاطمه (رضی الله تعالی عنها)، هنگام که یکی از پسران خود را (به انس) پیش کرد. گفت: «رأیت کفأً» کف دست اش را دیدم. یعنی روی ایشان دیده نشد در حال که انس (رضی الله تعالی عنه) خادم خاص رسول الله (صلی الله علیه وسلم) بود و همراه ایشان مثل یک عضو خانواده زندگی می کرد.

۲- استخدام خدمت گاران بهداشت که بدون محرم کار می کنند و زمینه اختلاط و خلوت ایشان با جنس مخالف فراهم می شود.

<sup>1</sup> صحیح مسلم، کتاب: السلام - باب تحريم الخلوة بالأجنبية والدخول عليها، ج ۲، ص ۹۷۸، حدیث ۱۳۴۱. البخاری، ج ۴، ص ۷۲، حدیث ۱۸۶۲.  
<sup>2</sup> فتح الباری، ج ۳، ص ۴۸۰.

۳- اختلاط که توسط زن واقارب مرد صورت می گیرد: این اختلاط در اثر غیابت شوهر واستقبال خانم اش از اقارب ونزدیکان شوهر اتفاق می افتد که ایشان را در خانه اش پیش آمد کرده وبا ایشان نشست وبرخواست می کند.

۴- اختلاط زنان ومردان با افراد واشخاص بیگانه، در عرصه تعلیم وتحصیل، مثل: اختلاط در مکاتب، پوهنتون ها وشفاخانه ها و دیگر اماکن. حقیقت این است که شخص فکر می کند در ابتداء کار، ممکن این اختلاط ها موجب بروز فتنه میان طرفین نشوند؛ اما این طرز فکرتوری نیست که به نظر می رسد. خداوند متعال مردان را با قوت ومایل به زن آفریده وزنان را مایل به مردان، در حال که ضعیف ونرم اند. پس اگر اختلاط صورت بگیرد منجر به اهداف سوء، فساد و فتنه خواهد شد، چراکه نفس ها امر کننده به بدی هستند و هوا وهوس (غریزه) کور و کر، وشیطان نیز امرکننده به فحشاء ومنکرات است. (۱)

۵- اختلاط در وظایف: مثل اموال نقلیه، بازار، شفاخانه ها، زیارت خانه ها، عروسی ها و دیگر جاهای مزدهم. (۲)

۶: اختلاط زنان با اقارب شان به مقصد فساد. در حرمت این نوع اختلاط اختلاف وجود ندارد. (۳)

شیخ محمد بن ابراهیم (۴) در این مورد می فرماید: اختلاط مردان با زنان دارای سه حالت می باشد:

حالت اول: اختلاط زنان با محارم مذکر شان که این جایز می باشد.

حالت دوم: اختلاط زنان با اقارب شان به مقصد فساد. در حرمت این نوع اختلاط اختلاف وجود ندارد. (۵)

حالت سوم: اختلاط زنان ومردان با افراد واشخاص بیگانه، در عرصه تعلیم وتحصیل، مثل: اختلاط در مکاتب، پوهنتون ها وشفاخانه ها و دیگر اماکن. حقیقت این است که شخص فکر می کند در ابتداء کار، ممکن این اختلاط ها موجب بروز فتنه میان طرفین نشوند؛ اما این طرز فکرتوری نیست که به نظر می رسد. خداوند متعال مردان را با قوت ومایل به زن آفریده وزنان

<sup>۱</sup> اللجنة الدائمة - المجموعة الأولى، اللجنة الدائمة للبحوث العلمية والافتاء ج ۲، ص ۸۱.

<sup>۲</sup> القحطانی، سعید بن وهف، اظهار الحق والصواب فی حکم الحجاب. ص ۵۳۲

<sup>۳</sup> الاختلاط اصل فی دمار الأمم والأسر، ص ۳۶

<sup>۴</sup> الشيخ محمد بن ابراهیم بن عبداللطیف بن عبدالرحمن بن حسن بن بن عبدالوهاب، رئیس الافتاء فی السعودية سابقا ابوه هو القاضی الشيخ: ابراهیم آل شیخ وأمه هی الجوهره بنت عبدالعزيز الهلالي من عرقة من المزاريق من بنی عمرو من تمیم، ولد ۱۰ محرم ۱۳۱۱ فی الرياض الدولة السعودية. توفي ۲۴ رمضان ۱۳۸۹ المذهب الفقهي: الحنبلي، العقيدة اهل السنة والجماعة، السلفية ويكيبيديا

<sup>۵</sup> الاختلاط اصل فی دمار الأمم والأسر، ص ۳۶

را مایل به مردان، در حال که ضعیف و نرم اند. پس اگر اختلاط صورت بگیرد منجر به اهداف سوء، فساد و فتنه خواهد شد، چراکه نفس ها امر کننده به بدی هستند و هوا و هوس (غریزه) کور و کر، و شیطان نیز امرکننده به فحشاء و منکرات است.<sup>(۱)</sup> (این اختلاط نیز از جمله اختلاط های حرام محسوب می شود که اکثرا سبب فحشاء و بی عفتی می شود و امروزه با تاسف در یک عده ای کشور ها این فرهنگ مروج است. همان طور در شفاخانه ها نرس های هستند که نزد استادان مرد جهت شاگردی مراجع می کنند و ساعت ها نزد آن می مانند).

### ب: اختلاط مباح و صورت های آن

گاهی مواجهه مردان با زنان منجر به اختلاط میان طرفین می شود و حالات ذیل را در بر می گیرد.

حالت اول: مواجهه زنان با مردان محارم شان که بدون شک این حلال است و مشکل ندارد.

حالت دوم: ملاقات و رویارویی زنان با مردان غیر محرم شان به گونه محدود و زود گذر ، مثل زمان خریداری متاع، و یا زمان که از شخصی طلب فتوی کند و یا زمان خرید و فروش و مانند آن، این حالت نیز محل نزاع نیست زیرا جهت ضرورت و برطرف کردن حاجت است.

حالت سوم: مواجهه زنان با مردان غیر محرم شان به طور مستقیم و به مقصد دوام دار، که توان نگهداری و کنترل خود وجود داشته باشد. مثل محلات درس.<sup>(۲)</sup>

و همچنان وجوب جماعت به علت خوف از اختلاط و فتنه از زنان ساقط است؛ ولی بیرون شدن شان به سمت مسجد، جهت ادای نماز طبق احکام و دلایل ذیل جایز است:

اول: از فتنه در امان بمانند.

دوم: بخاطر حضور ایشان کدام ترس و مانع شرعی نباشد.

سوم: سر راه مردان نبوده و در اجتماع کدام مزاحمت وجود نداشته باشد.

چهارم: بدون استعمال خوشبویی بیرون شوند.<sup>(۳)</sup>

پنجم: با حجاب و ستر بیرون شوند، نه با آرایش بی مورد.

<sup>۱</sup> اللجنة الدائمة - المجموعة الأولى، اللجنة الدائمة للبحوث العلمية والافتاء ج ۲، ص ۸۱.  
<sup>۲</sup> المسیمیری، ریاض بن محمد. الهدیان محمد بن عبدالله، اختلاط بین الجنسین احکامه و آثاره، دار ابن جوزی، من اصدارات شبکه نور الاسلام.  
<sup>۳</sup> صقر، شہاتة، دلیل الواعظ الی أدلة المواعظ. ج ۲، ص ۳۹۶.

ششم: تهیه محل خاص برای زنان جهت ادای نماز و عبادت درمساجد، تا دخول و خروج شان جدا باشد، طوری که در ابو داود نیز در این مورد حدیث روایت شده است.

هفتم: هنگام نماز صف نماز گذاران زن پشت سر نماز گذاران مرد باشد.

هشتم: برخلاف مردان، بهترین صف نماز برای زنان آخرین صف است.

نهم: هرگاه امام هنگام نماز چیزی گفت، مردان تسبیح بگویند و زنان دست روی دست بمانند. یعنی هرکس در نماز متوجه چیزی شد که باید دیگران را به نحوی متوجه آن می کرد؛ مثلاً: امام در نمازش اشتباه نمود یا کوری در حال افتادن به چاه بود یا مساله ی اجازه دادن برای ورود کسی بود. یا نمازگزار بخواهد چیزی را به دیگران اعلان نماید، در چنین حالت هایی و موارد مشابه "سبحان الله" می گوید تا اینگونه کسانی را که می خواهد، متوجه نماید. البته سبحان الله گفتن مخصوص مردان است، اما اگر برای زن چنین حالاتی پیش آمد، باید دست بزند؛ به این صورت که یکی از دستانش را به هر شکل ممکن، به دیگری بزند. و همه ی این کارها برای دوری کردن از اقوال و سخنانی می باشد که از جنس آن کلماتی نیست که در نماز گفته می شود. چون نماز محل مناجات با الله متعال است؛ اما زمانی که ضرورت گفتن و اعلام چیزی وجود داشته باشد، تسبیح که از جنس اقوال نماز است، مشروع شده است. (۱) چنانچه در این مورد ابوهریره (رضی الله تعالی عنه) از پیامبر (صلی الله علیه وسلم) چنین روایت می کند: (التَّسْبِيحُ لِلرِّجَالِ وَالتَّصْفِيحُ لِلنِّسَاءِ). (۲) (تسبیح) سبحان الله گفتن (برای مردان و دست زدن) در نماز (برای زنان است

دهم: زنان نمازگذار قبل از مردان از مسجد بیرون شوند و مردان صبر کنند تا زنان دور شوند، چنانچه از ابن عمر (رضی الله تعالی عنه) روایت است که پیامبر (صلی الله علیه وسلم) فرمود: (لَوْ تَرَكَهَاذَالبَابِ لِلنِّسَاءِ قَالَ نَافِعٌ: فَلَمْ يَدْخُلْ مِنْهُ ابْنُ عَمْرِو حَتَّى مَاتَ). (۳) اگر این دروازه را برای خانم ها بگذاریم (بعد از آن گذاشته شده) نافع گفت: بعد از آن ابن عمر تا زمان مرگ از آنجا داخل نشد. و غیره موارد که فاصله میان زنان و مردان را حفظ کند. (۴)

<sup>1</sup> <https://hadeethenc.com>

<sup>2</sup> الصنعانی، عبدالرزاق، المصنف، ج ۳، ص ۱۷۲ رقم الحدیث: ۴۲۰۲. أخرجه عن طریق ابی هریره. وإسناده صحیح، أخرجه الحمیدي (ج ۲ ص ۴۱۳) عن ابن عُیَیْنَةَ بِهِ، وَرَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ فِي الصَّلَاةِ فِي بَابِ التَّسْبِيحِ لِلرِّجَالِ فِي الصَّلَاةِ (ص ۷۳) عن ابن أبي شیبَةَ وَهَشَامِ بْنِ عَمَارٍ، وَأَبْنِ خُرَيْمَةَ (ج ۲ ص ۳۳) عن عبد الجَبَّارِ وَعَلِيِّ بْنِ خَشْرَمٍ، وَأَبُو يَعْلَى رقم: ۷۴۷۵ عن إسحاق کلهم عن سُفْیَانَ بْنِ عُیَیْنَةَ بِهِ، وَرَوَاهُ البُخَارِيُّ (ج ۱ ص ۱۶۰) من طریق الثَّوْرِيِّ عن أبي حازم بِهِ.

<sup>3</sup> السجستانی، سنن ابو داود، حدیث ۵۷۱ باب: تشدید فی خروج النساء الی المساجد

<sup>4</sup> بکر، ابو زید، حراسة الفضيلة. ص ۸۶.

وجه دلالة: آنچه که از حدیث فوق الذکر دلیل گرفته می شود این است که شارع حرمت اختلاط و نفرت از آن را واضح ساخته است؛ طوریکه نبی کریم (صلی الله علیه وسلم) یک دروازه مسجد را مخصوص خانم ها ساخته است تا هنگام خروج و دخول از آن استفاده کنند که اختلاط صورت نگیرد، با وجود اینکه کسان که مسجد می روند برای عبادت می روند با آنهام دروزه زنان و مردان را جدا قرارداد تا مردان که قبل از آن روز از آن دروازه استفاده کرده اند فردا و بعد از آن روز هرگز از دروازه مخصوص زنان استفاده نکنند.<sup>(۱)</sup>

### اختلاط بین زنان و مردان بیگانه و تحریم اسباب آن

اختلاط بین زنان و مردان بیگانه، به گونه شدید تحریم شده و این اختلاط حجاب را از بین می برد، به همین لحاظ اسلام یگانه راه حفظ حجاب را دوری بین زنان و مردان بیگانه می داند. پس جامعه اسلامی جامعه فردی می باشد نه زوجی، یعنی زنان باید با جماعت خود باشند و مردان با جماعت و گروه خود، و هیچ زنی نباید به گروه و جماعت مردان نامحرم ملحق شود؛ مگر به اساس ضرورت و حاجت و با رعایت ضوابط شرعی که علمای شریعت برای خروج زنان از خانه در نظر گرفته اند. همه این امور، جهت حفظ آبرو و نسب، حرام قرار داده شده است.<sup>(۲)</sup>

حفظ فاصله میان جنسین از فضایل اخلاقی و شرعی بوده و دوری از شک و رذایل اخلاقی و عدم اشتغال زن به وظایف اساسی خانه می باشد، به این لحاظ اختلاط حرام قرار گرفته است، برابر است که در تعلیم و تحصیل باشد، یا در کار و یا در دیگر امور اجتماعی عمومی و یا خصوصی، زیرا اختلاط باعث هتک حرمت و امراض قلبی (یعنی عدم غض البصر) و چشم چرانی شده، حیا و عفت را در هم کشیده و نا بود می کند و همچنین باعث انعدام غیرت در میان مسلمانان می شود.

لذا برای اهل اسلام قابل قبول نیست که زنان شان با مردان بیگانه مختلط باشند، زیرا اولین قدم که برای اختلاط میان زن و مرد در سرزمین های اسلامی برداشته شد، از مدارس عالمیه استعماری بود که برای اولین بار در شهرهای اسلامی چون (لبنان) افتتاح گردید، و برای اولین بار فتنه اختلاط را میان دو جنس (مذکر و مؤنث) پدید آورد که این آغاز نشر و پخش فساد و نابودی عفت در جوامع اسلامی بود، چنانچه در کتاب «المدارس الاستعمارية الاجنبية العالمية - تاريخها ومخاطرها على الأمة الإسلامية». این موضوع بیان گردیده است.<sup>(۳)</sup>

<sup>۱</sup> حاشیه الالبانی، علی المرأة المسلمة، ص ۱۶

<sup>۲</sup> ابی نصر محمد بن عبدالله الامام، الاختلاط اصل فی دمار الأمم والأسر، ص ۳۷-۳۹

<sup>۳</sup> الامام، ابی نصر محمد بن عبدالله، (۱۴۳۰هـ) الاختلاط اصل فی دمار الأمم وأسر، اليمن، الطبعة الاولى، دار الآثار.

ابن قیم (رحمه الله) می گوید: در این صورت برای اولی الامر واجب است که اختلاط میان زن و مرد را در بازار و اجتماع مردان منع فرماید، چراکه امام از این وضعیت مسئول است و در این اختلاط فتنه بزرگی نهفته است، طوری که رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرماید: «ماترکت بعدی فتنة أضر على الرجال من النساء».<sup>(۱)</sup> بعد از درگذشت من، هیچ فتنه ای باقی نمانده است که زیان بار تر از فتنه زنان برای مردان باشد. و در حدیث دیگری خطاب به زنان می فرماید: «علیکن حافات الطريق».<sup>(۲)</sup> برای شما است که در لبه های سرک باشید.

وجه دلالت: این حدیث طور واضح به دوری از اختلاط دلالت می کند طوریکه اختلاط میان زن و مرد را حتی در راه عبور و مرور نیز منع قرار داده است آنهم حالت را که زنان از نماز و عبادت بیرون شده اند پس اختلاط در شرایط فعلی، در مکاتب، و پوهنتون ها چگونه جایز بوده می تواند؟<sup>(۳)</sup> و همچنان بر حاکمان کشورهای اسلامی لازم است، زنان را که با تجمل و تزئین و با پوشیدن لباس های چسپ و تنگ و کوتاه، بیرون می شوند منع نماید، هرگاه ولی الامر فسادی را از طرف زنی می بیند، یعنی وقتی که زن با تجمل و زینت خاص از منزل خود بیرون می شود در حالیکه لباس نرم و نازک به تن دارد، در این حالت برای اولی الامر حق اختیار است تا جزای مالی را بالای وی تعیین کند.<sup>(۴)</sup>

اولی الامر حق دارد تا در صورت خروج بی مورد زن از منزل، آن را حبس نماید، بخصوص زمان که زن با آرایش از خانه بیرون شود. منع ساختن زنان از این تجمل گرایی در واقع به ایشان کمک است تا از گناه و معصیة دور بمانند. در صورت بی توجهی اولی الامر به این موضوع، از ایشان سوال خواهد شد.<sup>(۵)</sup>

حضرت عمر (رضی الله تعالی عنه) زنان را از گشت و گذار در راه مردان و اختلاط با ایشان منع فرموده است؛<sup>(۶)</sup> بنابراین، به ولی الامر نیز لازم است در این امور به حضرت (عمر رضی

<sup>۱</sup> البخاری، کتاب النکاح، مایقنی من شئون المرأة، برقم، ۵۰۹۶، و مسلم کتاب الذکر والدعاء، والتوبه والاستغفار، باب استحباب حمد الله تعالی.

<sup>۲</sup> اخرجه، البيهقي، في الشعب، ج ۱۰، ص ۲۴۰. ابو داود رقم (۵۲۷۲) والبيهقي (ج ۶، ص ۱۷۳) والطبراني، في المعجم الكبير (ج ۱۹، ص ۲۶۱) وابن عبد البر في التمهيد (ج ۲۳، ص ۳۹۹) والمزی في تهذيب الكمال (ج ۱۲، ص ۴۰۲) من حدیث ابی اسید الانصاری (رضی الله عنه). وحسنه الالبانی بمجموع طرقه. الصحیحة ج ۲، ص ۵۳۷.

<sup>۳</sup> الاختلاط بین الجنسین، احکامه و آثاره، ص ۹۱.  
<sup>۴</sup> الموسوعة الفقهية الكويتية، ج ۱۹، ص ۱۰۹.

<sup>۵</sup> ابن قیم الجوزی، الامام ابی عبدالله محمد بن ابی بکر بن ایوب، (۶۹۱-۷۵۱) الطرق الحکمیة فی السیاسة الشرعیة. ج ۱ تحقیق: نایف بن احمد الحمد، النشر: دار العلم الفوائد.

<sup>۶</sup> کنز العمال، ج ۶، ص ۱۳.

الله تعالی عنه) اقتدا نماید. در این هیچ شکی وجود ندارد که اختلاط زنان و مردان سبب اصلی شر و فساد و سبب فحشاء و زنا می باشد. (۱)

**حکم اختلاط بین زن و مرد در محلات کاری:** اختلاط بین وزن و مرد در حوزه کاری به دلایل ذیل حرام قرار گرفته است، چنانچه اسامه بن زید از پیامبر (صلی الله علیه وسلم) روایت کرده که پیا مبر فرمودند: **(ماترکت بعدی فتنه هی أضر علی الرجال من النساء)**. (۲) بعد از درگذشت من، هیچ فتنه ی که ضرر آن بیشتر از ضرر زنان برای مردان باشد، باقی نمانده است.

وجه دلالت: این حدیث دلیل بر این است که رسول الله صلی الله علیه وسلم در این حدیث زنان را فتنه توصیف کرده و اختلاط زنان و مردان را جمع بین فتن و مفتون گفته است پس حرام می باشد.

همچنان ابواسید (رضی الله تعالی عنه) روایت می کند که **(انه سمع الرسول الله صلی الله علیه وسلم یقول وهو خارج من المسجد وقد اختلط الرجال مع النساء فی الطريق، فقال رسول الله للنساء (استأخرن فانه لیس لکن أن تحقن الطريق علیکن بحافات الطريق)**. (۳) ایشان از رسول الله (صلی الله علیه وسلم) شنیدند که فرمودند: در حالیکه بعد از ادای نماز از مسجد خارج شده بودند و بیرون از مسجد ایستاده بودند، مردان را با زنان مختلط دیدند، پیامبر (صلی الله علیه وسلم) برای زنها گفت: تاخیر کنید چون برای شما این نیست که راه را بررسی کنید (یعنی از وسط راه نروید) بلکه از گوشه های سرک بروید

رسول خدا (صلی الله علیه وسلم) زنان را از اختلاط با مردان در راه، منع کرده است، پس به طریق اولی اختلاط در محل کار را منع می کند. و در حدیث دیگری که ابن عمر از پیامبر (صلی الله علیه وسلم) روایت کرده، آمده است، **(أن رسول الله صلی الله علیه وسلم لما بنی المسجد جعل باباً للنساء وقال (لا یلجن من هذا الباب من الرجال أحد))**. (۴) رسول خدا مسجدی را جهت ادای نماز بنا کردند و یک دروازه را برای دخولی و خروجی زنها گذاشتند، و همچنان می گوید: هیچ کسی نمی خواست و کوشش نمی کرد تا از آن دروازه برود. وجه دلالة حدیث این است که رسول الله (صلی الله علیه وسلم) وقتی که یک دروازه را در مساجد، جهت دخول و خروج زنان اختصاص داده

<sup>1</sup> القحطانی، سعید بن وهف، اظهار الحق والصواب فی حکم الحجاب، ص ۱۸  
<sup>۲</sup> البخاری، کتاب النکاح، مایتقی من شئون المرأة، برقم، ۵۰۹۶، و مسلم کتاب الذکر والدعاء، والتوبه والاستغفار، باب استحباب حمد الله تعالی.

<sup>3</sup> التبریزی، ولی الدین، مشکوٰۃ المصابیح، ج ۳، ص ۱۳۳۷.

<sup>4</sup> الطیالسی، ابوداود، مسند ابی داود طیالسی، ج ۳، ص ۳۶۸

است، و در محل عبادت، اختلاط زن و مرد منع قرار گرفته است در حوزه کاری به طریق اولی منع است.

ام سلمه (رضی الله تعالی عنه) نیز روایت می کند که (أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) (کان اذا سلم يمكس في مكانه يسيراً).<sup>(۱)</sup> پیامبر (صلی الله علیه وسلم) وقتیکه از نماز سلام می داد یک مقدار مکس می کرد. و در روایت دیگر آمده: «كَانَ يَسْلَمُ فَيَنْصَرِفُ النِّسَاءَ فَيَدْخُلْنَ بَيْوتَهُنَّ قَبْلَ أَنْ يَنْصَرِفَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ».<sup>(۲)</sup> پیامبر سلام می داد و زنهای می رفتند و به خانه های شان داخل می شدند قبل از اینکه رسول الله از مسجد برود.

وجه دلالت احایث فوق این است که، ماندن رسول الله صلی الله علیه وسلم در مکان خود بعد از سلام و ختم نماز هیچ مفاد (پیام) دیگری ندارد مگر اینکه زنان، قبل از مردان از مسجد بیرون شوند تا اختلاط صورت نگیرد و این دلالت به حرمت اختلاط می کند.<sup>(۳)</sup>

### حکم اختلاط بین زنان و مردان بیگانه و اجماع علما بر تحریم آن

از عصر پیامبر الی عصر حاضر، هیچ عالمی در جهان اسلام، اختلاط میان زن و مرد را که مایه فساد جواز نداده است. شیخ صالح بن فوزان می گوید: اختلاط بین زنان و مردان به طریقه ای که سبب فتنه شود، امری است که به کتاب الله و سنت رسول الله و اجماع امت حرام است. مجاهد بن جبر تابعی از جمله مفسرین عصر خود می گوید: اجتماع مردان و زنان بدعت است.

حسن بصری می فرماید: (اجتماع مردان و زنان بدعت است).<sup>(۴)</sup> امام غزالی بخاطر منع اختلاط در مجالس ذکر، فرمودند: لازم است بین زنان و مردان هنگام جلسات دعا و ذکر پرده زده شود تا مانع نظر کردن به همدیگر شود. چرا که بدون حایل و پرده گمان فساد می رود و عادات به این منکرات شاهی می دهند.<sup>(۵)</sup>

کاسانی حنفی در مورد علت عدم وجوب جمعه، به زنان، می فرماید: زنان مشغول محافظت از خانه مردان هستند، آنها از رفتن به محافل زنان منع شده اند، چرا که خروج ایشان سبب فتنه است.<sup>(۶)</sup> ابن قدامه حنبلی می گوید: زن از جمله اهل حضور در محافل و مجالس مردان نیست به این

<sup>۱</sup> ابن الاثیر، جامع الاصول، ج ۵، ص ۵۹۶

<sup>۲</sup> البانی، ناصر الدین، مختصر صحیح البخاری، ج ۱، ص ۲۶۰، رقم الحدیث (۴۳۴) هذه الرواية وصلها محمد بن يحيى الزهري في

"الزهریات" بسند صحیح.

<sup>۳</sup> التویجری، هیلة بنت ابراهیم، (۱۴۳۰هـ) عمل المرأة فی الفقه الاسلامی ج ۱ - رسالة مقدمة لنیل درجة الدكتوراه فی الفقه، صص ۹۶-۹۸

<sup>۴</sup> السیوطی، تحذیر الخواص، ص ۲۲۷.

<sup>۵</sup> غزالی، محمد، إحياء علوم الدين، ج ۳، ص ۴۳

<sup>۶</sup> الكاسانی، بدائع الصنائع، ج ۱، ص ۵۸۱



لحاظ جماعت ایشان واجب نیست. ودر جای دیگر می فرماید: اگر زنان با مردان مختلط دیده شد پس ضرور است که ایشان را از مجلس شان دور کرده شود.<sup>(۱)</sup>

### اختلاط زنان و مردان نامحرم در اماکن صحی و حکم آن

یک امر معلوم و ثابت است که خلوت میان زن و مرد نامحرم به طور مطلق حرام است و این حکم حرمت عام بوده و شامل پیر و جوان، شخص عاجز که میل جنسی نداشته باشد و یا شیخ هرم باشد می شود، بناءً خلوت زن طبیبه با کارمندان مذکر و موظف بخش صحت و همچنین افراد غیر طبیب دیگر نیز حرام است. در خلوت قرار گرفتن طبیبه به همراه طبیب و یا هر نا محرم دیگری، در هر مکان که از رفت و آمد و ورود افراد دیگر در امان باشد، مثل اتاق های عیادت و یا آنچه که مشابه آن باشد، برابر است که برای تدریس باشد و یا مناقشه و گفتگو، حرام است، از جهت این قول رسول الله (صلی الله علیه وسلم) که می فرماید: (لایخلون رجل بامرأة إلا ومعها ذو محرم).<sup>(۲)</sup>

هیچ مردی با زنی خلوت نکند مگر اینکه همراه زن محارم اش موجود باشد. اما ممکن است این نوع خلوت ها و حکم حرمت آن به سبب دو امر منتفی گردد. اول اینکه دروازه ایشان قفل نیست طوری که دروازه اتاق باز است و هر کسی می تواند بر ایشان وارد شود. و دوم وجود طبیب و یا طبیبه دیگری که به عنوان هکار با ایشان کار نماید و یا هم وجود بیمار دیگر. در مورد اینکه آیا جود طبیب دیگر خلوت میان ایشان را نفی می کند یا خیر در این مسئله فقها دو قول دارند: قول اول این است که موجودیت دومرد ثقه و یا بیشتر از آن که به فسق و فساد معروف نباشند، به همراه یک خانم منافی خلوت بوده و این حالت را خلوت گفته نمی شود. این قول امام ابوحنیفه، امام مالک و یک روایت شافعی و حنابله می باشد و شیخ الاسلام ابن تیمبه نیز به همین نظر اند. قول دوم این است که وجود دو مرد به همراه یک زن نافی خلوت نیست که این نظر مشهور شوافع و مذهب حنابله می باشد.

دلایل کسان که قایل قول اول اند: چیزی که روایت شده این است که یک نفر از بنی هاشم نزد اسماء بنت عمیس وارد شد، در این هنگام ابوبکر صدیق (رضی الله تعالی عنه) بر ایشان وارد شد و ایشان را دید و از این حالت بدش آمد و این موضوع را به رسول الله (صلی الله علیه وسلم) بیان کرد و گفت من چیزی جز خیر نمی خواهم، رسول الله (صلی الله علیه وسلم) ( ان الله برأها من من

<sup>1</sup> المغنی، ج ۳، ص ۲۱۶.  
<sup>2</sup> نیل الاوطار، ج ۶، ص ۲۴۱.

ذالك)، خداون آنها را از این موضوع مبرا ساخته است. سپس پیامبر (صلی الله علیه وسلم) بر منبر ایستاد شد و گفت: (لا يدخلن رجل بعد یومی هذا علی مغیبة<sup>۱</sup> إلا ومعه رجل او اثنان).<sup>(۲)</sup>

بعد از این هیچ مردی نزد زنی که شوهر آن غایب (در سفر) است داخل نشود مگر اینکه همراه آنان مرد دیگری باشد و یا دونفر باشند.

وجه دلالة: این حدیث بر اباحة خلوت میان دومرد و یک زن اجنبی صراحت دارد و اگر بیشتر از دونفر باشد که به طور اولی جایز است.

دلایل قائلین قول دوم: دلیل این دسته از علماء حدیث ابن عباس (رضی الله تعالی عنه) می باشد که می فرماید: «سمعت النبی (صلی الله علیه وسلم) یخطب یقول: (لا یخلون رجل بامرأة إلا ومعها ذو محرم)».<sup>(۳)</sup>

ابن عباس می فرماید: از نبی کریم حضرت محمد (صلی الله علیه وسلم) که خطبه می خواند شنیدم که می فرمود: هیچ مردی با هیچ زنی خلوت نکند مگر اینکه محارم اش همراه اش باشند. این حدیث به طور مطلق خلوت زنان و مردان نا محرم را به نسبت حذر از فتنه مورد تحریم قرار می دهد.

و همچنان خلوت دومرد و یا بیشتر از آن با یک خانم را به دلیل ترس از افتادن در فتنه اشاره ناجایز گفته است مگر اینکه به همراه ایشان از محارم زنان موجود باشد، چرا که مرد در این مورد از مرد دیگر حیا نمی کند، صرف در مورد فحشاء با آن توافق می کند.<sup>(۴)</sup>

### مطلب ششم: اضرار و مفساد اختلاط زنان و مردان

بدون شک این اختلاط که با تقلید از جوامع غربی، امروز در میان کشورهای اسلامی و ملت های مسلمان ترویج یافته نوع سیاست مغرضانه دشمنان اسلام است و این اختلاط اضرار دینی و اجتماعی خود را نیز در پی دارد.

<sup>۱</sup> بِالْمَغِيبَةِ - بضم المیم، وكسر الغین المعجمة، وإسكان الباء- هي: التي غاب عنها زوجها، والمراد غاب زوجها عن منزلها سواء غاب عن

البلد بأن سافر أو غاب عن المنزل وإن كان في البلد. قاله النووي في شرح صحيح مسلم (١٥٥/١٤)

<sup>۲</sup> إسناد صحیح علی شرط مسلم، رجاله ثقات رجال الشیخین غیر بکر بن سوادة- وهو الجذامي المصري-، وعبد الرحمن بن جبیر- وهو المؤذن العامري-، فمن رجال مسلم، وهما ثقتان. معاوية بن عمرو: هو ابن المهلب بن عمرو الأزدي، وابن وهب: هو عبد الله، وعمرو: هو ابن الحارث بن يعقوب الأنصاري المصري.

<sup>۳</sup> نيل الاوطار، ج ٦، ص ٢٤١.

<sup>۴</sup> الشربيني، محمد الخطيب، (١٤١٥ هـ) مغنى المحتاج على متن منهاج الطالبين، ج ٤، ص ١٧٣، الطبعة الاولى، بيروت: داركتب علميه.

۱- اختلاط دلیل ضعف ایمان و انحراف از دین است. اختلاط یک مفسده است که به اساس دیدن (فرهنگ های غیر اسلامی) گرفته شده است که مخالف تاریخ مسلمانان است چون سیزده قرن و بیشتر از آن از تاریخ مسلمانان می گذرد اما زن مسلمان از طرف نفس خود و مسلمانان دیگر محفوظ است. اختلاط با مردان بیگانه را قبول نمی کند و مردان مسلمان نیز اختلاط با زنان را نمی پذیرند مگر به ندرت و تحت چارچوب ضوابط تعیین شده شریعت اسلام. زمان که دعوت های ویران کننده از طرف دشمنان اسلام بوجود آمد و اندیشه های مبنی بر مساوات زنان و مردان را دامن زدند اختلاط زنان و مردان در جوامع اسلامی رایج گردید. پشت پرده این احزاب انحرافات زیادی مثل انحراف عقیدوی و عبادتی، سیاست، اخلاق و ادب بوجود آمد. (۱)

۲- اختلاط زنان با مردان یک امر بزرگ و دارای ضررهای زیاد است چرا که این امر منجر به فساد در دین و دنیا و آبرو، مال، اخلاق، عقل و نسب می شود. (۲)

۳- اختلاط میان زنان و مردان نابود کننده حیا و عفت است

۴- اختلاط میان زنان و مردان راه ورود به فحشاء است.

۵- اختلاط میان زنان میان زنان و مردان نا محرم عمل فحشاء و تجاوزات جنسی را در محلات کار و تعلیم و تحصیل افزایش می دهد.

۶- اختلاط زن و مرد در محلات کاری باعث افزایش انحلال زوجیه می شود

۷- اختلاط باعث انتشار امراض و بیا و دیگر امراض لاعلاج می گردد.

۸- در اختلاط زنان و مردان انواع مختلف زنا یا اصغر ارتکاب پیدا می کند. و آداب شرعی را نابود می سازد

۹- اختلاط زنان و مردان سبب تأخیر ازدواج و یا ترک کامل آن می گردد، و همچنان باعث تهمت و سوء ظن می گردد

۱۰- اختلاط زنان را بازیچه دست مردان قرار می دهد. و غیره... (۳)

### مطلب هفتم: کار زنان و اهمیت ضوابط آن در حوزه صحی

<sup>1</sup> القحطانی، اظهار الحق والصواب فی حکم الحجاب، ص ۶۳۹

<sup>2</sup> المرأة المسلمة، ص ۱۰۴.

<sup>3</sup> القحطانی، الاختلاط بین الرجال والنساء صص ۱۲۰-۱۲۸

اگر به دنیای معاصر نظر انداخته شود، حقارت و مسخره‌گی‌های زیادی به محرمات شرعی در جوامع اسلامی دیده می‌شود، و اهمیت ضوابط در کار زنان هنگام خروج‌شان از خانه، تا هنگام بازگشت به خانه‌های‌شان، به سادگی قابل مشاهده است، از طبیعت کار‌شان گرفته تا نوعیت کار، جنس که مورد معالجه قرار می‌دهند، روابط اجتماعی و انسانی‌شان بادیگران، و غیر از این، مورد دیگری که برمی‌گردد به بطلان عمل و اجر مادی توسط کار حرام؛ لهذا تثبیت این موارد اصلی که رابطه محکم به کار زنان دارد، امر ضروری می‌باشد، مثل: التزام تداوی زنان توسط زنان، و معامله زنان با زنان، اختلاط زنان با زنان، خلوت و هم‌نشینی زنان با جنس خود‌شان بخاطر کار و طبابت زنانگی که مخصوص زنان است. حفظ حشمة و وقار زنانگی و همچنان لباس شرعی جهت کسب ثواب بزرگ نزد خداوند سبحان و تعالی. و مهمترین ضوابط که در کار زنان اثر بسیار داشته و کار زنان را جایز قرار می‌دهد، ضوابط شرعی، اخلاقی، انسانی و اجتماعی، می‌باشد که در جایگاه خود بیان خواهد گردید.<sup>(۱)</sup>

---

<sup>1</sup> مطر مزید، (۱۴۲۸ هـ) مراد سهیل. الضوابط الشرعیة لعمل المرأة فی المجال الصحی، غزه

## فصل دوم

نیازهای کاری زنان در حوزه صحت

(این فصل دارای سه مبحث می باشد)

مبحث اول: زن و حاجات شرعی به کار آن در اماکن صحت

مبحث دوم: زن و نیاز مندی جامعه به فعالیت آن در حوزه صحت

مبحث سوم: زن و حاجات اخلاقی آن در حوزه صحت

مبحث اول: زن و حاجات شرعی کار آن در اماکن صحت

ضروریات یا حاجت شرعی، به حالتی گفته می شود که مستوجب رخصت آن فعلی باشد که در آن حالت انجام آن، ممنوع و یا ترک آن لازمی باشد، اگر شرایطی که در شریعت اسلامی برای تحقیق حالت ضرورت در نظر گرفته شده متحقق شود و انجام فعلی که در حالت غیر ضرورت ممنوع بود را جایز قرار دهد، این حالت را یک حالت استثنایی گفته می شود که جز در حالت ضرورت جایز نمی باشد. از تعریف ضرورت شرعی، فهمیده می شود که شریعت اسلامی جهت مراعات مصالح مردم و از بین بردن مفسدات آنها قایم گردیده. (۱)

یکی از وظایف که امروزه در جوامع اسلامی از مهمترین ضرورت های اجتماعی برای رفع نیاز مندی های مسلمانان ضروری محسوب می شود، موضوع طبابت و علم به آن، برای زنان جهت رفع مشکلات آنان می باشد، برای آنکه عرض و حیای زنان مسلمان را در جوامع اسلامی حفظ نماییم و از کشف عورت و اختلاط زنان و مردان جلوگیری کنیم لازم است طبیبه های زنانه ای را در این بخش داشته باشیم، زیرا این کار قیاس به کار رفته ی انصاری که با آگاهی پیامبر (صلی الله علیه وسلم) انجام می داد جایز است. و می توان گفت برای زن مسلمان بازگشایی مطب برای درمان زنان و کودکان جایز است و این کار او فرض کفایی است. زیرا با این کار مراجعه به پزشک زن آسان می شود و از همه مهمتر ضرورت کشف عورت نیز از میان خواهد رفت.

اما جواز گشودن مطب برای ویزیت بیرون از منزل مشروط است بر این که این کار بر انجام وظایف منزل، شوهرداری و تربیت فرزندانش تأثیر منفی نگذارد و شوهر اجازه ای این کار را به او بدهد. زیرا مسایل یاد شده جزء واجبات عینی اوست و درمان زنان بیمار از واجبات کفایی است و واجب عینی مقدم بر واجب کفایی است. (۲)

### مطلب اول: اولویت طبابت زنان توسط زنان

از آنجای که، یکی از مقاصد شریعت اسلامی حفظ نفس است طبابت در جهت تحقق این مقصد از اعتبار خوبی برخوردار است، چراکه هدف از طبابت محافظه بدن و معالجه آن از امراض می باشد. طبابت و معالجه وضع نشده مگر، جهت جلب مصلحت و سلامتی، و دور کردن مرض و سقم است. طبابت چیزی است که دنیا برای قوام امور خود به آن نیاز دارد و از آن مستغنی نیست، همچنان برای بقای ابدان (جسم ها) نیز وجود آن ضروری است.

<sup>۱</sup> عمل المرأة فی المجال الصحی، بین الضرورة والضرر، ص ۵۹  
<sup>۲</sup> حقوق و تکالیف زن در اسلام، ص ۱۸۳

کار کردن زنان در بخش صحت و طبابت، بنابر فحوای کلام اهل علم، از جمله فرض های کفایی محسوب می شود، طوری که امام غزالی<sup>۱</sup> در کتاب (احیاء علوم الدین) می فرماید: فرض کفایی به آن علمی گفته می شود که مردم در امور دنیوی و دنیا داری از آن بی نیاز بوده نتوانند. مثل علم طب و صحت.<sup>۲</sup> امام نووی نیز در مقدمه (المجموع) این مطلب را بیان کرده است.<sup>(آ)</sup>

پس باید گروهی از زنان، علم طبابت را بخاطر معالجه زنان که بیماراند و در امور دنیا به طبابت احتیاج دارند بیاموزند، چون برای بقای جسم و بدن، طبابت امر ضروری است تا عرض و عورات زنان از پیش چشم مردان مستتر و محفوظ بمانند. اصل این است که زنان طبیب هم نوعان خود (زنان) بیمار را معالجه نمایند مگر اینکه ضرورت استثنایی بوجود بیاید و زنان توسط مردان معالجه شوند و یا عکس آن. چراکه نظر کردن زن به زن و یامرد به مرد ساده تر از نظر کردن جنس مخالف است.<sup>۴</sup> بنا بر این وجود زنان طبیب و داکتر در حوزه صحی بخصوص در ادارات که کشف عورت زنان را ایجاد می کند امر ضرور و با اهمیت است، مثل زنان در بخش نسایی و ولادی، مشکلات بولی و تناسلی و یا تخصصات که نزدیک شدن دو جنس به همدیگر را ایجاب نماید مثل طبابت دندان و چشم و غیره.

اما در صورت که در بخش های فوق الذکر زنان متخصص موجود نباشد معالجه زنان توسط مردان کدام مشکل نداشته و در حالت ضرورت گناه ساقط می شود.<sup>۵</sup> شفاء بنت عبدالله (رضی الله تعالی عنها) می گوید: پیامبر صلی الله علیه وسلم نزد من داخل شد در حال که من نزد حفصة (رضی الله تعالی) بودم، پیامبر (صلی الله علیه وسلم) گفت: (ألا تعلمین هذه - یرید حفصة - رقیة النملة كما علمتها الكتابة؟) (آیا به حفصه علم رقیه، (نوع طبابت) را یاد نمی دهی، طوری که علم نوشتن را برایش یاد دادی؟. وجه دلالت: دلالة حدیث فوق این است که پیامبر (صلی الله علیه وسلم) از شفاء (رضی الله تعالی عنه) درخواست کرد تا رقیة نملة را به حضرت حفصه آموزش دهد و این دلیل اباحة و همچنان ضرورت آموزش طب برای زنان است و فحوای این حدیث هیچ فایده دیگر ندارد مگر عمل معالجه. و همچنان از اسامه بن شریک (رضی الله تعالی عنه) روایت است که گفته: قالت الاعرابی: یا رسول الله ألا نتداوی؟ قال: نعم، یا عباد الله تداووا، فإن الله لم

<sup>۱</sup> ابو حامد محمد بن محمد بن احمد غزالی ملقب به حجة الاسلام یکی از فقهای شافعی مذهب و از شاگردان امام حرمین الجوینی .

<sup>۲</sup> احیاء علوم الدین، ج ۱، ص ۲۷. / عثماوی، عبدالفتاح بن سلیمان. التعلیم فی البلاد المسلمین، ص ۲۵

<sup>۳</sup> المجموع، ج ۱، ص ۵۱

<sup>۴</sup> الکاسانی، بدائع الصنائع، ج ۵، ص ۱۲۴

<sup>۵</sup> بحر رائق، ج ۴، ص ۱۹۲.

<sup>۶</sup> النسائی، السنن الکبری، ج ۷، ص ۷۵ ارجه ابو داود فی سننه ج ۴، ص ۱۱ و احمد فس مسنده ج ۶، ص ۳۷۲ و حاکم فی المستدرک،

ج ۴، ص ۶۳، حدیث صحیح علی شرط شیخین.

يضع داء إلا وضع له شفاء).<sup>(١)</sup> یک اعرابی گفت: ای رسول خدا! آیا تداوی نکنم؟ پیامبر (صلی الله علیه وسلم) گفت: بلی ای بنده گان الله! خداوند هیچ مریضی را بوجود نه آورده مگر اینکه شفای آن را نیز بوجود آورده است. وجه دلالة: این است که عمل طبابت یک امر ضروری و غیر اجتناب در زندگی اجتماعی است.<sup>(٢)</sup>

به اتفاق علماء، حنفی<sup>(٣)</sup>، مالکی<sup>(٤)</sup>، شافعی<sup>(٥)</sup> و حنبلی<sup>(٦)</sup>، اصل این است که زنان طبیبه، در قدم نخست و در حالت عادی و عدم مجبوریت، زنان بیمار را طبابت نمایند، چنانچه از فاطمه بن منذر<sup>(٧)</sup> (رضی الله تعالی عنها) روایت است که فرمودند: " أن أسماء بنت ابی بکر رضی الله تعالی عنها كانت إذا أتيت بالمرأة قد حمت تدعو لها، أخذت الماء فصبته بينهما وبين جيبها، وقالت " كان رسول الله صلى الله عليه وسلم يأمرن أن نبردها بالماء".<sup>(٨)</sup> اسماء بنت ابی بکر (رضی الله تعالی عنها) هرگاه نزد زنی می آمد که تب داشت، برایش دعا می کرد و آب میخواست و در قسمت های (بین یخن و گردن اش) می ریخت (پاش میداد) و گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم ما را در این حالت همیشه امر می کرد که آن را با آب سرد بسازیم.

وجه دلالت به حدیث فوق این است که آمدن زنان بسوی اسماء جهت طبابت بیان گر این است که در قدم نخست زنان بیمار باید توسط داکتران زن طبابت شوند.<sup>(٩)</sup>

### مطلب دوم: ضرورت تداوی و معالجه

اهمیت کار زن و ضرورت به آن در حوزه صحت، از اهمیت تداوی و معالجه در اسلام و زندگی بشریت سرچشمه می گیرد، علاج و معالجه یک امر مشروع و لازمی است، برابر است که از امراض ظاهری باشد و یا باطنی و یا هم جسمی و نفسی، چیزی که مهم است این است که شریعت به این امر تشویق نموده و آن را بخاطر حفظ نفس انسان مکرم، و بخاطر مصئونیت جسد، آن را لازم قرار داده است، تا انسان بتواند با صحت جسمی و روحی زمین را اعمار کند و خلافت و حکومت را در این کره خاکی محکم بسازد، چنانچه در این مورد الله سبحان و تعالی می

<sup>١</sup> ابن ماجه، سنن ابن ماجه، ج ٤، ص ٤٩٧

<sup>٢</sup> المغنی، ج ٨، ص ١١٧

<sup>٣</sup> المبسوط، ج ١٠، ص ١٧٥ / بدائع الصنائع، ج ٥، ص ١٢٤

<sup>٤</sup> بن مهنا، احمد بن غنیم بن سالم، (١٤١٨ هـ) الفواکه الدوانی علی رساله ابن ابی زید القیروانی، ج ١ ص ٦٠٧، الطبعة الاولى، دارالکتب العلمیة، لبنان، بیروت.

<sup>٥</sup> مغنی المحتاج، ج ٥، ص ٢١٥.

<sup>٦</sup> شرح منتهی الارادات، ج ٢، ص ٦٢٥

<sup>٧</sup> فاطمه بن منذر بن عوام امها او ولد، تزوجت هشام بن عروة، فولدت له عروة ومحدثا الثقافات، ج ٥، ص ٣٠١

<sup>٨</sup> صحیح البخاری، کتاب: الطب، ج ٧، ص ٢٦ شماره حدیث ٥٧٢٤.

<sup>٩</sup> التویجری، هیلة بنت ابراهیم، (١٤٣٠ هـ)، عمل المرأة فی الفقه الاسلامی، ج ١، ص ١٥٣، رساله مقدمة لنیل درجة الدكتوراه فی الفقه



فرماید: {وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا}.<sup>(۱)</sup> ترجمه: یقیناً به بنی آدم کرامت دادیم و ایشان را در دریان و خشکه همراهی کردیم و از چیز های پاک و هلال به ایشان روزی دادیم و ما انسان را بر همه مخلوقات برتری دادیم به برتری دادنی.

و نیز الله متعال می فرماید: {وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ}.<sup>(۲)</sup> ترجمه: و در راه خداوند خرج و مصرف کنید و خود را با دستان خود به هلاکت هلاکت نه اندازید، و نیکی کنید که الله متعال نیکی کننده گان را دوست دارد.

و از ابو هریره (رضی الله تعالی عنه) روایت است که پیامبر (صلی الله علیه وسلم) فرمودند: «ما انزل الله من داء إلا وانزل له شفاء». <sup>(۳)</sup> خداوند هیچ مرض و دردی را بوجود نه آورده است؛ مگر اینکه برای آن دوايي را نیز موجود ساخته است.

از آنچه که در فوق بیان گردید، برای ما ثابت می شود که معالجه و طبابت جهت حفظ نفس انسانها مشروع گردیده است و حفظ نفس از مقاصد دین و شریعت اسلام می باشد؛ بنابراین در معالجه و طبابت محظورات و محرّمات مورد بحث و گفتگو قرار می گیرند، از جمله محظورات، کشف عورت و نظر کردن به آن در هنگام معالجه زن توسط مرد و عکس آن.<sup>(۴)</sup>

در صورت که مرد بیماری در امور معالجه و طبابت به داکتر زن احتیاج پیدا کند و یا از جهت عدم وجود داکتران مرد، به مراجعه نزد داکتر زن مجبور شود، در این حالت باید زن طبیبه آن مرد را معالجه و طبابت نماید، یا اینکه مرد طبیب وجود دارد، اما مرض که عاید حال مرد بیمار گردیده، طبیب به آن تخصص و مهارت کامل ندارد و یا مهارت آن کم تر از زن طبیبه است، در این حالت، برایش مباح است که آن مرد را طبابت نماید چرا که اینجا مصلحة ضروری در تعارض با موضوع ستر عورت قرار گرفته که عورت موضوع تحسین و احسن است، پس در اینجا اصل این است که مصالح ضروری بر مصالح تحسینی مقدم کرده شود.<sup>(۵)</sup>

### مطلب سوم: جلوگیری از اختلاط بین زن و مرد

<sup>۱</sup> سورة الاسراء، آية: ۷۰

<sup>۲</sup> سورة البقره، آية:

<sup>۳</sup> صحيح البخاری، ج ۴، ص ۱۴۵۳، شماره حدیث: ۲۱۹۹

<sup>۴</sup> مزید، مراد سهیل مطر، (۲۰۰۷) عمل المرأة فی المجال صحی بین ضرورت و الضرر، رسالة الماجستری فی الكلية الشریعة بالجامعة

بجامعة الاسلامیة فی الغزة  
<sup>۵</sup> الموافقات، ج ۲، ص ۱۱-۱۴

این واضح است که هرگاه زن در حوزه صحت شروع به کار نماید و به آن ادامه دهد در هر بخش این حوزه امکان اختلاط با مردان وجود داشته و این امر حتمی است. اساس اختلاط این است که در محل کار میان مردان و زنان هیچ گونه فاصله مکانی وجود ندارد و این غیرشرعی است و در شریعت اسلام از آن نهی شده چون جامعه را به فساد می کشاند. پس برای فاصله میان کارمندان زن و مرد یک راهکار به گونه ذیل لازم است: وجودشفاخانه های زنانه که زنان توسط داکتران زن تداوی شوند و همه امور صحتی و اداری شفاخانه به زنان متعلق باشد و از ورود هرگونه مردی به آنجا جلوگیری صورت گیرد که در این حالت مکان شرعی با ضوابط شرعی که برای کار زنان در نظر گرفته شده است متحقق می شود.

در طرف دیگر شفاخانه های مخصوص مردان باید وجود داشته باشد که داکتران مرد تنها مردان بیمار را طبابت نمایند و برای هیچ زنی، اجازه ورود به آنجا نباشد. وقتی هر دو محل با نوعیت داکتران و بیماران که بیان گردید موجود شود فاصله میان مردان و زنان به طور درست ایجاد می شود و از اختلاط میان مردان و زنان نیز جلوگیری صورت می گیرد. در این حالت به داخل شدن زنان داکتر و یا بیمار به محل کار مردان و عکس آن هیچ ضرورتی دیده نمی شود، اما در صورتی که در یک دولت اسلامی تطبیق چنین امری به لحاظ اقتصادی، طبی و عدم وجود داکتران زن لایق و ماهر، ممکن نباشد، در این صورت بخاطر رفع نیاز های صحتی مردم اختلاط زنان با مردان در روشنائی ضوابط شریعت، لابد و ضروری می باشد. اختلاط نزد فقها به دو نوع می باشد الف: اختلاط مباح، این نوع اختلاط (زن و مرد) در صورتی جواز دارد که ضرورت شرعی وجود داشته باشد که با رعایت قواعد شرع اتفاق بیفتد مثل ضرورت طبابت و معالجه که اختلاط بین زن و مرد جهت حفظ نفس انسان ها و بر طرف کردن امراض یک امر ضروری بوده و این ضرورت اختلاط را نیز مباح قرار می دهد.<sup>(۱)</sup>

دلیل اباحت اختلاط؛ طبابت مردان اجنبی توسط زنان طبیبه در وقت ضرورت و حاجت، حدیث ربیع بنت معوذ (رضی الله تعالی عنهما) می باشد که فرمودند: «كُنَّا مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نَسْقِي وَنُدَاوِي الْجُرْحَى، وَنَرِدُ الْقَتْلَى إِلَى الْمَدِينَةِ».<sup>(۲)</sup> ربیع دختر معوذ (رضی الله تعالی عنهما) می گوید: در غزوات همراه نبی اکرم (صلی الله علیه وسلم) شرکت می کردیم، به مجاهدین آب می دادیم، زخمی های شان را مداوا می کردیم و کشته های شان را به مدینه انتقال می دادیم. و نیز از انس (رضی الله تعالی عنه) روایت است که: «عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ، قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَغْزُو بِأُمَّ

<sup>۱</sup> عمل المرأة في المجال صحتی بین ضرورت والضرر، ص ۸۶

<sup>۲</sup> صحيح البخاری، كتاب: الجهاد والسير، بابا: مداواة النساء ارجحى في الغزو، ج ۳، ص ۲۹۲، شماره حدیث: ۲۸۸۲.

سَلِيمٍ وَنِسْوَةٍ مِنَ الْأَنْصَارِ مَعَهُ إِذَا عَزَا، فَيَسْفِينُ الْمَاءَ، وَيُدَاوِينَ الْجَرْحَى»<sup>(۱)</sup> در صحیح مسلم از انس بن مالک (رضی الله تعالی عنه) روایت شده که گفته: پیامبر (صلی الله علیه وسلم) جهاد می نمود درحالی که ام سلیم و زنانی از انصار او را همراهی می کردند و به سربازان آب می رساندند و زخمی‌ها را درمان می‌کردند. وجه دلالت: بی گمان این کار زنان، نمونه ای از جهاد در راه خدا بوده و بیانگر جواز کار زنان بوده و انجام کار های که به نفع اجتماع باشد ممنوع نیست حتی در مواقعی بر زن فرض عین خواهد بود.<sup>(۲)</sup>

در حدیث دیگری ابن عباس (رضی الله تعالی عنها) روایت می کند که «کان رسول الله صلی الله علیه وسلم یغزو بالنساء فیداوین الجرحی»<sup>(۳)</sup> در یکی از غزوات پیامبر (صلی الله علیه وسلم) حضور داشت و عده ای از زنان به همراه ایشان بودند که مجروحین را مداوی می کردند. احادیث فوق الذکر به اباحت طیبیت زن مردان بیمار را در هنگام ضرورت دلالت می کند طوری که زنان در زمان پیامبر مصروف مداوای مردان مجروح بودند و مردان در صف جها با کفار می جنگیدند، پس این همان ضرورت است که در آن زمان وجود داشت و خلوت بین زن و مرد را بخاطر مداوی جواز داده بود که حکم آن زمان در حال حاضر نیز قابل اجرا خواهد بود.<sup>(۴)</sup>

#### مطلب چهارم: حاجت که باعث می شود زن بخاطر فراگرفتن کار صحی سفر نماید

سفر کردن زن طیب به محل و یا کشور دیگر در صورتی لازمی و ضروری محسوب می شود که در آن محل یا کشور زن طیب دیگر وجود نداشته باشد، در صورتی که زن طیب جهت انجام عمل طیبیت سفر نماید، وجود محرم به همراه آن ضروری می باشد، چون جمهور فقهاء حنفی، مالکی، شافعی و حنبلی وجود محرم را همراه با آن لازمی دانسته و بدون محرم سفر کردن آن را جایز نمی دانند، زیرا پیامبر (صلی الله علیه وسلم) از سفر کردن زن بدون محرم نهی کرده است.

از ابن عمر (رضی الله تعالی عنه) می فرماید: (نهی رسول الله صلی الله علیه وسلم آن تسافر المرأة مسیره یومین ألا ومعها زوجها او ذو محرم)<sup>(۵)</sup> پیامبر (صلی الله علیه وسلم) از سفر کردن زن مسافت را که دو روز را در بر بگیرد، نهی کرده است. مگر اینکه به همراه آن، شوهرش و یا محرم شرعی اش حضور داشته باشد. و در حدیث دیگری از ابن عمر (رضی الله تعالی عنهما)

<sup>۱</sup> - صحیح مسلم به شرح النووی، ج ۱۲، ص ۱۸۸.

<sup>۲</sup> زیدان، حقوق و تکالیف زن در اسلام ص ۱۸۱

<sup>۳</sup> صحیح مسلم، ص ۴۷۷ شماره حدیث: ۱۸۱۴

<sup>۴</sup> اکمال المعلم، ج ۶، ص ۲۰۴

<sup>۵</sup> صحیح مسلم، ج ۲، ص ۹۷۶، شماره حدیث: ۱۳۳۹، باب: سفر المرأة

روایت است که پیامبر (صلی الله علیه وسلم فرمودند: ( لا تسافر المرأة ثلاثاً إلا مع ذو محرم).<sup>(۱)</sup> زن مدت را که سه شبانه روز را در برگیرد سفر ننماید، مگر اینکه به همراه آن از محارم اش کسی موجود باشد.

ودرجای دیگری از ابی هریره (رضی الله تعالی عنه) روایت است که پیامبر (صلی الله علیه وسلم) فرمودند: (لا یحل لامرأة تؤمن بالله والیوم الآخر أن تسافر مسیرة ثلاث لیل إلا ومعها ذو محرم).<sup>(۲)</sup> برای زن که به الله و روز آخره ایمان دارد حلال و جایز نیست که مسیر سه شب را سفر نماید مگر اینکه به همراه آن محرم اش موجود باشد. وهمچنان از قاضی عیاض.<sup>(۳)</sup> نقل است که می گوید علماء اتفاق دارند که برای زن جایز نیست، غیر از فریضه حج مسافرت کند مگر اینکه همراه

آن محارم اش موجود باشند. امام بغوی (رحمه الله) نیز عین قول را روایت کرده است.<sup>(۴)</sup>

اما در طرف دیگر ابوالولید باجی<sup>(۵)</sup> یکی از علماء مالکی مذهب، می فرماید: شرط قرار دادن حرمت مسافرت زن درحالت انفرادی و تنهایی می باشد که افتادن به فساد آسان باشد، ولی در مجمع های بزرگ مانند شهرها، مسافرت زن بدون محرم نیز جواز دارد.<sup>(۶)</sup> وهمچنان ماوردی<sup>(۷)</sup> (رحمه الله) نیز از طرف امام صاحب شافعی روایت می کند که در صورت نیاز، سفر زن بدون محرم به طور مطلق مباح است.<sup>(۸)</sup>

### مطلب پنجم: التزام به پوشش اسلامی زن در حوزه صحی

زنانی که به هر دلیل لازم است در خارج از منزل (مدارس تعلیمی و یا شفاخانه ها و غیره...) کار کنند، باید حتی الامکان در محیطی باشند که ناچار نشوند با مردان بیگانه و نامحرم در اتاق و محل خلوت کار کنند، و باید در حضور مردان بیگانه به جز دست و صورت چیز دیگری از بدن آنها نمایان نباشد؛ زیرا حفظ حجاب از کرامت، حرمت و شخصیت آنان محافظت می نماید و از

<sup>۱</sup> صحیح مسلم، ج ۲، ص ۹۷۵، شماره حدیث: ۱۳۳۸

<sup>۲</sup> صحیح مسلم، ج ۲، ص ۹۷۲،

<sup>۳</sup> او ابو الفضل عیاض بن موسی بن عیاض یحصی بستی، حافظ و عالم مغرب، در سنه ۴۷۶ تولد گردیده و مصنفات زیادی نیز دارد در زمان خودش امام اهل حدیث و از دانا ترین مردمان به علم نحو و لغة بوده است که مسند قضاء را به مدت شش سال بدوش داشته است و در سال ۵۴۴ در مراکش وفات کرده است. (تذکر | الحفاظ)

<sup>۴</sup> اکمال المعلم بفوائد المسلم، ج ۴، ص ۴۴۶

<sup>۵</sup> سلیمان بن خلف بن سعد بن ایوب باجی قرطبی در سنه ۴۰۳ هـ تولد گردیده در علم حدیث و فقه دست بالای داشته است. در سنه ۴۹۴ وفات کرده است

<sup>۶</sup> المنتقی، ج ۳، ص ۸۷

<sup>۷</sup> ابو الحسن علی بن محمد بن حبیب ماوردی یکی از فقها و حافظان بوده است که در بصره و بغداد در مذهب امام شافعی درس خوانده است ایشان در شهر های مختلف منسب قضاء را نیز بدست داشته اند و در سنه ۴۵۰ هـ در بغداد وفات کرده است.

<sup>۸</sup> الحاوی، ج ۵، ص ۴۷۷

بازیچه قرار گرفتن آنان توسط آدم‌های هوس باز و هرزه‌جوگیری می‌نماید و از کانون خانواده و ادامه زندگی سالم و طبیعی پاسداری می‌کند.<sup>(۱)</sup>

## مبحث دوم: زن و نیاز مندی جامعه به کار و عمل آن در حوزه صحت

### مطلب اول: ماهیت ضرورت اجتماعی زنان

ضرورت اجتماعی، یک حالت قوی ارتباط اجتماعی است که میان یک فرد با فرد دیگری و میان فرد با اجتماع و جماعات برقرار است، به گونه‌ای که مبدأ این روابط اجتماعی را ضرورت‌های تکثیر می‌دهد که مخالف شریعت اسلام نباشند.<sup>(۲)</sup>

هرگاه یک زن بخاطر عدم کار و یا ترک کاسبی‌اش، در زندگی شخصی‌اش، و یا اجتماع در مشقت و حرج واقع شود در این حالت کار کردن برایش مباح است و این حاجت و نیاز مندی نیز متفاوت می‌باشد، گاهی می‌تواند شدید باشد که به درجه ضروریات برسد و گاهی هم می‌تواند اخف و ساده باشد و در درجه تحسینات باشد.<sup>(۳)</sup>

### مطلب دوم: زن و نیاز جامعه به کار و عمل آن در عرصه صحت

شرافت را که اسلام برای زن به عنوان مادر، دختر، خواهر و همسر قایل شده است، نفقه آن را نیز به دوش کسی قرار داده است که مسئولیت سرپرستی‌اش را بدوش دارد، بنابراین هیچ حاجت و ضرورتی برای خارج شدن زن به میدان کار و عمل دیده نمی‌شود، مگر در حالات محدود و بضوابط شرعی که خروج زنان را اجازه می‌دهد. از جمله حالات که خارج شدن زن از خانه بخاطر کار یک حالت ضروری محسوب می‌شود حاجت اجتماع می‌باشد که کار زن به عنوان طبیب در جامعه احتیاج وجود داشته باشد.<sup>(۴)</sup>

هرگاه به کار زنان در یکی از بخش‌های کاری، در جامعه ضرورت وجود داشته باشد، زن می‌تواند کار کند، و به یک گروهی از زنان لازم می‌گردد که در بخش‌های که کارمندان زنانه در آن بخش وجود نداشته باشد اقدام به کار نمایند. فقهای کرام اقدام زنان به کارهای صنعتی، حرفه یا بخش‌های دیگری که نیازمندی مردم به آن را به وضوح نشان دهد فرض کفایی گفته‌اند.

<sup>۱</sup> فقه خانواده در جهان معاصر، ص ۳۴۱

<sup>۲</sup> حقوق المرأة فی الشریعة الاسلامیة، ص ۲۰۳

<sup>۳</sup> بدائع الصنائع ج ۳، ص ۲۰۵

<sup>۴</sup> عمل المرأة فی المجال الصحی، ص ۱۴۵

( پس معلوم می شود که یکی از نیازمندی های جامعه امرطبابت و معالجه بوده و حضور زنان در این بخش از مهمترین وظایف اجتماعی محسوب می شود). از گفته های فوق به موارد ذیل می شود استناد کرد: **{وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى}**.<sup>(۱)</sup> ترجمه: به نیکی و تقوا همکاری کنید. وجه دلالت به آیت فوق این است که کار زن با رعایت ضوابط آن جهت برطرف کردن نیازهای جامعه و کمک به نیکی کردن به دیگران، در آیه فوق امر گردیده است. در این زمینه قاعده فقهی وجود دارد که می گوید: **"أَوَالْمَنَافِعِ الْمَحْتَاجِ إِلَيْهَا، يَجِبُ بَدْلُهُ مَجَانًا بغير عوض"**.<sup>(۲)</sup> هرگاه منافع وجود داشته باشد که نیاز به آن زیاد باشد، تلاش برای برطرف کردن حتی به طور رایگان و بدون اجرت لازم است. پس در صورتی که تلاش برای برطرف کردن نیاز مردم حتی بدون اجرة لازمی باشد، به اجرة به طریق اولی لازم است.<sup>(۳)</sup>

عبدالکریم زیدان یکی از علماء مصری در کتاب خود تحت عنوان (احکام المرأة) می گوید: بعضی از حرفه ها و وظایفی در جامعه وجود دارد که از جمله فروض کفایی محسوب می شوند، مثل وظیفه طبابت برای زنان، چون در این بخش حضور زنان طبیبه در شفاخانه ها، جهت اجرای عملیات زنان، توالد و ولادت زنان، و غیره موارد لازمی . دولت ها باید در این زمینه مؤسسات و سهولت های را برای زنان محیا سازند تا زنان متخصص و مسلکی به جامعه خدمت نمایند و نیازمندی زنان بیمار را در بخش های مختلف صحتی برطرف نمایند.<sup>(۴)</sup>

### مطلب سوم: زن و نیاز جامعه به همکاری آن در هر زمان

اسلام عزیز برای زن داکتر و طبیبه مسئولیت اساسی را جهت حفظ حقوق شوهر و واجبات زنا شوهری اش تعیین کرده است، چنانچه ابو هریره (رضی الله تعالی عنه) روایت می کند که پیامبر (صلی الله علیه وسلم) فرمودند: **«لَوْ كُنْتُ أَمْرًا أَحَدًا أَنْ يَسْجُدَ لِأَحَدٍ لَأَمَرْتُ الْمَرْأَةَ أَنْ تَسْجُدَ لِزَوْجِهَا»**.<sup>(۵)</sup> اگر میخواستم کسی را فرمان دهم که بر دیگری سجده کند حتما امر می کردم زن به شوهر اش سجده کند. پس حدیث پیامبر (صلی الله علیه وسلم) به ما خبر می دهد که اطاعت زن از شوهر اش در هر آن امر مشروع که ازش بخواهد، واجب و لازم است. چه خدمت کردن در خانه باشد و چه ایستادگی و فرمان برداری در امور زوجیت و یا موارد غیر از اینها. پس ایستادگی و اجرای امور زوجیت و طاعت از آن برای زوجه واجب است؛ همان طور که همکاری و تلاش خانم طبیبه

<sup>۱</sup> سورة المائدة، آية: ۲

<sup>۲</sup> قواعد ابن رجب، ج ۲، ص ۲۸۰، قاعده ۹۹

<sup>۳</sup> مجموع الفتاوى، ج ۲۹، ص ۱۸۸

<sup>۴</sup> الزیدان، عبدالکریم، احکام المرأة والبیئ المسلم فی الاسلام، ج ۴، ص ۳۱۰

<sup>۵</sup> الترمذی، سنن الترمذی، ص ۲۷۵، حدیث شماره: ۱۱۵۹. ترمذی این حدیث را حسن صحیح گفته است.

ازحالات بیمار واجب است، مانند التزام آنها به حفاظت از صحت بیمار و انجام کوچکترین تلاش برای راحتی آنها، تهیه و آماده سازی هر نوع امکانات علمی و عملی بخاطر مصلحت حال بیمار، و معالجه آن.

این تنها فرصتی است که ضرورت به وجود زن طبیبه در اجتماع را ظاهر می سازد، طوری که اهمیت ضرورت اجتماعی را ظاهر ساخته و برای این ضرورات اجتماعی به حضور زن طبیب، اشکال متعدد ضرورت وجود دارد، مثلا زن طبیب خانه خود را برای همیشه بر روی افراد و زنان بیمار درهرحالت شب و روز و ضرورت بیرون شدن آن از خانه در غیر اوقات رسمی و غیره موارد طبی که در جامعه اتفاق می افتد.

### مطلب چهارم: زن بدون اجازه می تواند نزد زنان بیمار داخل شود

درهنگام ضرورت، اجازه شرعی، ازجمله ضروریات اجتماعی محسوب می شود و این ضرورت دارای اشکال مهم می باشد که مهمترین آن به گونه ذیل می باشد:

شریعت اسلام وارد شدن به محل سکن و یا خواب دیگران را بدون اجازه صاحب و یا قائم مقام اش حرام قرار داده است، و این یکی از حقوق بیمار در زمان طبابت اش می باشد و آن اجازه گرفتن هنگام داخل شدن نزد آن است، قبل از اجازه گرفتن از بیمار، داخل شدن نزد آن ممکن نیست چون شریعت اسلام چنین می فرماید: { يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتَسَلِّمُوا عَلَىٰ أَهْلِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ }<sup>(۱)</sup>. ترجمه: ای کسان که ایمان دارید در غیر از خانه های خودتان بدون اجازه داخل نشوید، تا آن که از اهل خانه طلب اجازه کنید این برای شما بهتر است.

پس الله تبارک و تعالی وارد شدن به خانه و محل سکونت دیگران را حرام قرار داده است مگر اینکه اول به صغیر و یا کبیر، آن خانه سلام دهید و از ایشان طلب اجازه کند. از آیه فوق چنین فهمیده می شود که اجازه شرط اساسی برای وارد شدن به خانه های مسکونی است، و این اجازه گرفتن یکی از حقوق بیمار نیز می باشد چرا که امر اجازه گرفتن برای وارد شدن به بیمار، بخاطر جلو گیری، از افتادن نظر حرام به عورات درشفاخانه ها و عدم افشای اسرار شخصی بیمار امر حتمی می باشد، چرا که بعضی اسرار از کشف عورت نیز (سری) تر هستند.

یا بخاطر این است که شخص بیمار با فهمیدن ورود کسی نزدش حال خود را بهتر از قبل ظاهر بسازد، و از خود آن حالتی را به نمایش بگذارد که مناسب حال بیمار درمقابل دیگران باشد. گاهی ضرورت های اجتماعی در حالات غیرعادی (حالات که مرض شخص بیمار به اوج خطر

<sup>۱</sup> السورة النور، آیه: ۲۷.

رسیده باشد وصحت اش را کاملاً مختل کرده باشد) ورود داکتران زن نزد بیمار را بدون زن اجازه می دهند، هر چند حقوق بیمار پایمال شود، چون در این حالت میان حقوق بیمار و زندگی اش تصادم واقع می شود که باید به زندگی اش اهمیت بیشتر بدهیم.<sup>(۱)</sup>

### **مطلب پنجم: کار زن و ضرورت اقتصاد خانواده**

اولین کار و مسئولیت مهم و محوری زنان که هیچ کس آن را انکار نمی کند همان شغل مادری و تربیت فرزندان است. در واقع مادر خود دانشگاهی است چنانچه آن را درست اداره نماید ملتی اصیل و ریشه دار و ماندگار را تربیت و آماده نموده است. براین اساس می گوئیم که کار و اشتغال زنان اساساً جایز است و چنانچه از داشتن شوهر و پدر و برادر و خویشاوندانی که زندگی او را تأمین کنند محروم بوده مبنای درآمدی هم نداشته باشد و برای تأمین مخارج زندگی و نجات از سر افکندگی و نیازمندی و حفظ کرامت خود بتواند کاری مناسب را انجام دهد بسیار هم خوب و ضروری است.<sup>(۲)</sup> ( در این صورت وقتی خانمی درس طبابت را خوانده باشد و بخاطر رفع نیاز های اقتصادی خانواده اش و یا تقویه آن، در یکی از بخش های صحتی کار نماید، هم ضرورت های اقتصادی را مرفوع ساخته است و هم عمل صحتی را که از جمله فروض کفایی نیز محسوب می شود را انجام داده است که در صورت رعایت ضوابط شرعی، در واقع دو عمل خیر را انجام داده است).

مقتضای عدالت اسلامی این است که کارها و مسئولیت های روزمره زندگی براساس فطرت، طبیعت و توانایی خاص هر یک میان آنها تقسیم شود. در همین رابطه است که کارهای خارج از منزل را به مردان و کارهای داخل خانه را به زنان سپرده است و این را از عملکرد و سنت رسول خدا(صلی الله علیه و سلم) در مورد حضرت علی و حضرت فاطمه می توان فهمید.

### **مطلب ششم: زن طبیبه و انجام وظیفه در میدان جنگ**

جایز است که هنگام ضرورت، زن، بیماران را بیرون از خانه و بیرون از میدان جنگ درمان نماید. دلیل جواز این کار این است که وقتی سعد بن معاذ(رضی الله تعالی عنه) در جنگ خندق، تیر خورد. پیامبر(صلی الله علیه و سلم) فرمود: «او را به چادر رفیده که در مسجد است ببرید تا او را

<sup>۱</sup> عمل المرأة فی المجال الصحی، ص ۱۴۸

<sup>۲</sup> زن در اسلام، گزیده ای از مواضع اسلام درباره قضیه زنان، ص ۲۲-۲۳. سایت نور نوار اسلام، تاریخ انتشار الکترونیکی، حوت ۱۳۹۴



از نزدیک ببیند». رفیده (رضی الله تعالی عنها) زنی از انصار یا اسلم بود که زخمی‌ها را درمان می‌کرد و خود را وقف خدمت به مسلمانانی که زخمی یا مجروح می‌شدند، کرده بود»<sup>(۱)</sup> در «الاستیعاب» ابن عبدالبر در شرح حال رفیده آمده است: «او زنی از اسلم بود. پیامبر (صلی الله علیه وسلم) سعد بن معاذ (رضی الله تعالی عنه) را به چادر او در مسجد خود برد تا او را از نزدیک معاینه کند و او زنی بود که زخمی‌ها را درمان می‌کرد و خود را وقف [خدمت به] مسلمانان که آسیب می‌دیدند، نموده بود»<sup>(۲)</sup>

## مبحث سوم: نیاز های اخلاقی زنان در حوزه صحی

### مطلب اول: رعایت ادب و اخلاق اسلامی در تعامل با بیگانه گان

اخلاق: عبارت از آن اوصاف انسانی است که با یک دیگر معامله می‌کنند، اطلاق بر محمود و مذموم هر دو می‌شود<sup>۳</sup>.

اخلاق در اصطلاح:

(ملکة یصدر بها عن النفس افعال بسهولة من غیر فکر و رویة).<sup>(۴)</sup> یعنی: اخلاق ملکه ای است که افعال صادر می‌شود به سهولت از غیر فکر کردن و دیدن اکثر محققین اخلاق را به معنای (دین و تقوا) توجیه کردند.

بناءً آن کسی که دین ندارد اصلاً در قافله اخلاق مندان شامل نیست، اگر چه تظاهر به اخلاق کند.

ادب نیز شاخه ای از اخلاق بوده و باید هر دو در کنار هم قرار داشته باشند تا باهمدیگر انسان را به تعالی مقام در دنیا و آخرت برسانند.

آداب کامل در انسان علایم و عنوان سعادت و کامیابی او است. و قلت ادب علایم و نشان هلاکت انسان است.

ادب در لغت: آداب جمع ادب به معنای، روشهای نیکو، عادات و رسوم پسندیده.

در اصطلاح: آلف - عبارت است از شناخت هر آن چیزی که انسان را از تمام انواع خطا باز

دارد.<sup>(۵)</sup>

<sup>۱</sup> - الاصابة فی تمییز الصحابه، ابن حجر عسقلانی، ج ۴، ص ۳۰۲.

<sup>۲</sup> - الاستیعاب، ابن عبدالبر، ج ۴، ص ۳۱۱.

<sup>۳</sup> - لسان العرب از ابن منظور ج ۱، ص ۹۶.

<sup>۴</sup> - ملکه: عبارت است از حفظ آهنین در نفس که به زودی زائل و فراموش نمی‌گردد.

<sup>۵</sup> - تعرفات جرجانی، ص ۳۴.

ب- ملکه است که انسان را از ناسزاهای باز دارد.<sup>(۱)</sup>

ج- عبارت است از جمع شدن خیر در انسان.<sup>(۲)</sup>

بنا بر آنچه که فوقاً در مورد اخلاق و ادب بیان گردید، هرگاه طبیبه در کار طبابت خود احتیاج تعامل با مردان را پیدا کرد برایش لازم است تا آداب و اخلاق را که دین اسلام برایش معین کرده، در نظر گرفته و این رسوم و عادات را در عقل و فکر خود ثبت کند، زیرا این موارد چیزی است که بخاطر حسن فهم و کرامت انسانی که شریعت اسلام برایش مقرر کرده است، همان طوریکه لازم است اجرای این آداب و رسوم در قلب های شان غرس و ثبت شده باشد. در آداب تعامل طبیبه با مردان بیگانه رعایت موارد ذیل ضروری است:

۱- جدیت در زمینه ملاقات و خود داری از ملاقات های طولانی و مکرر

خداوند متعال در این مورد می فرماید: {وَقُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا}.<sup>(۳)</sup> و حرف درست و مطلوب بگویید. این آیه اشاره به حفظ سخن (کم حرفی) بین جنسین دارد، چنانچه حرف معروف و مطلوب بوده و بخاطر رقی و تداوی بیمار باشد. این صحبت ها بخاطر امور ضروری بین طبیبه و مردان بیگانه جایز است، مگر بهتر است این مکالمات با رعایت آداب شرعی صورت بگیرد.

۲- حفظ نگاه: این یکی دیگر از آداب کاری زنان با بیگانه گان، در محل کارش می باشد طوری که الله تعالی می فرماید: {قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَعْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَىٰ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ}.<sup>(۴)</sup> ترجمه: (ای پیامبر) به مردان با ایمان بگو: چشمان خود را (از نگاه حرام) فرو بندند و شرمگاه های شان را حفظ کنند، که این برای آنان پاکیزه تر است. بی گمان خداوند از آنچه می کنند آگاه است.

این آیه امر به زنان طبیبه و مردان طبیب و غیر طبیب می باشد که هنگام مواجهه و تعامل با جنس مخالف چشم خود را حفظ نمایند و در این هیچ حرجی برای طرفین نیست اگر علاقه به حفظ چشمان شان از نگاه بد داشته باشند. نظر نکردن یکی از آن ها به طرف دیگر شان و دوری کردن شان از شهوة بهتر از آن است که چشم چرانی کنند و در دام بیفتند.

۳- پرهیز از مصافحه با نامحرم

<sup>۱</sup> - لغت نامه دهخدا، ج ۲، بخش الف، ص ۸۲

<sup>۲</sup> - مدارج السالکین، ص ۱۱۹

<sup>۳</sup> - سورة الاحزاب، آیه: ۳۲

<sup>۴</sup> - السورة النور، آیه: ۳۰-۳۱

برای بسته کردن دروازه و وسیله فتنه، خود داری از مصافحه در هر حالت ناجایز قرار گرفته است، در این زمینه رسول الله (صلی الله علیه وسلم) برای ما (قدوة حسنة) است، چنانچه از عایشه (رضی الله تعالی عنها) روایت است که «كان النبي يبایع الناس بهذه الآية لا تشرکن بالله شیئاً» و گفته است: «وما مست يد رسول الله يد امرأة قط إلا امرأة يملكها».<sup>(۱)</sup> پیامبر (صلی الله علیه وسلم) در معاملات با مردم این آیه را میخواند {لا تشرکن بالله شیئاً}. و دست پیامبر (صلی الله علیه وسلم) هرگز دست زنی را لمس نکرده است.

#### ۴- جدایی بین زنان و مردان و پرهیز از مزاحمت همدیگر

برای زنان طبیبه اجتناب از مزاحمت، دیگران در مکان های کاری و اجتماعات عمومی لازم است.

از آداب مطلوب در محلات کاری، جدایی بین زنان و مردان و پرهیز از مزاحمة دیگران و اختصاص مکان خاص برای زنان بخاطر توجه به شرعی شدن کار صحی لازم است.<sup>(۲)</sup>

#### ۵- پرهیز از گناهان آشکار و باطن آن

برای زن طبیبه اجتناب از هرنوع شبهات که موجب نابودی شرف و حیاء آن شود لازم است برابر است که پرهیز از خلوة عادی باشد و یا دیگر موارد که آفریننده شک است، از مظاهر گناه همان تقصیرات در تطبیق آداب مواجهه و هوس رانی است که مرکب تساهل در اجرای ضوابط شریعت می شوند.

#### مطلب دوم: اظهار شخصیه ممیزه زن مسلمان در حوزه صحی

زنانگی وجودی در جهت پیشبرد مقاصد اسلامی و تشریحی خواهد بود و هر آنچه سبب آسیب به این زنانگی بشود عامل ایجاد خلل در حقیقت بندگی و زندگی خواهد شد.

زنانگی، راز جاذبیت خلقت زن و مفهومی تکاملی در اسلام است. همان مفهومی که مرد با آن به کمال می رسد از این جهت که مرد نیز بخشی از حیات انسانی است و بدون این مفهوم تا ابد ناقص خواهد بود و زن نیز کامل نمی گردد مگر به واسطه وجودی از جنس بشر با صفات مردانگی که او را محافظت کند و سرپرستی اش را عهده دار شود و زیبایی این به کمال رسیدن در کلام پروردگار مشهود است.

<sup>۱</sup> صحیح المسلم، ج ۳، ص ۱۴۸۹.

<sup>۲</sup> عمل المرأة فی المجال الصحی، ص ۱۴۱-۱۴۲.

(هُنَّ لِبَاسٍ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٍ لَّهُنَّ).<sup>(۱)</sup> ترجمه: آن‌ها جامه عفاف شما و شما نیز لباس عفت آن‌ها

هستید».

به همین دلیل اسلام به شدت از تشابه زنان به مردان نهی کرده است چرا که هویت واقعی و فطری زن در آن نادیده انگاشته می‌شود و توازن جنسی به هم می‌ریزد و تکامل زن و مرد در کنار هم صورت نخواهد گرفت. زنانگی حقیقت لازمه ادامه نسل است و نیز ضرورتی برای تشکیل بنای خانواده و پیش برد اهداف بشریت می‌باشد. از جهت دیگر این زنانگی ویژگی لازم برای برپایی فرهنگ و ادامه تاریخ بشریت تا آن جا است که پروردگار اراده کند. تشابه زنان به مردان تهدیدی برای بشریت و به هم زدن توازن اجتماعی موجود در جامعه خواهد بود. از پیامبر احادیثی در ارتباط با این مسئله روایت شده است چنان که فرموده‌اند: «ثلاثة لا ينظر الله اليهم يوم القيامة: عاق الوالديه ومدمن الخمر ومنان بما اعطى».<sup>(۲)</sup> پروردگار در روز آخرت به سه کس نگاه نمی‌کند: کسی که مورد عاق والدین قرار گرفته است، فردی که دایم الخمر باشد و کسی که بخشش خود را با منت همراه می‌سازد.

در حدیث دیگر نیز می‌فرماید: «ثلاثة لا يدخلون الجنة العاق الوالديه والديوث ورجلة»<sup>(۳)</sup> النساء»<sup>(۴)</sup> سه گروه داخل بهشت نمی‌شوند: عاق والیدین، آن کس که دیوث است و زنانی که خود را به شکل مردان درآورند. از ام المومنین عایشه نیز روایت شده است که: «لعن رسول الله الرجل من النساء».<sup>(۵)</sup> پروردگار زنانی را که خود را به شکل مردان درمی‌آورند لعنت کرده است. تشابه زنان به مردان نیز ممکن است در پوشش، کلام و یا در طریقه راه رفتن باشد. عموماً این تشابه از طریق پرداختن به امور ظاهری صورت می‌گیرد و ممکن است با تغییر خلقت الله تعالی به واسطه جراحی‌هایی که زنانگی او را تغییر خواهند داد و بر آن اثرگذار خواهند بود انجام بشود و به همین واسطه وظیفه حیاتی او را تحت الشعاع قرار می‌دهد.

تمامی این اعمال به نص احادیث حرام هستند و در تضاد با مقاصد شریعت قرار دارند، به همین دلیل اسلام هر گونه تشابه زنان به مردان را جایز نمی‌داند همچنان که تشابه به زنان را نیز بر

<sup>۱</sup> سورة البقره، آیه: ۱۸۷

<sup>۲</sup> الحاكم، المستدرک على الصحيحين للحاكم، ج ۴، ص ۱۶۳، شماره حدیث: ۷۲۳۵

<sup>۳</sup> الرَّجُلَةُ (الرَّجُلَةُ مِنَ النِّسَاءِ: الَّتِي تَنْشَبُ بِالرِّجَالِ فِي هَيْئَتِهِمْ وَأَخْلَاقِهِمْ وَأَقْوَالِهِمْ. زَنَانٌ كَمَا فِي الشَّكْلِ الظَّاهِرِيِّ، اخْلَاقٌ، أفعال، واقوال خود را شبیه مردان بسازند. ابوسعادات ابن الاثیر جامع الاصول، ج ۱۰، ص ۶۵۵

<sup>۴</sup> الهندی، المتقی، کنز العمال، ج ۱۶، ص ۳۲، رقم الحدیث: ۴۳۸۰۷. أخرجه البزار زوانده (۶۰۵۰ و ۶۰۵۱)، والنسائي في الكبرى (۲۳۵۴)، وابن خزيمة في التوحيد (۲/ ۸۵۹) و (۵/ ۸۶۱ - ۸۶۲)، والطوسي في مختصر الأحكام (۱۵۰۵)، والخراطي في المساوي (۴۱۱)، والحاكم في المستدرک (۱/ ۷۲)، والبيهقي في الكبرى (۱۰/ ۳۸۱ - ۳۸۲ رقم ۲۱۰۲۵)، والضياء في المختارة ۱/ ۲۰۷ - ۲۰۸ (۱۹۸). وصححه الحاكم ووافقه الذهبي. وقال ابن كثير في مسند الفاروق (۲/ ۱۸۵): هذا حديث حسن.

<sup>۵</sup> جامع الاصول، ج ۱۰، ص ۶۵۵، شماره حدیث: ۸۲۸۳

مردان حرام کرده است. پیامبر در این خصوص می‌فرماید: «لَعْنُ الْمُتَشَبِهَاتِ مِنَ النِّسَاءِ بِالرِّجَالِ، وَ الْمُتَشَبِهِينَ مِنَ الرِّجَالِ بِالنِّسَاءِ»<sup>(۱)</sup>. خداوند زنانی که خود را به شکل مردان درمی‌آورند درمی‌آورد و مردانی که خود را به شکل زنان در می‌آورند لعنت کرده است.

وجه استدلال: سه حدیث فوق الذکر به گونه واضح به تحریم شبیه سازی زنان پرداخته اند.<sup>(۲)</sup>

پس زنانگی وجودی در جهت پیشبرد مقاصد اسلامی و تشریحی خواهد بود و هر آنچه سبب آسیب به این زنانگی بشود عامل ایجاد خلل در حقیقت بندگی و زندگی خواهد شد.

### مطلب سوم: حفظ شخصیت و ادب در راه رفتن و برخورد های اجتماعی

حیاء در مقابل تجاوز از حدود و ارتکاب به افعال ناشایست و وقیح قرار می‌گیرد. در واقع حیاء از جمله مقتضیات سرشت زنانگی است و عموماً عامل میل به سوی پوشیدگی خواهد بود چرا که زن به این واسطه وجود خویش را در خلوت و در اجتماع حفظ می‌کند. چون حیاء به محض قرار گرفتن در فضای باز متلاشی می‌گردد.

بنابراین، حیاء با برهنگی و عریان ساختن آنچه که نباید آشکار شود، جمع نمی‌گردد. پوشیدگی راز بقای حیاء و حیاء راز بقای زیبایی است چنان که تمام زیبایی گل مربوط به دروان غنچه بودن است و چون شکفته شود دستی آن را چیده و زیباییش را خواهد گرفت. همین گل تا زمانی زیبا است که به واسطه‌ی برگ‌های سبز و خارهای تند پوشیده باشد. حیاء مفهومی عام در تمامی رفتارها، حرکات، سکنتات و اقوال و افعال است و مصداق این سخن در کلام جامع و کامل پیامبر دیده می‌شود: (زشتی در هیچ چیز یافت نمی‌شود مگر اینکه مقام و منزلت آن را پایین آورد و حیاء در هیچ یافت نمی‌شود مگر اینکه آن را نیکو می‌گرداند).<sup>(۳)</sup> و این حیاء در وجود تمامی افرادی که مسلمان هستند و دارای عقیده معین و فرهنگ و تمدن متمایز می‌باشند دیده می‌شود.

به همین دلیل پیامبر (صلی الله علیه وسلم) حیاء را با ایمان همراه ساخته است و می‌فرماید: (به راستی که حیاء و ایمان به هم پیوسته‌اند هر زمان یکی رفعت یابد دیگری نیز بالا می‌رود).<sup>(۴)</sup> و

<sup>۱</sup> سنن ابو داود، ج ۶، ص ۱۹۳، شماره حدیث: ۳۰۹۷. اسناد این حدیث صحیح است بخاری به شماره ۵۸۸۵ و ابن ماجه به شماره: ۱۹۰۴ و ترمذی به شماره حدیث: ۲۹۹۱ این حدیث را تخریج کرده اند و آل‌بانی در صحیح جامع با شماره ۵۱۰۰ آن را ذکر کرده است.

<sup>۲</sup> آل‌بانی، ناصر الدین، جلیاب المرأة المسلمة فی الكتاب والسنة ص ۱۴۶

<sup>۳</sup> احمد و ترمذی و ابن ماجه از انس این حدیث را روایت کرده‌اند و آل‌بانی در صحیح جامع شماره ۵۶۵۵ آن را ذکر کرده است.

<sup>۴</sup> حاکم و بیهقی از ابن عمر این حدیث را روایت کرده‌اند و آل‌بانی در صحیح جامع شماره ۱۶۰۳ آن را ذکر کرده است.

نیز می فرماید: (حیاء از ایمان است و ایمان سبب ورود به جنت خواهد شد و سخن زشت و ناروا از روی ظلم و بدرفتاری صادر می شود و ظلم نیز عامل ورود به آتش خواهد بود).<sup>(۱)</sup>

پس از این حیاء را به اعمال روزانه، شیوه بندگی عملی و شناخت عظمت خالق یکتا مرتبط می سازد و می فرماید: (آن چنان که شایسته است از پروردگار خویش حیاء کنید چرا که هر کس به این شیوه از معبود بی همتا حیاء کند، ذهن و فکر خویش را از وسوسه های شیطانی حفظ نموده است و از شهوات و هوای نفس دوری جسته است و مرگ و عذاب قبر را یاد خواهد کرد و هر کس که خواهان آخرت است زینت زندگی دنیوی را رها می سازد. هر کس چنین کند آن چنان که شایسته است حق حیاء را ادا کرده است).<sup>(۲)</sup>

هدف از بیان این احادیث معرفی حیاء به عنوان یکی از اهداف مهم شریعت بود تا به این واسطه در زمره مهم ترین اصول کلی اخلاقیات در اسلام قرار گیرد. از دیدگاه اسلام زن و مرد ملزم به داشتن حیاء هستند و این مسئله یک ویژگی اخلاقی عام است گرچه وجود آن در زن بارزتر می باشد. از دیدگاه اسلام زن دارای ظرافت ها و زیبایی هایی است که در مردان دیده نمی شود و به همین دلیل بسیاری از اعمالی که خاص به زنان است به مردان تعلق نمی یابد و تمامی این موارد در جهت محقق ساختن وجود حیاء در نهاد زنان مسلمان می باشد. بنابراین تمامی قوانینی که مربوط به رفتارهای جسمی، حرکتی و یا صوتی است در همین راستا قرار می گیرد. یکی از این موارد پوشش ظاهری است که خالق یکتا در قرآن کریم بر زنان فرض گردانیده است و می فرماید:

(يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزُوجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلْبَابٍ ذَلِكُمْ أَذْنَىٰ أَنْ يُعْرِفْنَ فَلَا يُؤْذِينَ ۗ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا).<sup>(۳)</sup> ترجمه: ای پیامبر به همسران و دختران خود و به زنان مومن بگو که ردهای خود را جمع و جور بر خویش فرو افکنند تا اینکه باز شناخته شوند و در نتیجه مورد آزار و اذیت قرار نگیرند. خداوند پیوسته آمرزنده و مهربان است.

سنت نبوی نیز به تفصیل این مسئله پرداخته است.

<sup>۱</sup> ترمذی و حاکم و بیهقی از ابی هریره این حدیث را روایت کرده اند چنان که ابن ماجه و حاکم و بیهقی از ابی بکره روایت نموده اند و نیز طبرانی و بیهقی از عمران بن حصین روایت کرده اند. آلبانی آن را در صحیح جامع با شماره ۳۱۹۹ ذکر کرده است.  
<sup>۲</sup> احمد، ترمذی، حاکم و بیهقی از ابن مسعود این حدیث را روایت کرده اند و آلبانی آن را حسن می داند و در صحیح جامع با شماره ۹۳۵ این حدیث را ذکر کرده است.  
<sup>۳</sup> سورة الاحزاب، آیه: ۵۹

(هیچ زنی نیست که لباس خویش را در غیر از خانه خود بیرون آورد مگر اینکه به این واسطه برده میان خود و خدایش را در دیده است).<sup>(۱)</sup>

و نیز می‌فرماید: (هر زمان زنی در غیر از خانه خویش، خود را برهنه سازد پروردگار پوشش (ستر) وی را از او برخواهد گرفت).<sup>(۲)</sup>

حجاب در حرکت نیز شامل تمامی رفتارهایی است که آن ذات بی‌همتا بر زن واجب گردانیده است و یا او را از انجام این افعال برحذر داشته است. مواردی همچون استواری در گام برداشتن و نماز خواندن و پرهیز از با ناز و کرشمه راه رفتن در حضور نامحرم در این گروه جای دارند. پروردگار می‌فرماید: (وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ).<sup>(۳)</sup> ترجمه: و آن طور پای به زمین نزنند که خلخال و زیور پنهان پاهایشان معلوم شود.

و نیز به دلیل آشکار گشتن آنچه که نباید در رکوع و سجود، زن را از امامت مردان برحذر می‌دارد.

حجاب صوتی به آواز خوانی نغمه‌های صوتی خاص و با ناز سخن گفتن تعلق می‌گیرد و وابسته به خود صدا نیست و این چنین زنان از اذان دادن و قرائت قرآن در محضر مردان غیر محرم منع شده‌اند و به طبع از آوازه خوانی و نازک کردن صدا با هدف تأثیرگذاری بر مردانی غیر از همسر خود نیز منع گشته‌اند. تمامی این موارد از مقدمات زنا است و همه این معانی در این آیه از قرآن کریم جمع شده است:

(فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا).<sup>(۴)</sup> ترجمه: پس نازک و نرم (با مردان) سخن مگویید مبادا آن که دلش بیمار (هوا و هوس) است به طمع افتد (بلکه متین) و درست و نیکو سخن گوید.

همه این موارد می‌بایست در جهت حفظ حیای زنان مسلمان رعایت بشود و ایشان را از فتنه‌های اخلاقی که دروازه تمامی بدی‌ها است حفظ نماید، و این چنین حجاب در اسلام در تمامی افعال و اقوال و حتی در نماز شکلی از بندگی به خود می‌گیرد. به همین دلیل نیز پیامبرنماز زنان در خانه خویش را بهتر و برترمی‌داند حال این که مردان می‌بایست در مسجد نماز بگزارند و در

<sup>۱</sup> ابوداود و ترمذی از ام المومنین عایشه این حدیث را روایت کرده‌اند و آلبانی در صحیح جامع با شماره ۵۶۹۲ آن را ذکر کرده است.

<sup>۲</sup> احمد، طبرانی، حاکم و بیهقی از ام سلمه این حدیث را روایت کرده‌اند و آلبانی در صحیح جامع با شماره ۲۷۰۸ آن را ذکر کرده است.

<sup>۳</sup> سوره النور، آیه: ۳۱

<sup>۴</sup> سوره الاحزاب، آیه: ۳۲

این باره می فرماید: نمازگزاردن زنان در اتاق خویش از نماز ایشان در پذیرایی بهتر است و اگر در اتاقی که ویژه نگهداری اشیای گرانبها است نماز بگذارند برای ایشان بهتر از زمانی است که در اتاق خود باشند.<sup>(۱)</sup>

ایشان همچنان در حدیثی دیگر می فرمایند: اگر زنان در اتاق خویش نماز بخوانند بهتر از آن است که در پذیرایی خانه خود باشند و اگر در پذیرایی نماز بخوانند از نماز خواندن ایشان در ایوان بهتر خواهد بود و اگر در ایوان خانه خود نماز بخوانند بهتر از آن است که در مسجد نماز بگذارند.<sup>(۲)</sup>

از ام حمید همسر ابی حمید ساعدی روایت شده است ایشان نزد پیامبر آمد و گفت: ای رسول خدا دوست دارم با شما نماز بخوانم. ایشان پاسخ داد: می دانم که دوست دارید با من نماز بخوانید اما نمازگزاردن شما در اتاق خود بهتر از نماز خواندن در اتاق پذیرایی منزلتان خواهد بود و نماز در پذیرایی منزل از نماز در ایوان خانه بهتر است و نماز در ایوان خانه نیز بهتر از نمازی است که در مسجد قوم شما باشد و نماز در مسجد قوم خود بهتر از نمازگزاردن در مسجد من است. ام حمید اجابت کرد و مسجدی در نزدیکترین بخش به اتاق وی برای او ساخته شد، او در آن مسجد نماز می خواند تا آن زمان که مرگ را دریافت و به دیدار معبود خویش شتافت.<sup>(آ)</sup>

تمامی این پوشش ها در عادات و عبادات به جهت حفظ زیبایی حیا است، همان هدفی که سری از اسرار ظرافت های زنانه را تشکیل می دهد.

به واسطه همین نصوص و اهداف، انسان هوشیار با قیاس میان تعریف واقعی از زن مسلمان و وضعیت زنان کنونی میزان مخالفت با شریعت را درک می کند. بنگر چه اندازه از وضعیت زنان مسلمان امروزه که در اماکن عمومی و خیابان ها دیده می شود از تقلیدات و عادات یهودیان و نصاری گرفته شده است. این حقایق حتی بر جاهل ترین افراد پوشیده نیست. امروزه حتی بسیاری از زنانی که خود را متدین می دانند- به ویژه آنان که به تازگی ازدواج کرده اند- با نهایت عشوه گری و همراه با ناز و کرشمه دوشادوش همسران خویش از خانه خارج می شوند و گویی که ارتباط میان آن دو صرفاً یک عقد شرعی است تا در جهت عادی جلوه دادن بی مبالاتی اخلاقی

<sup>۱</sup> ابوداود از ابن مسعود و حاکم از ام سلمه این حدیث را روایت کرده اند. به حدیث شماره ۳۸۳۳ در صحیح جامع رجوع شود.  
<sup>۲</sup> بیهقی در کتاب سنن خود از ام المومنین عایشه این حدیث را روایت کرده است. به حدیث شماره ۵۰۳۹ از صحیح جامع رجوع شود.  
<sup>۳</sup> احمد و طبرانی این حدیث را روایت کرده اند و هیثمی در مجمع الزوائد می نویسد: و افرادی که در روایت احمد آمده اند افراد موثق هستند به غیر از عبدالله بن سوید انصاری و ابن حبان او را توثیق می کند و به همین دلیل ابن حجر در فتح الباری می نویسد: و اسناد روایت احمد حسن است.



عمل کند حال چه رسد به مردان و زنانی که از اصول آموزه‌های دینی خود به کلی فاصله گرفته‌اند.<sup>(۱)</sup>

#### مطلب چهارم: انجام عمل که سازگار با حالت زن مسلمان باشد

لازم است کار خارج از منزل خانم‌ها با سرشت و طبیعت زن بودن آنها متناسب باشد. برای مثال کارهایی مانند بنایی، جوشکاری، آهنگری، کار در معادن، رانندگی ماشین‌های سنگین راهسازی و مسافری، جارو کردن کوچه و خیابان، حمالی، مهندسی صنایع سنگین، مهندسی کشاورزی و ...، برای آنان مناسب نیست؛ زیرا این‌گونه کارها به روحیاتی خاص، توانایی جسمی و شرایط ویژه مردان نیازمند است.

همچنان که گفته شد: از نظر شرعی پرداختن زنان به کارهای تجاری، کشاورزی، اداری و آموزشی هیچ مانعی ندارد و در هر یک از آن اعمال آنچه بر خانم‌ها واجب است مراعات اصول و موازین شرعی در آن کارها و حفظ اصول و ارزش‌های اخلاقی و پاسداری از حرمت و کرامت خود و خانواده است.

آیا برای داکتر زن جایز است که بیرون از خانه اش کلینک و یا دواخانه ای را باز کند؟ در صفحات پیشین گفته شد که، زن می تواند بیرون از خانه کار کند و دلایل جواز آن نیز بیان شد. حال سؤال این است که آیا پزشک زن می تواند دوا خانه یا کلینکی صحی را باز کند تا زنان بیمار برای معاینه و درمان به نزد او بروند؟

پاسخ، مثبت است زیرا این کار قیاس به کار رفیده‌ی انصاری که با آگاهی پیامبر(صلی الله علیه وسلم) انجام می‌داد جایز است. و می توان گفت برای زن مسلمان بازگشایی مطب برای درمان زنان و کودکان جایز است و این کار او فرض کفایی است. زیرا این کار مراجعه به پزشک زن آسان می‌شود و از همه مهم‌تر ضرورت کشف عورت نیز از میان خواهد رفت.

اما جواز گشودن مطب برای ویزیت بیرون از منزل مشروط بر این که این کار بر انجام وظایف منزل، شوهرداری و تربیت فرزندانش تأثیر منفی نگذارد و شوهر اجازه‌ای این کار را به او بدهد. زیرا مسایل یاد شده جزو واجبات عینی اوست و درمان زنان بیمار از واجبات کفایی است و واجب عینی مقدم بر واجب کفایی است.

آیا اشتغال زن به کارهایی که در آن تخصص دارد، بیرون از خانه جایز است؟

<sup>۱</sup> ابوشقة، تحریر المرأة، ج ۱، ص ۲۹۶-۳۰۰

حال این سؤال مطرح می‌شود که اگر زن شغل معینی داشت که زنان دیگر به خوبی او از انجام آن بر نمی‌آمدند، آیا می‌تواند آن را بیرون از خانه انجام دهد؟

اگر شوهر داشته باشد و شوهرش به او اجازه بدهد یا اگر شوهر نداشته باشد و ولی شرعی و قانونی‌اش به او اجازه بدهد و نیز سببی توجیه کننده برای انجام حرفه‌اش بیرون از خانه داشته باشد پاسخ این سؤال مثبت است. برای نمونه اگر نیاز و مصلحتی شدید برای انجام کارش وجود داشته باشد یا برای گذران زندگی خود و فرزندانش ناچار باشد بیرون از خانه کار کند جایز است.

زیرا در زمان پیامبر (صلی الله علیه وسلم)، زنان ختنه کننده کارشان را بیرون از خانه، یعنی در خانه زن زائو یا خانه ای که دخترانشان را ختنه می‌کردند، انجام می‌دادند و هیچ انکار و اختلافی هم در این باره وجود ندارد. در شرح حال خدیجه (رضی الله تعالی عنها)، همسر رسول خدا (صلی الله علیه وسلم) آمده است که مامای او، سلما، کنیز صفیه (رضی الله تعالی عنه) بود و در شرح حال ابراهیم، پسر پیامبر (صلی الله علیه وسلم) آمده است: مامای او سلما، کنیز پیامبر (صلی الله علیه وسلم)، زن ابورافع بود و ابورافع تولد ابراهیم را به پیامبر و به ام عطیه که دختران را ختنه می‌نمود - گفت: «أشمی» (به اندازه کوتاه کن) و «لاتنهکی» (در بریدن زیاده روی نکن) «فإنه أسرى للوجه وأحظى عند الزوج» (زیرا این کار باعث زیبایی چهره می‌شود و برای شوهر خوش آیند تر است).<sup>(۱)</sup>

دلیل جواز این کارها قیاس به کار رفیده‌ی انصاری و پرداختنش به درمان زخمی‌ها - که ظاهراً در این کار مهارت داشت - در چادرش در مسجد است، زیرا این کار هم برای او، و هم برای زخمی‌ها راحت تر و در دسترس تر بود. کار رفیده با آگاهی و اطلاع پیامبر انجام می‌گرفت و پیامبر آشکارا اجازه داد تا سعد بن معاذ را به چادر او برای درمان ببرند و این بر جواز پرداختن زن به حرفه ای بیرون از خانه اشاره می‌کند.<sup>(۲)</sup>

۳: سوم: جلوه مادر بودن

مادر بودن در اسلام مفهومی خاص است و دیگر مفاهیم نیز چون خانواده، پدر، فرزند، عمو، دایی و... این چنین هستند و آن کس که گمان می‌کند ذکر چنین مفاهیمی در قرآن و سنت صرفاً از دیدگاه بیولوژی تناسلی است به خطا رفته است. درحقیقت تمامی این اصطلاحات یک سری مفاهیم تعبیدی هستند.

<sup>۱</sup> - التراتیب الاداریة، شیخ عبدالحی الکتانی، ج ۲، ص ۱۱۸.  
<sup>۲</sup> زیدان، حقوق و تکالیف زن در اسلام، ص ۱۸۲-۱۸۳.

هر دو مفهوم پدر و مادر بودن مفاهیمی بیولوژی می‌باشند که دلالت بر جنسیت دارد. جنسیتی که میان انسان و سایر چهارپایان و حیوانات اهلی و وحشی مشترک است! در واقع مفاهیم موجود در خانواده از دیدگاه اسلامی برجسته‌ای از مفهوم رحم دلالت دارند. رحم نیز اصطلاحی قرآنی و اصیل، مشتق شده از واژه رحمت است که بر مفهومی مقدس در اسلام دلالت می‌کند.

این مفهوم مقدس نوعی رابطه‌ی تبعیدی است که بر مبنای تمایلات جنسی مبتنی بر اصول شرعی مردم را به هم مرتبط می‌سازد و هیچ اصل و فرعی در آن داخل نمی‌شود مگر اینکه حاصلی از یک عقد شرعی کامل باشد. به همین دلیل شخصی که از طریق روابط نامشروع صاحب فرزند شده است پدر محسوب نخواهد شد و نیز از همین روی جایز نیست فرزند چنین شخصی به لحاظ ارث و نسب به پدر نسبت داده شود چرا که پدر در اسلام کسی است که به طریق شرعی صاحب فرزند شده باشد.

در واقع معبود یکتا، رحم را عامل به هم پیوند دادن اعضای خانواده در اسلام و نوعی مفهوم بندگی می‌داند. بنابراین کنار نهادن آن به واسطه‌ی تغییر و جایگزینی و یا عدم ارتباط با هم، به هیچ وجه جایز نیست. بلکه رحم و مروت همچون سایر اعمال تبعیدی موجب تقرب به پروردگار خواهد بود و جایگاه این عمل عبادی در قرآن به تقوا پیوند خورده است چنان که می‌فرماید:

(يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَوَحْدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا).<sup>(۱)</sup> ترجمه: ای مردم، بترسید از پروردگار خود، آن خدایی که همه شما را از یک تن بیافرید و هم از آن، جفت او را خلق کرد و از آن دو تن خلقی بسیار در اطراف عالم از مرد و زن پراکند و بترسید از آن خدایی که به نام او از یکدیگر مسئلت و درخواست می‌کنید و درباره ارحام کوتاهی نکنید، که خدا مراقب اعمال شماست.

پیامبر (صلی الله علیه وسلم) نیز در حدیثی قدسی روایت می‌کند: «قال الله تبارک وتعالی: أنا الرحمن، خلقت الرحم، شققته لها اسماً من اسمی، فمن وصلها وصلته ومن قطعها بتهه».<sup>(۲)</sup> من رحم را آفریدم و اسمی از اسمی خود را برای آن برگزفتم. پس هر کس آن را وصل کند وی را متصل به (خویش) می‌کنم و هر کس آن را قطع گرداند (رابطه وی را با خود) قطع می‌کنم و هر کس آن را از ریشه جدا سازد و دور افکند به کلی وی را طرد خواهم کرد.

<sup>۱</sup> سورة النساء، آیه: ۱

<sup>۲</sup> الالبانی، ناصر الدین، صحیح موارد الظمان إلى زوائد ابن حبان، ج ۲، ص ۲۸۲ رقم الحدیث: ۱۷۰۶ المكتبة الشاملة

واژه "شجنه" در حدیث مذکور به معنای بخشی از شبکه‌ای به هم پیوسته همچون شبکه عروق و یا انشابات شاخه‌های یک درخت است. در صحیح مسلم روایت شده است که پیامبر در این باره فرمود: « قال الرحم متعلقة بالعرش تقول من وصلني وصله الله ومن قطعني قطعه الله ».<sup>۱</sup> رحم معلق به عرش است و چنین می‌گوید: هر کس مرا وصل کند خداوند وی را به خود متصل خواهد کرد و هر کس مرا قطع گرداند خداوند او را از خود خواهد گسست.

پس مفهوم رحم فراتر از تکه ای گوشت درجسم زن برای حمل جنین است و در واقع دلالت بر ارتباطی تبعدی میان افراد خانواده دارد. همین مسئله جدای از تمامی اشکال نابودی فرهنگی که مسلمانان در هر مکان و زمان به آن دچار هستند راز قوت و پایداری بنای خانواده در فرهنگ اسلامی و در طول تاریخ بوده است.

رحم به لحاظ ساختار بیولوژی غشایی جنینی است و از نظر لغوی به واژه رحمت باز می‌گردد. مادر با حمل فرزند خویش این معنی را درک می‌کند و همین امر موجب لطف و محبت وی خواهد بود. واژه "رحمه" برگرفته از صفات رحمان و رحیم است. صفات خداوند بلند مرتبه ای که مخلوقات را آن گونه که خواهد می‌آفریند.

روی نهادن تدریجی زنان در جوامع عربی به سوی نابودی بنیان خانواده از طریق گرایش به مدل‌های غربی ارائه می‌دهد، او می‌نویسد: (جامعه غربی که صهیونیسم) آن را حمایت می‌کند تلاش در جهت تفکیک جامعه عربی و اسلامی به لحاظ سیاسی و فرهنگی دارد و تمامی تلاش خود را متوجه زنان جامعه ما ساخته است.

جامعه غربی در تقابل نظامی با کشورهای جهان سوم به این نتیجه رسیده است که این شیوه تقابل شیوه ای طاقت فرسا و زمان بر خواهد بود. بنابراین تفکیک تنها راهکار موثر می‌باشد. جامعه غربی به این نتیجه رسیده است که پیروزی کشورهای جهان سوم به مقاومت و تمسک آنان به اصول دینی و اخلاقی والا باز می‌گردد که عامل شکل گیری بنیان خانواده‌ای پایدار در جامعه می‌شود. غرب قادر نخواهد بود به سیستم ارزش‌ها، هنجارها، خصوصیات قومی اجتماعی، پیشینه تاریخی و عوامل حفظ هویت و فرهنگ آنان دسترسی پیدا کند و آن را تغییر دهد. بنابراین خانواده را نشانه می‌رود که اصل اساسی اجتماع است و مادر نیز مهم ترین رکن بنیان خانواده می‌باشد. به همین دلیل نظام جهانی جدید تمام تمرکز خود را معطوف به زنان کرده است. در واقع خطایی

<sup>۱</sup> الفیومی، حسن بن علی، فتح القریب، المجیب علی الترغیب والترهیب، ج ۱، ص ۵۲۵، رقم الحدیث: ۳۸۰۵، اخرجه البخاری (۵۹۸۹) و مسلم (۲۵۵۵). المکتبۃ الشامله

که امروزه ویژه زنان است خطابی تفکیکی است و هدف آن نیز ایجاد نگرانی، تشویش و عدم اعتماد به نفس در زنان از طریق تشویق به تحقق یافتن هویت ایشان در خارج از حصار خانواده است. بنابراین با گسستن زن از خانواده، محور این بنیان نیز از بین خواهد رفت و همراه با آن مهم ترین دژ بر علیه نفوذ و سلطه استعمار غربی از میان می‌رود.<sup>(۱)</sup>

از همین روی پروردگار می‌فرماید: (وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهَنَا عَلَى وَهْنٍ وَفِصْلُهُ فِي عَامَيْنِ أَنْ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ).<sup>(۲)</sup>

ترجمه: وما به هر انسانی سفارش کردیم که در حق پدر و ما در خود نیکی کن به خصوص مادر که چون بار حمل فرزند برداشته و تا مدت دو سال که طفل را از شیر باز گرفته هر روز بر رنج و ناتوانیش افزوده است، (و فرمودیم که) شکر من و شکر پدر و مادرت بجای آور، که بازگشت به سوی من خواهد بود.

پروردگار انسان را به احسان نسبت به پدر و مادر توصیه می‌کند اما مادر را با ذکر وظایف بیولوژی و نفسی و تربیتی او خاص می‌گرداند و به این ترتیب زن از مرد متمایز می‌گردد.

ابوهریره نیز در روایتی از پیامبر می‌فرماید: «عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَنْ أَحَقُّ النَّاسِ بِحُسْنِ صَحَابَتِي؟ قَالَ: «أُمُّكَ». قَالَ: ثُمَّ مَنْ؟ قَالَ: «ثُمَّ أُمُّكَ». قَالَ: ثُمَّ مَنْ؟ قَالَ: «ثُمَّ أَبُوكَ»<sup>۳</sup> (متفق عليه). مردی نزد ایشان آمد و پرسید: ای پیامبر چه کسی شایسته است که با او بهتر رفتار شود؟ ایشان فرمود: مادرت و آن مرد دوباره پرسید: پس از او؟ پیامبر پاسخ داد: مادرت و بار دیگر تکرار کرد: پس از او؟ ایشان فرمود: مادرت، آنگاه پرسید: پس از او؟ پیامبر (صلی الله علیه وسلم) پاسخ داد پدرت.<sup>(۴)</sup> بنابراین مادر بودن در اسلام زیبایی‌های خاص به خود را دارد که بر معیارهای تربیتی ویژه تحقق می‌یابد تا بستر اجتماع از محبت و لطافت لبریز شود، نوعی تعادل روانشناسی در روابط بین نسل‌ها را به دنبال داشته باشد و عامل تقویت بافت اجتماعی امت گردد.<sup>(۵)</sup>

<sup>۱</sup> دکتر عبدالوهاب المیسری: ما بین حركة تحرير المرأة و حركة التمرکز حول الانثی: رویة معرفية، چاپ شده در مجله منعطف مغرب، ص ۹۳، شماره ۱۵-۱۶ / سال ۲۰۰۰.

<sup>۲</sup> سورة لقمان، آیه: ۱۴

<sup>۳</sup> صحیح مسلم، ج ۸، ص ۲، رقم الحدیث: ۲۵۳۸، متفق علیه، وایضا اخرجه ابن ماجه واحمد

<sup>۴</sup> متفق علیه.

<sup>۵</sup> الانصاری، فرید، (۱۴۴۰) سیمای صورت و سیرت زن در اسلام، صص ۱۵۲-۱۵۶ مترجم: زهرا صالحی. اخلاق اسلامی - اخلاق اجتماعی، نشر دیجتالی کتابخانه القلم

## مطلب پنجم: زنان و آموزش علوم دنیوی - صحت

وجود زنان متخصص در جامعه اسلامی در شاخه‌های مختلف پزشکی که زنان به آن نیازمندند تا از رفتن نزد پزشک مرد برای معاینه بی نیاز شوند از فروض کفایی است و از شاخه‌های علم پزشکی زنان و زایمان، عمل جراحی - به ویژه جراحی‌هایی که زنان در زایمان اضطراری به آن نیازمندند - روانکاو، آزمایش خون، رادیولوژی، عکس‌برداری و تزریق آمپول می‌باشد. بنابراین فراهم نمودن وسایل لازم برای آموزش زنانی که مشتاق یادگیری علوم پزشکی هستند و ایجاد مؤسساتی که کار چنین آموزشی را برای زن به عهده بگیرند - بنابر قوانین معینی که گفته شد - و نیز بایسته‌های دانش پزشکی، مانند اصول پرستاری، زنان، پانسمان زخم، نحوه استفاده از وسایل جلوگیری از تولید مثل و هر آنچه در حوزه علم پزشکی به شمار می‌آید، واجب است.

یادگیری و آموزش آنچه زنان با آن بتوانند روزی حلال به دست بیاورند جایز و مستحب است؛ زیرا زن از انجام کار حلال با کیفیت مشروع ممنوع نشده است و فقها نیز به آن تصریح نموده‌اند. امام ابن عابدین، فقیه مشهور حنفی در حاشیه کتاب «ردالمحتار علی الدر المختار» نوشته است: «بر پدر لازم است که دخترش را نزد زنی ببرد تا شغلی مانند گلدوزی و خیاطی به او بیاموزد.»<sup>(۱)</sup> با قیاس بر این سخن می‌توان گفت که آموزش بافندگی، علوم دارویی - برای اینکه داروساز شود، آموزش اصول و روش تربیت کودک - تا در مهد کودک به کار بپردازد - و نیز آموزش روش‌های گوناگون آشپزی برای زن، مجاز است.<sup>(۲)</sup>

<sup>۱</sup> - ردالمحتار علی الدر المختار، ج ۲، ص ۶۱۲.  
<sup>۲</sup> حقوق و تکالیف زنان، صص ۱۵۸-۱۵۹.

## فصل سوم

ضوابط کار و فعالیت زنان در حوزه صحت

(این فصل دارای سه مبحث می باشد)

مبحث اول: ضوابط شرعی فعالیت زنان در حوزه صحت

مبحث دوم: ضوابط اجتماعی کار و فعالیت زنان در حوزه صحت

مبحث سوم: ضوابط که عدم رعایت آن موجب مسئولیت جرمی طبیعی، در حوزه

صحت می شود

## مبحث اول: ضوابط شرعی کار زنان در حوزه صحی

توجیحات شرعی که کرامت زن را در اجتماع حفظ می کند رعایت و تطبیق احکام شریعت اسلام، در تعامل آن با شوهر، پسران، همسایه ها، دوستان و همه افرای است که در جامعه با آنها تعامل دارد

کرامت و شخصیت زن را می توان با پیروی از موارد ذیل حفظ کرد:

ماندن در خانه و عدم خروج آن، مگر در حالات ضرورت؛ زیرا شریعت اسلام زن را مکفول قرار داده و نفقه اش را بر بالای ولی اش لازم گردانیده است، برابر است که ولی وی پدرش باشد و یا هم شوهرش و یا شخص دیگری، زن می تواند در خانه اش برای اهل خانواده اش خدمت نماید، چون کار های زیادی وجود دارد که می توان در خانه آن را انجام داد، بخصوص بعد از انتشار وسائل عصر جدید و اینترنت که مردم حتی می توانند خرید و فروش کنند در حالی که در خانه خود نشسته باشند. هرگاه زنی از خانه اش به قصد درس و یا کار بیرون می شود برایش لازم است که حجاب شرعی را رعایت نموده و به مانند جاهلیت (تبرج) نکند. این تبرج می تواند در لباس و یا هم در رفتار صورت بگیرد.

### مطلب اول: التزام به حجاب شرعی

در این مبحث یکی از ضوابط شرعی کار زنان رعایت حجاب شناخته شده است و اینکه هدف از حجاب چه است، در این مطلب بیان خواهد گردید: کلمه (حجاب از گرفته شده) و حجب در لغت عرب، به منع دلالت می کند.<sup>۱</sup> و این را ستر نیز گفته شده است چرا که این حجاب است و از مانع مشاهده و دیدن است. و اصل در حجاب چیزی را گفته می شود که بین دوجسد حائل باشد.

اما کلمه حجاب در شریعت، به لباسی اطلاق می شود که زن مسلمان به پوشاندن آن از طرف شارع، امر گردیده است. مقصود از حجاب همان ستر شرعی است.<sup>(۲)</sup>

لباس و پوشش منظم و شرعی زنان که بتواند تمام بدن ایشان را بپوشاند و اعضای بدن اش ظاهر نشود، از جمله الزامات شرعی در کار زنان بیرون از منزل می باشد، چنانچه در این مورد الله

<sup>۱</sup> المصباح المنیر، ج ۱، ص ۱۲۱  
<sup>۲</sup> الفقه الاسلامی وادلتہ، ج ۷ ص ۳۳۶.



تبارک و تعالی می فرماید: **يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا**.<sup>(۱)</sup> ترجمه: ای پیامبر! به همسرانت بگ: چادرهای خود را بر خویش برافکنند، (وبا آن سر و صورت و سینه های شان را بپوشانند) این مناسب تر است تا شناخته شوند، پس مورد آزار قرار نگیرند، و خداوند آمرزنده ای مهربان است. در تفسیر این آیه آمده است که خداوند متعال رسول مقبول خود حضرت محمد (صلی الله علیه وسلم) را که به تمام ازواج مطهرات خود و همچنان به دخترانش و سائر زنان مؤمن و مسلمان امر کند تا هرگاه جهت ضرورت و مصلحتی به بیرون از خانه های شان رفتند، جلابیب و چادر های خود را منظم بپوشانند، چون زن از نظر اکثر فقها و اهل علم، بجز روی و دو کف دست اش، تمام اعضا ی دیگرش عورت است.

### نحوه پوشیدن حجاب

هرگاه زنی جهت کار و عمل و یا غیر آن، از خانه بیرون شود، فقهای کرام به فرضیت حجاب، برای صیانت و نگهداری آنان اتفاق کرده اند؛ اما در مورد کیفیت آن اختلاف کرده اند، سبب اختلاف در موضوع حجاب، در مسئله حدود عورت است که این موضوع را با نظریات علماء و دلائل شان بیان خواهیم کرد.

نظریات مذاهب در مورد مسئله حجاب و حدود عورت زن قرار ذیل است: ائمه مجتهد در این مسئله مختلف فیه به دونظر اند: نظر اول این است که تمام بدن زن عورت است و ستر کردن آن نیز واجب بوده و کشف کردن هر قسمت آن حرام است مگر اینکه حاجت و ضرورت آن را تقاضا کند، این نظر راجح مذهب حنابله است.<sup>(۲)</sup> نظر دوم این است که بدون روی و کف دست تمام بدن زن عورت است و کشف ظاهر ساختن آن نیز جایز است، اگر با کشف آن فتنه به وجود نه آید، اما در صورت که اظهار آن باعث فتنه گردد، در آن صورت حرام است، این نظریه فقهای حنفی، شافعی، مالکی، و همچنان یک روایتی از امام احمد است.<sup>(۳)</sup>

### مطلب دوم: هنگام بیرون شدن از خانه و رفتن بسوی کار، زن از اولیای خود اجازه بگیرد

فقها کار کردن زنان در بیرون از خانه را جایز دانسته و گاهی بنا بر ضرورت های اجتماعی و شرعی کار کردن زن در بعضی محلات، مثل شفاخانه، از جمله فروض کفایی محسوب می شود، امام زنان بخاطر رفتن بیرون از خانه و کار کردن، به اجازه ولی اش نیاز دارد، یعنی اگر

<sup>۱</sup> سورة الاحزاب، آیه: ۵۹

<sup>۲</sup> المغنی، ج ۶، ص ۵۵۹

<sup>۳</sup> حاشیه رد المختار، ج ۱، ص ۴۰۷.

ولی اش زوجه اش باشد، اخذ اجازه آن، به اتفاق فقهای حنفی، مالکی، شافعی و حنبلی لازمی است، چون آیت صریح قرآنی است که خداوند متعال می فرماید: **{الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ}**.<sup>(۱)</sup> ترجمه: مردان بر زنان سرپرست و نگهبانند. این آیه حق قوامت و سرپرستی زنا توسط مردان را ثابت می کند، و از الزامات قوامت و سرپرستی این است که فرد هنگام بیرون شدن به سمت کار از سرپرست خود اجازه بگیرد. الله متعال در ادامه همین آیه می فرماید: **{فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ}**.<sup>(۲)</sup> ترجمه: پس زنان صالح فرمان بردارند و به پاس آنچه خدا (برای آنان) حفظ کرده، (اسرار و حقوق شوهران خود) را در غیبت (انان) حفظ می کنند. و زنانی را که از نا فرمانی آنها بیم دارید، پند و اندرز شان دهید. این آیه به وجوب اطاعت زوجه از زوج و دوری از سرکشی دلالت می کند چه این سرکشی از طریق قول باشد و یا فعل و بیرون شدن زن از خانه به سمت محل کار، نشوز و سرکشی محسوب می شود. در این مورد از عبدالله ابن عمر (رضی الله تعالی عنهما) روایت که پیامبر (صلی الله علیه وسلم) فرمودند: «إِذَا اسْتَأْذَنْتِ أَحَدَكُمْ امْرَأَتَهُ إِلَى الْمَسْجِدِ فَلَا يَمْنَعُهَا».<sup>(۳)</sup> هرگاه زن یکی از شما طلب اجازه برای رفتن به مسجد کرد مانع آن نشوید.

وجه دلالت حدیث این است که حتی زن هنگام رفتن به نماز و عبادت نیز باید از شوهر خود اجازه بگیرد پس هنگام رفتن به سمت کار اخذ اجازه به طریق اولی لازم است.<sup>(۴)</sup>

### مطلب سوم: تداوی با اشیای حلال، و کار صحی در چارچوب شریعت اسلامی.

هر آنچه را که شریعت اسلام خوردن، نوشیدن، و پوشیدن آن را حرام قرار داده باشد به هر نحوی استعمال آن برای تداوی نا درست است. اشیای که شرعا حرام قرار گرفته اند درست نیست که به عنوان ادویه استعمال آن را در تداوی و معالجه مباح قرار دهیم. فقهای کرام در مورد مسئله تداوی با اشیای حرام نظریات خود را بیان کرده وعده ای از علماء، تداوی با اشیای حرام را منع کرده و گفته اند که اشیای که در شریعت حرام هستند، به اساس شریعت درست نیست که به عنوان ادویه یا دارو در معالجه امراض استفاده شوند. قول مختار و برتر این است که هرگاه به داروی حلال برای معالجه ضرورت شود و داروی حلال پیدا نشود که بدیل شی حرام استفاده شود، در این

<sup>۱</sup> سورة النساء، آیه: ۳۴

<sup>۲</sup> سورة النساء، آیه: ۳۴

<sup>۳</sup> صحیح البخاری، ج ۱، ص ۲۳۷

<sup>۴</sup> عمل المرأة فی الفقه الاسلامی، ص ۱۰۹

صورت استفاده شی حرام نیز درست است. این قول امام ابو حنیفه وعده کثیری از علماء اهل سنت می باشد. (۱)

### مطلب چهارم: عدم نرمی و ملایمت با بیگانه ها

زنان طبیبه در هنگام وظیفه نباید با مردان بی گانه و یا همکاران شان بدون ضرورت حرف بزنند و خوش صحبتی نمایند، مگر اینکه ضرورت های صحی و طبی ضروری تقاضا نماید، در صورتی که بنابر ضرورت با مردان هم کلام شد، شرط است که کلامش کوتاه و مفید بوده و دور از علائم و حرکات فتنه انگیز باشد. در صورت که هم نشینی و خنده و شوخی به قصد برادر و خواهری باشد، باز هم در شریعت اسلام این موارد جای ندارد و منجر به فتنه می شود. (۲) خداوند متعال می فرماید: {يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِّنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيْطَمَعُ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ}. (۳) ترجمه: ای زنان پیامبر! شما هیچ یک از زنان (عادی دیگر) نیستید، اگر پرهیز گاری کنید؛ پس در سخن گفتن نرمی نکنید که آنگاه کسی که در دلش بیماری است؛ طمع کند. و ازام عطیه (رضی الله تعالی عنها) روایت است که گفت: «بایعنا رسول الله صلی الله علیه وسلم فقرأ علينا أن " لا یشرکن بالله شیئاً" ونهانا عن النیاحة فقبضت امرأة من یدها وقالت: فلانة اسعدتني وأنا أريد أن اجزيها، فلم يقل شيئاً فذهبت ثم رجعت». (۴) با پیامبر (صلی الله علیه وسلم) بیعت کردیم سپس برای ما قرأت کرد «با خداوند هیچ چیزی را شریک قرار ندهید» و ما را از گریه و زاری نهی کرد. یک زن از دست اش گرفت و گفت: فلانی بامن همکاری کرده و من میخوام پاداش اش را بدهم پس هیچ چیز نگفت سپس رفت و بعد از آن برگشت.

### مطلب پنجم: کار زن در حوزه صحی مخالف مسئولیت های خانه اش نباشد

برای زن ضرور است که عمل و کاری را انتخاب نماید که ادامه آن در بیرون از خانه مانع انجام واجبات لازم که در اطاعة شوهرش لازم است نشود، زن بتواند واجبات خانه داری و تربیة اولاد را نیز انجام دهد، برای زن جایز نیست که مشغول به کاری شود ساعت های طولانی را در بر گرفته و موجب ضیاع واجبات شود که انجام آن برای شوهر و یا اولاد هایش لازمی

<sup>۱</sup> مرجه سابق. ص ۱۱۱

<sup>۲</sup> ضوابط الشرعية للعمل المرأة في المجال صحی، ص ۱۴

<sup>۳</sup> سورة الاحزاب، آية: ۳۲

<sup>۴</sup> صحیح البخاری، ج ۴، ص ۱۸۱۰

است. (۱) چنانچه ابن عمر (رضی الله تعالی عنه) از رسول الله (صلی الله علیه وسلم) چنین روایت می کند: «وَالْمَرْأَةُ رَاعِيَةٌ عَلَى بَيْتِ زَوْجِهَا وَمَسْئُولَةٌ عَنْهُ» (۲) و زن نیز در خانه شوهرش نگهبان است و در برابر افراد زیر دستش مسؤول است.

### مطلب ششم: حیا و خضوع در برابر نامحرمان

از جمله امور که زن هنگام کار کردن در (اماکن صحی) و دیگر محلات کاری باید رعایت نماید، دوری کردن از تزیینات حرام، رفتار فتنه انگیز و حفظ حیا می باشد. چنانچه الله تبارک و تعالی می فرماید: {وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهُ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ} (۳) ترجمه: و به زنان مومن بگو چشم های خود را از نگاه به حرام فروگیرند، و شرم گاه شان را حفظ کنند، و زینت خود را آشکار نکنند؛ جز آنچه از آنکه (طبعاً خودش) نمایان است، و باید اطراف مقنعه های خود را بر گریبان های شان بیفکنند (تا گردن و سینه با آن پوشیده گردد) و زینت خود را آکار نسازند؛ مگر برای شوهران شان، یا پدران شا، یا پدر شوهران شان، یا پسران شان یا پسران شوهران شان، یا برادران شان یا پسران برادران شان، یا پسران خواهران شان یا زنان که هم کیش شان یا برده گان شان یا مردان سفیه خدمت کاری که رغبتی به زنان ندارند، یا کودکانی که بر شرم گاه زنان آگاهی نیافته اند، و زنان نباید هنگام راه رفتن پاهای خود را به زمین بکوبند تا آنچه از زینت شان را که پنهان کرده اند دانسته شود. ای مومنان! همگی بسوی خدا توبه کنید تا رستگار شوید.

پس ظاهر ساختن زینت و زیبایی بدن و اندام، از طریق پوشیدن لباس تنگ و نازک که اعضای بدن را جلوه دهد، بیرون رفتن زن و استفاده کردن عطر های خوشبو. اینها از جمله امورات است که دین اسلام آن را برای زنان مسلمان نهی کرده است، چنان از ابی موسی روایت است که پیامبر اسلام (صلی الله علیه وسلم) فرمودند: «كُلُّ عَيْنٍ زَانِيَةٌ، وَالْمَرْأَةُ إِذَا اسْتَعْطَرَتْ فَمَرَّتْ

<sup>۱</sup> عمل المرأة، ص ۱۸۵

<sup>۲</sup> مسند احمد، ج ۱۰، ص ۱۴۰. رقم الحديث: ۵۹۰۲. حديث صحيح. مؤمل- وهو ابن إسماعيل، وإن يكن سييء الحفظ قد توبع، وقواه يحيى بن معين في سفیان- وهو الثوري-، وبقية رجاله ثقات رجال الشيخين.

وأخرجه أبو عوانة ۴/۴۲۱، والقضاعي في "مسند الشهاب" (۲۰۹) من طريق مؤمل بن إسماعيل، بهذا الإسناد. وتحرف في مطبوع القضاعي مؤمل، إلى: محمد، واقتصر فيه على أوله.

<sup>۳</sup> سورة النور آية: ۳۱

بالمجلس فهی کذا وكذا یعنی زانیة»<sup>(۱)</sup> هر زن جلوه گر و عیان کننده زانی است، و زن وقتی که خود را معطر نماید و سپس به مجلسی عبور کند پس آن چنین وچنان است یعنی زانیه است.

برای زن درست نیست که در کاری اشتراک نماید که سبب خلوة و اختلاط اش با مردان بیگانه شود، چنانچه این عمل توسط حدیث پیامبر (صلی الله علیه وسلم) نهی گردیده و تحریم شده است. وهدف از این گفته ها اجتماع عادی زنان و مردان در مکان کاری واحد مثل (شفاخانه ها) نیست چرا که شفاخانه ها مکان عمومی و محل گشت وگذار بسیاری از مردم شهرمی باشد و مردم از حال هر مرد و زن که کار مند محلات عمومی باشد باخبراند، ولی خلوة ممنوعه که در اینجا مقصود است، به آن خلوتی گفته می شود که مرد و زن کارمند در امن از دید مردم بوده و مردم نتوانند از حال ایشان اطلاع پید اکنند.<sup>(۲)</sup>

پس در صورت که محل اجتماع زن و مرد از فتنه در امان باشد هیچ مشکلی ندارد. در این مورد بخاری در صحیح خود از انس ابن مالک روایت کرده که ایشان فرمودند: یک زن انصاری نزد پیامبر (صلی الله علیه وسلم) آمد و با ایشان تنها شد: سپس گفت: «**والله أنکن لأحب الناس إلیّ**»<sup>۳</sup>. بخدا قسم تو دست داشتنی ترین مردم نزد من هستی. ابن حجر در شرح این حدیث می فرماید: این خلوة جهت آن نبود که از چشم مردم پنهان باشند، بلکه برای آن بوده که حرف های ایشان را کسی نشنود، چون آن هنگام خوف شنیدن چیزی را داشته است مثل اینکه چیزی بوده که بین مردم از گفتن آن شرم می کرده است.<sup>(۴)</sup>

## مبحث دوم: ضوابط اجتماعی کار زنان در حوزه صحی

### مطلب اول: بدون کدام ضرورت فاصله میان زنان و مردان بیگانه رعایت شود

یکی از ضوابط شرعی، اخلاقی و اجتماعی این است که زنان هنگام بیرون شدن از خانه و رفتن شان به سمت وظیفه و کار شان، این است که رفتار ایشان در اجتماع و درمیان مردم مخالف امر الله و رسول او، و ارزش های جامعه اسلامی نباشد، چون وقتی زن از خانه بیرون می شود و به سمت کار می رود نباید جلوه نمایی و تبرج کند؛ زیرا این موارد حرام و مخالف شریعت اسلام،

<sup>۱</sup> ترمذی، کتاب: ادب، ج ۵، ص ۱۰۶

<sup>۲</sup> مصطفی البغا، عمل المرأة، ص ۱۵۶

<sup>۳</sup> صحیح البخاری، ج ۵، ص ۲۰۰

<sup>۴</sup> ابن حجر، فتح الباری، ج ۹، ص ۳۳۳

ضوابط اخلاقی و اجتماعی کار زنان است. و همچنان از استعمال انواع خوشبویی های که مردان را جذب نماید پرهیز کند.<sup>(۱)</sup>

حسن بصری می فرماید: (اجتماع مردان و زنان بدعت است).<sup>(۲)</sup> امام غزالی بخاطر منع اختلاط در مجالس ذکر، فرمودند: لازم است بین زنان و مردان هنگام جلسات دعا و ذکر پرده زده شود تا مانع نظر کردن به همدیگر شود. چرا که بدون حایل و پرده گمان فساد می رود و عادات به این منکرات شاهی می دهند.<sup>(۳)</sup>

### مطلب دوم: رفتار نیک همراه با همکاران صحی

روابط اجتماعی دارای اثرات بزرگ و شریف بوده و حسن اخلاق در اجتماع از صفات پیامبر (صلی الله علیه وسلم) می باشد و اخلاق پیامبر (صلی الله علیه وسلم) اهمیت بزرگی در تقویة روابط مسلمانان در برابر یکدیگر دارد، طوری که در دعوت بسوی نیکی تأثیر اخلاق و دعوت پیامبر (صلی الله علیه وسلم) اثرات مثبت و بزرگی را داشته است. پس برای زن کاریگر نیز در حوزه صحی لازم است تا در حسن رفتار با مردم در موارد ذیل توجه لازم داشته باشد:

#### ۱- روابط نیک زن کارمند اداره صحت به همراه کارمندان اداره صحت

یک مؤسسه صحی از آن نوع اداره ای است که کارمندان اداری و صحی را در بر می گیرد. پس تحکیم روابط حسنه میان این جمع باید وجود داشته باشد. روابط حسنه ای که به اساس تعامل داوامدار میان داکتران صحی و کارمندان دیگر بر قرار می باشد قرار ذیل می باشد:

#### الف: اخوة و همکاری

زنان داکتر و بیماران میان هم در احترام، راز داری، همکاری، و برآوردن نیاز های یکدیگر شان به سان خواهران اند و این حسن روابط میان بیماران و داکتران، تأثیری بسزایی در بهتر شدن صحت بیماران دارد. الله متعال می فرماید: **{إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ}**.<sup>(۴)</sup> ترجمه: مؤمنان برادر همدیگر اند. و همچنان در مورد شأن و الای تعاون و همکاری می فرماید: **{وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ}**.<sup>(۵)</sup> ترجمه: به نیکی و تقوی همکاری

<sup>۱</sup> عمل المرأة فی الفقه الاسلامی، ص ۷۸

<sup>۲</sup> السیوطی، تحذیر الخواص، ص ۲۲۷

<sup>۳</sup> غزالی، محمد، احیاء علوم دین، ج ۳، ص ۴۳

<sup>۴</sup> سورة الحجرات، آیه: ۱۰

<sup>۵</sup> سورة المائدة، آیه: ۲

کنید، وبه گناح و دشمنی همکاری و کمک نکنید و از خداوند متعال بترسید، یقیناً خداوند سخت عذاب کننده است.

ب: احترام اهل خبره و اشخاص با تجربه، در علم طب

لازم است که داکتران زن، از تجارب افراد سابقه دار و خبره آگاه باشند و در میان همدیگر رابطه همکاری را برقرار نمایند تا نتیجه همکاری ایشان باعث تحقق اهداف طبی گردیده و تلاش های همه جانبه برای حفظ صحت انسان ها در هر بخش صحی رعایت شود.

ولی آنچه که به طور واجب لازم است کسب مهارت کافی در بخش های مختلف صحی، می باشد.

ج: دوستی بخاطر خداوند: محور اصلی این دوستی خالص از برای خداوند می باشد، هرگاه خواهر مسلمان خواهر خود را ملتزم به اوامر الله ببیند دوستی اش بیشتر می شود و برای مصالح مسلمانان تلاش می کند.

د: علم را از همدیگر پنهان نمی کنند: خداوند متعال علم را آسان کرده است تا میان مردم پخش و نشر شود، وبه راه راست هدایت شوند. اهل کتاب بخاطر کتمان علمی که خداوند متعال برای شان اعطاء کرده بود مذموم قرار گرفتند، خداوند متعال می فرماید: {وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَتُبَيِّنُنَّهُ لِلنَّاسِ وَلَا تَكْتُمُونَهُ فَنَبَذُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ وَاشْتَرَوْا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَبَيَسَ مَا يَشْتَرُونَ}.<sup>(۱)</sup> ترجمه: وبه (بیاد بیاورید) هنگامی را که خداوند، از کسان که کتاب (آسمانی) به آنها داده شده، پیمان گرفت، که حتما آن را برای مردم بیان کنید، و آن را کتمان نکنید، پس آن (عهد) را پشت سر خود انداختند و به بهای کمی فروختند، چه بدست آنچه که می خرند! پس ثمن (پول) که طبیبه بخاطر آن عمل را کتمان کند، چیزی نیست جز متاعی از متاع فانی دنیا.

ه: مبرا ساختن سینه از فریب و کینه: بخشش از جمله اخلاق حمیده اسلام محسوب می شود که بواسطه آن امور پیچیده مرفوع گردیده و نفس آدمی به مدارج بالای اخلاقی نایل می گردد. خداوند متعال می فرماید: {وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ}.<sup>(۲)</sup> و (نیز) کسان که بعد از آنها (بعد از مهاجرین و انصار) آمدند، می گویند: پروردگارا! ما را و برادران مان را که در ایمان بر ما پیشی گرفتند بیامرز، و در دل های مان کینه ای نسبت به کسان که ایمان آورده اند قرار مده، پروردگارا!

<sup>۱</sup> سوره آل عمران، آیه: ۱۸۷

<sup>۲</sup> سوره الحشر، آیه: ۱۰

بیگمان تو رؤوف و مهربان هستی. در این آیه از بغض و حسد مذموم، نهی شده و به صفای قلب تشویق شده است.<sup>(۱)</sup>

### مطلب سوم: رابطه رفتار نیک و صادقانه همراه عیادت کننده گان و بیماران

داکتر باید دلسوز بوده و در کارش اخلاص داشته باشد و وظیفه‌ای را که بر عهده دارد به خوبی انجام دهد، مردم به وی اعتماد کرده و جان خود را به او سپرده‌اند، بنابراین باید کار خود را به دقت و درستی انجام دهد، اگر نه در پیشگاه خدا در روز قیامت بازخواست خواهد شد و بی‌شک نسبت به کمکاری و بی‌دقتی مسؤول خواهد بود.

چه بسیار مصیبت‌هایی که به وقوع پیوسته‌اند و انسان‌هایی که بر اثر سهل‌انگاری و بی‌احتیاطی پزشکی جان باخته‌اند و چه بسا پزشکانی که به خاطر دل‌بستگی به پول بی‌ارزش جان بیماران را در معرض خطر قرار داده و به مسؤولیت شرعی و قانونی خویش عمل نکرده‌اند!<sup>(۲)</sup>

داکتر باید در تعامل با بیمار نمونه اخلاق باشد، همیشه با خوش خلقی همراه بیمار رفتار کند، در تخصص خود مهارت به خرج داده و همراه بیمار به نرمی صحبت نماید و از طریق معلومات و تخصص طبی اش به بستگان بیمار اطمینان دهد، حالت بیمار را مثبت توصیف نماید تا حال بیمار و بستگانش از گفتار داکتر متأثر گردیده و احساس خوشحال شوند و اقارب بیمار بتوانند برای مغلوب ساختن مرض عارضه به هر نوع اجراءات لازم اقدام کنند. طوریکه از نعمان بن بشیر روایت است که پیامبر (صلی الله علیه وسلم) فرمودند: «مَثَلُ الْمُؤْمِنِينَ فِي تَوَادِهِمْ وَتَرَاحِمِهِمْ وَتَعَاطُفِهِمْ كَمَثَلِ الْجَسَدِ إِذَا اشْتَكَى مِنْهُ عَضُو تَدَاعَى لَهُ سَائِرَ الْجَسَدِ بِالسَّهْرِ وَالْحَمَى». <sup>(۳)</sup> مثال مومنان در دوستی و شفقت و مرحمت باهمدیگر، به مانند جسد، هرگاه عضوی از یک جسد درد کند این در تمام جسد را فرا می‌گیرد.

مبحث سوم: ضوابط که عدم رعایت آن موجب مسئولیت جرمی زن، در حوزه صحی می‌شود

### مطلب اول: اخذ اجازه از بیمار، قبل از شروع طبابت

قبل از شروع معالجه زن طبیبه، باید از بیمار و یا ولی وی اجازه بگیرد، در صورت که بدون اجازه بیمار یا ولی وی، زن طبیبه شروع معالجه و یا عملیات نماید، مسئولیت عواقب نتیجه کارش

<sup>۱</sup> عمل المرأة فی المجال صحی صص، ۱۵۰-۱۵۱

<sup>۲</sup> عبادی، عبدالله عبدالرحیم، مسئولیت در اسلام، صص ۶۳-۶۴، ترجمه: محمود خوش‌خبر، نشر: ۱۳۹۴.

<sup>۳</sup> صحیح المسلم، ج ۴، ص ۲۰۰۰



بدوش خودش بوده و همچنان وضعیت از حالت اجازه و رضایت برون گردیده و به تعدی و تجاوز مبدل می گردد.

این یک امتیاز و حق برای بیمار است که طبیب خود را خودش انتخاب نماید، زیرا رابطه خوب و نیک می تواند به شفا یابی بیمار نیز تاثیر بگذارد.

در فقره قبلی بیان گردید که بر طبیب لازم است تا قبل عمل طبابت و تداوی اجازه بیمار و یا ولی شرعی آن را بگیرد، در این مورد از پیامبر (صلی الله علیه وسلم) وجود دارد که بخاری از عایشة (رضی الله تعالی عنها) روایت کرده و ایشان فرمودند: «لَدُنَّا رَسُولَ اللَّهِ فِي مَرَضِهِ، فَأُشَارَ إِلَّا تَلْدُونِي فَقُلْنَا: كِرَاهِيَةَ الْبِمَارِ لِلدَّوَاءِ فَلَمَّا أَفَاقَ قَالَ: لَا يَبْقَى أَحَدٌ مِنْكُمْ إِلَّا لَدِ غَيْرِ الْعَبَّاسِ فَإِنَّهُ لَمْ يَشْهَدْ كَمْ».<sup>(۱)</sup> وجه استدلال به حدیث فوق این است که اجازه بیمار بالغ و عاقل، برای اجرای امر تداوی ضروری می باشد، هرگاه هنگام اجازه گرفتن از بیمار، شخص بیمار سر خود را تکان داد و یا صدا کرد پس طبیب حق دارد هر نوع تداوی که برای بهتر ساختن حال بیمار ضرور است و مناسب حال اش است را انجام دهد هیچگونه اجازه به اکراه و بدون رضایت درست نیت و هرگاه کسی بدون اجازه بیمار عملی را انجام داد که منجر به تعدی بالای بیمار شود، در این صورت به عین تعدی تعزیر خواهد شد.<sup>(۲)</sup>

### مطلب دوم: زن طبیبه اهلیت طبابت را داشته باشد

برای طبیبه ای که وظیفه طبابت را به عهده دارد، لازم است در وظیفه اش ثابت و توانا بوده، اهلیت، علمیت و مهارت آن را نیز دارا باشد. قدرت تطبیق اعمال طبی تخصصی مطلوب را داشته باشد. مسئولیت طبیب مسئولیت بس بزرگ و عظیم است که احکام شریعت به آن مرتب گردیده و روح و حیات انسان ها که طبیعتاً چیز مقدس است به آن تعلق می گیرد.

بنابر آنچه گفته شد، طبیبه و بیمار باید متوجه باشند تا در امر معالجه و تداوی به طور قصدی و بدون احتیاط مرتکب خطاء نشوند. به طور خلاصه و کوتاهه طبیبه باید دارای علم و بصیرة کافی و تخصصی طبی مطلوب را دارا بوده و قدرت تطبیق اعمال مطلوب بیمار را به بهترین وجه دارا باشد.<sup>(۳)</sup>

<sup>۱</sup> صحیح البخاری ج ۳، ۱۰۱۱

<sup>۲</sup> جمعی از علمای سعودی، الفقه الطبی، صص ۷۶-۷۸

<sup>۳</sup> عمل المرأة فی المجال صحی، ص ۱۸۹.

## مطلب سوم: امانت داری و عدم افشای اسرار بیمار

شغل پزشکی امانتی است در اختیار پزشک و بیمارانش نزد وی امانت هستند. هیچ امانتی بزرگتر و شریف تر و بااهمیت تر و درعین حال خطرناک تر از حرفه ی پزشکی وجود ندارد، زیرا زندگی و مرگ بیمار به رفتار خیرخواهانه یا بی توجهی پزشک بستگی دارد. تفاوتی ندارد که در حد تجویز نسخه ی دارو باشد و یا عمل جراحی بیمار، در هر دو مورد هوشیاری و دقت پزشک و یا غفلت و بی توجهی او سرنوشت ساز است، خداوند بلندمرتبه می فرماید:

امانت داری جایگاه راهبردی در آموزه های دین دارد. براساس آیات و روایت، امانت داری اصل جهان شمول و نامشروط است، دو مفهوم صداقت و امانت داری در غالب روایات همراه آمده اند و اقتران آن دو، الگوی رفتاری معینی را در کسب و کار به میان می آورد، امانت داری در آموزه های دینی دامنه ی بسیار فراوانی دارد و شامل هر آنچه در اختیار فرد قرار می گیرد از اموال، امکانات کار و حرفه ، منابع انسانی، اسرار و اطلاعات، عفت افراد و منافع اجتماعی می شود. امانت داری در هر یک از این موارد، تعریف خاصی می یابد. در جهان بینی اسلام، امانت داری از سطح رفتار ارتباطی، به نگرش خاص امانت نگری به امور تعالی می باشد. (۱)

از مهمترین آداب و وظیفه طبابت حفظ اسرار بیمار می باشد که در هنگام طبابت، زن طبیب به آن آگاه می شود و ممکن است این اسرار توسط خود بیمار برای داکتر تصریح گردد. افشای اسرار در اصل حرام است و فقهای کرام افشار اسرار بیمار را در صورتی که متضمن ضرر باشد متفقاً حرام دانسته اند. چنانچه الله تبارک و تعالی در این مورد فرمودند: **{يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ}**. (۲) ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید! به خدا و پیامبر او خیانت نکنید و نیز در امانتهای خود، درحالی که می دانید خیانت نورزید.

وجه استدلال: حفظ اسرار از قبیل حفظ امانات محسوب می شود، پس کتمان این نیز لازم است. همچنان از انس بن مالک (رضی الله تعالی عنه) روایت است که: «أسرالی النبی صلی الله علیه وسلم سراً، فما أخبرت به احداً بعد، ولقد سألتنی عنه أم سلیم فما أخبرتھا به». (۳) رازی را پیامبر (صلی الله علیه وسلم) برایم گفت که آن را بعد از آن به هیچ کس نگفتم و دقیقاً ام سلیم در مورد آن از من سوال کرد و من به او، آن را نگفتم.

<sup>۱</sup> درآمدی بر اخلاق پزشکی در اسلام، ص ۱۸۷

<sup>۲</sup> سورة الانفال، آیه: ۲۷

<sup>۳</sup> صحیح البخاری، ج ۳، ص ۱۰۰۸

وهمچنان از جابر بن عبدالله (رضی الله تعالی عنه) روایت است که پیامبر (صلی الله علیه وسلم) فرمودند: «إِذَا حَدَّثَ الرَّجُلُ بِالْحَدِيثِ ثَمَّ التَّقْتِ فَهِيَ أَمَانَةٌ».<sup>(۱)</sup> هرگاه مردی حرفی را گفت و سپس رفت و با کسی دیگری رو برو شد حرف (گفته شده) نزد آن امانت است. وجه استدلال به حدیث این است که پیامبر (صلی الله علیه وسلم) حکم رازی داری در حکم امانت داری قرار داده پس ضایع کردن آن با افشا کردنش جایز نیست.<sup>(۲)</sup>

از توضیحات فوق چنین دانسته می شود که پوشاندن اسرار مردم آثار اولیا و فضیلت نزد انبیا بوده است؛ اما در صورتی که ضرورت، افشای اسرار بیمار را جایز قرار دهد، آن وقت رضایت بیمار شرط نیست چون در این صورت حق اش نیست که اجازه اش گرفته شود.<sup>(۳)</sup>

### مطلب چهارم: مسئولیت پذیری طبیبه هنگام اجرای تداوی و معالجه

مسئولیت در لغت به معنی محاسبه و مؤاخذة و در اصطلاح: عبارت است از این است که شخص مسئول و ضامن همه اعمال و خواست های غیر قانونی اش باشد. مسئولیت دارای سه رکن اساسی است که یکی آن سوال کننده و مطالب است، یعنی آن کسی که در یک موضوع صحتی و طبی، صلاحیت و مساعدتی را بدست می گیرد. مثل قاضی و مانند آن. رکن دوم مسئول می باشد، این کسی است که سوال متوجه اش می شود، و از ضمان خود مسئول می باشد، برابر است که مسئول تنها فرد باشد، مثل داکتر، و یا یک جهت، ارگان، یا موسسه باشد، مثل شفاخانه.

و رکن سوم مسئول عنه می باشد: این رکن همان محل مسئولیت است یعنی سبب و یا ضرر که از فعل طبیب و یا مساعد و یا هردو نشأت کرده، هرگاه در یک موضوع طبی این سه رکن موجود شود مسئولیت طبی بوجود می آید.

مسئولیت طبی دارای اسبابی است که باعث بوجود آمدن آن می شود، و اسباب مسئولیت طبی چهار امر است:

۱- بی پروایی از اصول تخصصی و علمی طبی: این اصول همان قواعد ثابت و معروفی هستند که میان داکتران به لحاظ علمی و عملی معروف هستند و در انجام تداوی مآلم هر داکتر به اجرای آن ها در کار طبابت اقدام می کند.

<sup>۱</sup> این حدیث را ابو داود و ترمذی روایت کرده اند و این حدیث را حسن گفته اند.

<sup>۲</sup> عون المعبود ج ۱۳، ص ۱۴۸

<sup>۳</sup> الفقه الطبی، صص ۸۳-۸۵

۲- خطاء: خطاء آن است که از انسان قصدی صورت نگیرد، این از آن نوع اعمال غیر قانونی است که گناه ندارد ولی ( در صورت قتل مرتکب آن به پرداخت دیت و کفارت مکلف گردیده) و در غیر آن مسئولیت ضرر وارده را نیز به دوش خواهد کشید.

۳- نافیهمی و نادانی: برابر است که این نافیهمی کلی باشد (یعنی این شخص علمیت داکتری نداشته باشد) و یا جهل جزئی باشد (یعنی این شخص در جزئیات موضوع مورد معالجه، فهم کافی و کامل نداشته باشد).

۴- اعتدا و تجاوز: به گونه صدی، در امر طبابت به عملی اقدام کند که موجب ضرر به بیمار شود، این نوعی سبب از سخت ترین و بزرگترین اسباب تحقق مسئولیت می باشد که اثبات آن بدون اقرار سخت است، مگر اینکه توسط قرائن قوی به اعتداء علم پیدا شود، مثل وجود دشمنی بین داکتر و مریض و یا تهدید سابقه طبیب متهم مریض را.<sup>(۱)</sup>

زن طبیبه به لحاظ اخلاقی و دینی مسئول هر نوع جنایت و خطاء است که در هنگام طبابت بوقوع بپیوندد. دلیل مسئولیت طبیب یا طبیبه حدیث عمرو بن شعیب است که از پدر خود و آن اجد خود روایت کرده اس: « **ومن تطیب ولم یعلم منه طب قبل ذالک فهو ضامن** ». <sup>(۲)</sup> هرگاه کسی طبابت و معالجه کند در حالی که قبل از شروع طبابت به علم طبابت علم نداشته باشد، ضامن است. از حدیث فوق معلوم می شود که طبیب و طبیبه جاهل و متعدی ضامن آنچه است که با دستان خود تلف و متضرر کرده است. و به یقین عقوبت شرعی مثل قصاص و تعزیر و یا جبران خسارت را به آن مترتب می گردد.

### انواع مسئولیت داکتران

مسئولیت داکتران شامل مسئولیت اخلاقی و طبی می گردد:

- مسئولیت اخلاقی: آن است که به موضوعات ادبی در روابط طبی متعلق است، این نوع مسئولیت به تمام مبادی اخلاقی متعلق است که از تمام افراد کارمند در ساحه طبی انتظارش می رود. بدون آن که رابطه اخلاقی بین مرض و داکتر با اهمیت بوده و باید قوی باشد. و این نوع مسئولیت شامل راستکاری، نصیحت و حفظ اسرار و حفظ عورت و وفا به عقد طبابت در بدل اجرت ( در صورت که در بدل اجرت باشد) می باشد. خطاء طبی منشأ اخلال یک و یابیشتر از

<sup>۱</sup> الفقه الطبی ص، ۹۲  
<sup>۲</sup> سنن ابی داود: حدیث شماره: ۴۵۸۶.

یکی از مبادی اخلاقی طبی است، که به وقوع ضرر منتهی می شود و یا می تواند سبب آن باشد. پس احتیاط و نگهداری این اصول اخلاقی ضرورت اجتناب ناپذیر است.

#### - مسئولیت صحتی و طبی

این نوع مسئولیت متعلق به نواحی علمی کار طبابت است. اخلال یک ویابیشتر از یکی از مبادی متفق علیهای معروف طبی، می تواند به وقوع ضرر منتهی شده و یا سبب آن شود. و همچنان عقدی را که داکتر قبل از عمل طبابت با مریض منعقد می سازد، باید طبیب به اصول آن پای بند باشد، طوری که مهارت و با تجربه بودن و عالم بودن اش در طبابت مشروط بوده باشد. اگر طبیب به یکی از جوانب لازم در طبابت، مثل: علم، مهارت، تجربه و تطبیق عمل طبابت، ثابت نبوده باشد و ضرری را متوجه بیمار بسازد در آن صورت مسئول اعمال خود است.<sup>(۱)</sup>

یکی از مسئولیت های طبیب یا طبیبه همان موضوع امانت دار در طبابت است. چون شغل پزشکی امانتی است در اختیار پزشک و بیمارانش نزد وی امانت هستند. هیچ امانتی بزرگتر و شریف تر و با اهمیت تر و در عین حال خطرناک تر از حرفه ی پزشکی وجود ندارد، زیرا زندگی و مرگ بیمار به رفتار خیرخواهانه یا بی توجهی پزشک بستگی دارد. تفاوتی ندارد که در حد تجویز نسخه ی دارو باشد و یا عمل جراحی بیمار، در هر دو مورد هوشیاری و دقت پزشک و یا غفلت و بی توجهی او سرنوشت ساز است، خداوند بلندمرتبه می فرماید:

(إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا).<sup>(۲)</sup> ترجمه: ما امانت (خویش) را بر آسمان ها و زمین و کوه ها عرضه داشتیم و آن ها از پذیرش امانت خودداری کردند و از آن ترسیدند و انسان آن را حمل کرد به راستی که او ستمگر نادان است.

خود داری آسمان ها، زمین و کوه ها از پذیرش این امانت به سبب مشقت حاصل از آن بود و نیز به خاطر جایگاه این مسئولیت پذیری در پیشگاه خدا در روز قیامت و بازخواست شدن از آن ها.

<sup>۱</sup> الفقه الطبی صص، ۹۲-۹۴

<sup>۲</sup> سورة الاحزاب، آیه: ۷۲

آیا امانتی بزرگ تر و مهمتر از روح انسانی وجود دارد که خداوند بلندمرتبه در این سخنش او را گرامی داشته است: (وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِّنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَىٰ كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا).<sup>(۱)</sup>

ترجمه: ما بنی آدم را گرامی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا حمل کردیم و از چیزهای پاکیزه و خوشمزه روزیشان نمودیم و بر بسیاری از آفریدگان خود کاملاً برتریشان داده‌ایم.

پزشک باید دلسوز بوده و در کارش اخلاص داشته باشد و وظیفه‌ای را که بر عهده دارد به خوبی انجام دهد، مردم به وی اعتماد کرده و جان خود را به او سپرده‌اند، بنابراین باید کار خود را به دقت و درستی انجام دهد، اگر نه در پیشگاه خدا در روز قیامت بازخواست خواهد شد و بی‌شک نسبت به کم کاری و بی دقتی مسؤول خواهد بود.

چه بسیار مصیبت‌هایی که به وقوع پیوسته‌اند و انسان‌هایی که بر اثر سهل‌انگاری و بی احتیاطی پزشکی جان باخته‌اند و چه بسا پزشکانی که به خاطر دل‌بستگی به پول بی‌ارزش جان بیماران را در معرض خطر قرار داده و به مسؤولیت شرعی و قانونی خویش عمل نکرده‌اند!<sup>(۲)</sup>

ودر آخر پیشنهادات، نتیجه‌گیری، فهرست موضوعات همراه با فهرست آیات قرآنی و فهرست احادیث نبوی و همچنان فهرست اعلام و خلاصه انگلیسی رساله می باشد.

<sup>۱</sup> سورة الاسراء، آية: ۷۰

<sup>۲</sup> عبادی، عبدالله عبدالرحیم، مسؤولیت در اسلام، صص ۶۳-۶۴، ترجمه: محمود خوش‌خبر. نشر: ۱۳۹۴،

## نتیجه گیری

- ۱- در شرایط فعلی کار زنان در حوزه صحت از ضروریات اساسی جامعه اسلامی می باشد، زیرا هیچ مردی حاضر نیست هنگام ولادت و یا مشکلات بولی و غیره موضوعات حساس طبی خانم، دختر، و یا خواهر خود را نزد طبیب مرد روان کند،
  - ۲- علماء کرام چون ابن حجر عسقلانی و نووی و غیره.. کار زنان در حوزه صحت و پیاد گیری علم آن را در صورت ضرورت و نبود داکتر زن از جمله فروض کفایی گفته اند، و همچنان در صورت ضرورت هیچ کسی قایل به انکار آن نشده است.
  - ۳- در صورت رعایت ضوابط شرعی، کار زنان در بیرون از خانه و ادارات، بخصوص در حوزه صحت هیچ مشکلی نداشته ورد نکرده است.
  - ۴- تداوی مردان توسط مردان و از زنان باید توسط زنان صورت بگیرد؛ اما در صورت که برای مرد داکتر مرد و به برای زن داکتر زنانه موجود نباشد و یا برای تداوی تشخیص مرض، از جنس خودشان داکتر مناسب موجود شده نتواند، در این صورت زنان می توانند مردان را و مردان زنان را تداوی کنند و این هیچ مشکلی ندارد، در صورت که برای بیمار حالت اضطرار پیش آمده باشد و داکتری از جنس خودش موجود، جنس مخالف می تواند آن را تداوی کند و به هر جای آن نگاه اندازد و لمس کند.
  - ۶- خلوت میان زن و مرد اجنبی حرام متفق علیها است ولی اختلاط، با رعایت ضوابط شرعی آن نزد اکثر علماء باکی ندارد.
  - ۷- طبابت توسط زنان، در جامعه اسلامی با حدیث پیامبر (صلی الله علیه وسلم) ثابت شده است.
  - ۸- تداوی و معالجه، مسئولیت بس بزرگی را در قبال دارد، قسمی که گاهی ممکن است شخص طبیبه در اثر خطا، تعدی، غفلت، جهالت، و یا بی تجربگی به قدری زیر بار مسئولیت خود قرار گیرد که برایش قصاص یا تعزیر و یا هم جبران خسارت وارد شود.
- زنان در هر جای دنیا باید با پوشش اسلامی و با حیا و عزت زنانگی خود قدم بردارند، زیرا حجاب مانع فساد و فتنه گردیده و شخصیت زن را بیشتر می سازد.

## پیشنهادات

در عصر حاضر یکی از موضوعات مهم در تعامل اجتماعی، (جوامع اسلامی) کار زنان در ادارات و موسسات دولتی و خصوصاً کشورها است که اکثراً از جهت اینکه رفتن زنان را به ادارات گناه می‌دانند و یا مایه فساد اخلاقی که از رفتن و کار کردن زنان، خواهران، و دختران شان جلوگیری می‌کنند، و ماندن زنان را در خانه، از رفتن شان به دفاتر و مؤسسات بهتر و نزدیک تر به ثواب می‌دانند قسمی که در کشور ما افغانستان بیشتر مردم به دلیل مذهبی بودن و عدم اعتماد به ادارات و مؤسسات دولتی و خصوصی و ترس از افتادن به دام گناه، از رفتن زنان به کار بیرون از خانه جلوگیری می‌کنند، به ادارات مسئول و محلات اکادمیک و افراد با سواد و تحصیل کرده پیشنهاد های را در این زمینه در خصوص کار زنان در حوزه صحی خواهم داشت.

۱- به وزارت های محترم و مسئول که در تهیه مسوده های قانونی و نشر آن نقش دارند و یکی از فعالیت های اساسی شان را نیز تشکیل می‌دهد هدف پیشنهاد می‌کنم که قانون، مقرر، و یا طرز العملی را تحت عنوان کار زنان در حوزه صحی ترتیب نمایند و به دسترس عموم مردم قرار دهند، ولی مهمتر از آن اینکه تمام مواد این قانون را به گونه جدی مرعی الاجرا قرار دهند و از هر ماده اش نیز پاسداری کنند تا در روشنی این گونه قانون مردم با اطمینان بهتر بتوانند زنان، دختران و خواهران شان را به ادارات کشور بخصوص اماکن صحی، جهت خدمت به مردم روان کنند.

۲- از وزارت های محترم و مسئول بخش آموزش تقاضا می‌کنم در قسمت پخش و نشر همچون کتب و مقالات علمی و مهم کوشش نمایند و بابتی را در کتب درسی تحصیلات و یا معارف درج کنند تا مردم عزیز کشور و نسل جوان، با فهم دقیق از موضوع بتوانند تصمیم بگیرد که بیرون از خانه کار کند و یا در خانه بماند.

۳- از همه دوست داران علم و دانش خواهشمندم در نشر موضوعات اسلامی که به پیشرفت و ترقی جامعه کمک می‌کنند کوشش نمایند تا سبب رستگاری مان در دنیا و آخرت گردد، چون وقتی خانمی در شفاخانه به عنوان داکتر کار می‌کند مردان می‌توانند با دل جمع و با اطمینان خاطر زنان را که مشکل صحی دارند و یا درحالت اضطرار به سر می‌برند نزد همان داکتر ببرند و جان



شان را نجات دهند، و اینکه حفظ جان یک شخص در قرآن چگونه بیان شده آن چیز است که همه میدانند.

از تمام هم وطنان عزیزم خواهشمندم برای پیشرفت و آبادانی کشور از راه کار و علم تلاش نمایند.

## فهارس

فهرست آیات قرآنی

فهرست احادیث بنوی

فهرست اعلام

فهرست منابع و مأخذ

## فهرست آیات قرآنی

شماره	متن	سورة	آية	صفحه
۱	أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي الْأَرْضِ	الحج	۶۵	۳۷
۲	إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ	الاحزاب	۷۲	۹۷
۳	إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَىٰ مِن ثُلثِي	المزمل	۲۰	۳۱
۴	إِنَّ الْكٰفِرِينَ كَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا مُّبِينًا	النساء	۱۰۱	۳۶
۵	إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ	الحجرات	۱۰	۹۰
۶	ثُمَّ لِنَسْأَلَنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ	التكاثر	۸	۳۸
۷	الرَّجَالُ قَوْمُونَ عَلَى النِّسَاءِ	النساء	۳۴	۳۰/۸۶
۸	عَلِمَ أَن سَيَكُونُ مِنْكُمْ مَّرْضَىٰ وَعَاخِرُونَ	المزمل	۲۰	۳۲
۹	فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ	الجمعه	۱۰	۳۱/۴۱/۲۹
۱۰	فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَبْ	الشرح	۸-۷	۳۷
۱۱	فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا	البقره	۱۵۲	ب
۱۲	فَأَمْسُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِن رِزْقِهِ	الملك	۱۵	۲۷
۱۳	فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَىٰ	القصص	۲۵	۲۱

			أَسْتَحْيَاء	
٨٦	٣٤	النساء	فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ	١٤
٧٥	٣٢	الاحزاب	فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ	١٥
٣٦	٣٥	محمد	فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلْمِ وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ	١٦
١٣	١٧٣	البقره	فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَلَا	١٧
١٨	٣	المائده	فَمَنْ اضْطُرَّ فِي مَخْمَصَةٍ غَيْرِ مُتَجَانِفٍ	١٨
٣٨	٦١	هود	قَالَ يُقَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ	١٩
٧٠/٣٠	٣١/٣٠	النور	قُلِ الْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّونَ أَبْصَارَهُمْ	٢٠
٣٥	٨	المائده	كُونُوا قَوْمِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ	٢١
٣٠	٩٨	البقره	لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلًا	٢٢
١٨	١٠٢	التوبه	وَآخَرُونَ اعْتَرَفُوا بِذُنُوبِهِمْ خَلَطُوا عَمَلًا	٢٣
٩١	١٨٧	آل عمران	وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ	٢٤
٣٧	٢٠٥	البقره	وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا	٢٥
٣٩	٤١-٤٠	ص	وَإِذْ نَادَى أَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسْنِي	٢٦
٦١	١٩٥	البقره	وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ	٢٧
٤٧/٣٦	٢٣٣	البقره	وَإِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تَسْتَرْضِعُوا أَوْلَادَكُمْ	٢٨
٩٠/٦٦	٢	المائده	وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى	٢٩
٣٢	١١	النبأ	وَجَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا	٣٠

٨١	١٤	لقمان	وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهَنًا	٣١
٣١/١	٣٣	الاحزاب	وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ	٣٢
٧١/٨٨	٣١-٣٠	النور	وَقُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَعْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ	٣٣
٧٠	٣٢	الاحزاب	وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا	٣٤
٣٨	١٥٢-١٥١	الشعراء	وَلَا تَطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ الَّذِينَ يُفْسِدُونَ	٣٥
١٢	٢٩	النساء	وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ	٣٦
١٥	١٩٥	البقره	وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ	٣٧
٧٥	٣١	النور	وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ	٣٨
٩١	١٠	الحشر	وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا	٣٩
٩٧/٤١	٧٠	الاسراء	وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُرِّ	٤٠
٣٢/١٩	٢٤-٢٣	القصص	وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةً	٤١
٣٩	٣٢	المائدة	وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا	٤٢
٧٢	١٨٧	البقره	هُنَّ لِبَاسٍ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٍ لَهُنَّ	٤٣
٣٧	٤١	هود	هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَأَسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا	٤٤
٣١/٣٠	١٥	الملك	هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ ذَلُولًا	٤٥
٤٧	٢٧	النور	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ	٤٦
٩٤	٢٧	الانفال	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ	٤٧

			وَالرَّسُولَ	
٨٤/٧٤	٥٩	الاحزاب	يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأزْوَجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ	٤٨
٧٩	١	النساء	يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ	٤٩
٨٧	٣٢	الاحزاب	يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِّنْ النِّسَاءِ	٥٠

## فهرست احاديث نبوى

شماره	متن	كتاب	صفحه
۱	إذا استأذنت أحدكم امرأته إلى المسجد فلا يمنعها	صحيح الخارى	۸۶
۲	إذا امسيت فلا تنتظر الصباح	مشكاة المصابيح	۳۹
۳	إذا حدث الرجل بالحديث ثم التقت فهي أمانة	سنن ابى داود	۹۵
۴	استأخرن فإنه ليس لكن أن تحققن الطريق	مشكاة المصابيح	۵۱
۵	أسرالى النبى صلى الله عليه وسلم سراً، فما اخبرت به احداً بعد	صحيح البخارى	۹۴
۶	ألا تعلمين هذه - يريد حفصة - رقية النملة	السنن الكبرى للنسائى	۵۹/۲۸/۴۲
۷	ألا لايبين الرجل عند امرأة	صحيح مسلم	۴۴
۸	انا الرحمن خلقت الرحم	موارد الزمان إلى زواند ابن حبان	۷۹
۹	أن اسماء بنت ابى بكر رضى الله تعالى عنها كانت إذا أتيت بالمرأة	صحيح البخارى	۶۰
۱۰	أن رسول الله صلى الله عليه وسلم لما بنى المسجد جعل باباً	مسند ابى داود الطيالسى	۵۱
۱۱	أن عمر بن الخطاب أتى على قوم « فقال: ما أنتم؟	جامع العلوم والحكم	۲۵
۱۲	ان النبى (صلى الله عليه وسلم)	ابو داود	۵۱

		كان اذا سلم يمكس مكانه يسيرا	
٨٧	صحيح البخارى	بايعنا رسول الله صلى الله عليه وسلم فقرأ علينا أن	١٣
٣٣/٢٣	صحيح البخارى	تزوجنى الزبير وماله فى الارض	١٤
٤٨	المصنف لعبدالرزاق	التسبيح للرجال والتصفيق للنساء	١٥
٧٢	المستدرک على الصحيحين	ثلاثة لا ينظر الله اليهم يوم القيامة: عاق الوالديه ومدمن الخمر ومنان بما اعطى	١٦
٨١	صحيح مسلم	جاء الرجل إلى رسول الله من احق	١٧
٧٢	كنز العمال	ثلاثة لا يدخلون الجنة العاق الوالديه والديوث ورجلة	١٨
٥٤/٤٤	نيل الاوطار	سمعت النبى صلى الله عليه وسلم يخطب ويقول	١٩
٥٠	البيهقى	عليكن حافات الطريق	٢٠
٦٠/٤٢	ابن ماجه	قالت الاعرابى: يا رسول الله ألا نتداوى	٢١
٨٠	فتح القريب المجيب على الترغيب والترهيب	قال الرحم متعلقة بالعرش	٢٢
٢٧	صحيح مسلم	قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: ألا لايبين رجل عند امرأة	٢٣
٢٦/٣٣	سنن الكبرى للبيهقى	كان اصحاب رسول الله صلى الله عليه وسلم قوما عمال	٢٤
٦٣	اسد الغابة	كان رسول الله يغزو بأمر سليم رضى الله تعالى عنها ونسوة	٢٥
٦٣	صحيح مسلم	كان رسول يغزو بالنساء فيداوين الجرحى	٢٦
٧١	صحيح مسلم	كان النبى يبايع الناس بهذه الآية {لا تشركن بالله شيئاً}	٢٧

٥١		كان يسلم فينصرف النساء فيدخلن بيوتهن	٢٨
٨٩	ترمزي	كل عين زانية والمرأة اذا	٢٩
٦٢	صحيح البخارى	كنا مع النبي صلى الله عليه وسلم نسقى ونداوى الجرحى	٣٠
٤٠	شرح سنن ابى داود للعباد	لابأس بالرقى مالم يكن فيها الشرك	٣١
٦٣	صحيح مسلم	لا تسافر المرأة ثلاثاً إلا مع ذو محرم	٣٢
٥٣	جامع الاصول	لايدخلن رجل بعد يومى هذا على مغيبة إلا ومعه رجل او اثنان	٣٣
٥٣/٥٤/٢٧	صحيح مسلم	لايخلون رجل بامرأة إلا ومعها ذو محرم	٣٤
٣١	مسند احمد بن حنبل	لايخلون رجل بامرأة إلا ثالثهما الشيطان	٣٥
٨٧	صحيح البخارى	لايخلون رجل بامرأة ولا تسافرون امرأة إلا	٣٦
٣١/٦٣	صحيح مسلم	لايحل لإمرأة تؤمن با الله واليوم الآخر أن تسافر مسيرة ثلاث	٣٧
٣٣	صحيح البخارى	لان يأخذ احدكم حبله فيأتى بحزمة الحطب	٣٨
٩٣	صحيح البخارى	لددنا رسول الله فى مرضه، فأشار الا تلدونى	٣٩
٧٢	جامع الاصول	لعن رسول الله الرجل من النساء	٤٠
٧٣	ابو داود	لعن المتشابهات من النساء بالر..	
٦٣	صحيح مسلم	لما كان يوم احد انهزم النساء	٤١
٦٦	ترمزي	لوكنت امرأ احداً يسجد لأحد لأمرت الزوجة تجسد لزوجها	٤٢



٤٨	سنن ابى داود	لوتركنا هذا الباب للنساء قال نافع: فلم يدخل منه ابن عمر حتى مات	٤٣
٥١/٢٩/٥٠	البخارى	ما تركت بعدى فتنة أضر على الرجال من النساء	٤٤
٣٢	صحيح البخارى	ما اكل احد طعاماً قط خيراً من أن يأكل من عمل يده	٤٥
٣٩/٥١/٦١	صحيح البخارى	ما انزل الله من داء إلا وانزل له شفاء	٤٦
٩٢	صحيح مسلم	مثل المؤمنين فى توادهم وتراحمهم	٤٧
٤٣	سنن ابى داود	مرو اولادكم بالصلاة وهم ابناؤ سبع سنين	٤٨
٢٥	البخارى	من نابه شىء فى صلاته فليسبح الرجال وتصفق النساء	٤٩
٣٨	مشكاة المصابيح	من اصبح منكم آمناً فى سربه، معافى فى جسده	٥٠
٣٨	ترمذى	نعمتان مبعون فيهما كثير من الناس	٥١
٤٥	فتح البارى	نهى عمر (رضى الله عنه) أن يطوف الرجال مع النساء قال	٥٢
٤٠	مسند احمد بن حنبل	نهى رسول الله صلى الله عليه وسلم عن الرقى	٥٣
٦٣	صحيح مسلم	نهى رسول الله أن تسافر المرأة مسيرة يومين	٥٤
٤٠	صحيح البخارى	وجاءت فاطمة تغسل عن وجهه الدم	٥٥
٢٠	ترمذى	وَرَوَّجَتْهُ مُؤَلِيَةً وَجْهَهَا إِلَى الْحَائِطِ	٥٦
٨٩	صحيح البخارى	والله أنكن لأحب الناس إلى	٥٧

٨٨	مسند احمد	والمرأة راعية على بيت زوجها	٥٨
٩٦	سنن ابي داود	ومن تطيب ولم يعلم منه طب قبل ذالك فهو ضامن	٥٩

## فهرست اعلام

شماره	علم/ نام	صفحه
۱	ابو الحسن علی بن محمد بن حبیب ماوردی	۶۴
۲	ابو عمران ابراهیم بن یزید النخعی معروف به ابراهیم نخعی	۴۵
۳	ابو الفضل عیاض بن موسی بن عیاض یحصبی بستی معروف به قاضی عیاض	۶۴
۴	ابی حامد محمد بن محمد الغزالی الشافعی ملقب به حجة الاسلام	۹۰/۵۹/۵۲/۴۱
۵	سلیمان بن خلف بن سعد بن ایوب باجی قرطبی	۶۴/۹۰/۱
۶	حسن پسر یسار ملقب به ابوسعید یا حسن بصری	۱۵۲
۷	عبدالکریم زیدان استاذ بالجامعة البغداد	۶۶
۸	عسقلانی، أبو الفضل أحمد بن علي بن محمد بن أحمد بن حجر العسقلاني	۱۹۹
۹	علاءالدین ابی بکر بن مسعود الکاسانی الحنفی	۵۲
۱۰	محمد بن ابراهیم بن عبداللطیف بن عبدالرحمن بن حسن بن محمد بن عبدالوهاب	۱۶/۴۶
۱۱	محمد بن ابی بکر بن ایوب بن سعد بن حریر زرعی دمشقی معروف به ابن القیم الجوزی	۵۰
۱۲	محمد بن عبدالله بن محمد المعافری، معروف به قاضی ابوبکر بن العربی الاشبلی المالکی	۳۱
۱۳	موفق الدین ابو محمد عبدالله بن احمد بن محمد معروف به ابن قدامه	۵۲
۱۴	وهبة بن مصطفى الزحلی	۷۱
۱۵	هند، بنت ابی امیه مخزومی معروف بام سلمه و احد زوجات النبی (صلی اللع علیه وسلم)	۲۶/۲۵

## منابع و مأخذ

١. القرآن الكريم
٢. آلوسى، ابى الفضل شهاب الدين السيد محمود، المتوفى سنة ١٢٧هـ روح المعانى فى تفسير قرآن العظيم والسبع المثانى. ادارة الطباعة المنيرية، احياء التراس العربى.
٣. ابراهيم، محمد الجمل 1997 حياة المرأة المسلمة بيروت، ب ط
٤. ابن حجر عسقلانى، احمد بن على، (١٤٢٠هـ) فتح البارى شرح صحيح البخارى. بيروت، دار الفكر، الطبعة الاولى.
٥. ابن حجر، العسقلانى، احمد بن على، (١٤١٥هـ) الإصابة فى تميز الصحابة. دار الكتب العلميه، بيروت.
٦. ابن دريد، ابوبكر محمد بن الحسن، (١٩٨٧م) جمهرة اللغة. دار العلم، بيروت، الطبعة الاولى
٧. ابن فارس، أبو الحسين احمد بن فارس بن زكريا، (١٣٩٩ هـ، ١٩٧٩م). معجم مقاييس اللغة: ج ٤. ، بيروت، لبنان، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع.
٨. ابن كثير: ابو الفداء إسماعيل بن عمر بن كثير القرشي الدمشقي [ ٧٠٠ - ٧٧٤ هـ ]، تفسير القرآن العظيم المشهور بابن كثير، المحقق : سامي بن محمد سلامة ، دار طيبة للنشر والتوزيع ، الطبعة : الثانية ١٤٢٠ هـ - ١٩٩٩ م.
٩. ابن ماجه : محمد بن يزيد أبو عبدالله القزويني (المتوفى 273هـ ) سنن ابن ماجه، ج ٢، تحقيق : محمد فؤاد عبد الباقي ، دار احياء الكتب العربية- فيصل عيسى البابى الحلبي.
١٠. ابن نجيم، زين الدين بن ابراهيم، (١٢٥٢هـ). الإشباه والنظائر. دمشق، الطبعة الاولى دار الفكر.
١١. ابن منظور : ابن منظور ، لسان العرب، المحقق : عبد الله علي الكبير محمد أحمد حسب الله هاشم محمد الشاذلي، دار النشر : دار المعارف ، البلد : القاهرة .
١٢. ابوداود : سليمان بن الاشعث بن اسحاق بن بشير بن شداد بن عمرو الازدى السجستاني (المتوفى 275هـ) ، سنن ابى داود، المحقق : محمد محى الدين عبدالحميد ، المكتبة العصرية ، صيدا - بيروت.
١٣. ابوالنيل، محمد عبدالسلام، حقوق المرأة فى الاسلام. مكتبة الفلاح، الطبعة الاول

- ١٤ . ابي المعالي، محمود بن صدر الشريفه ابن مازه البخارى، الامام برهان الدين (2004). م المحيط البرهاني. الطبعة اول . بيروت لبنان.
- ١٥ . الانصارى، فريد، (١٤٤٠هـ) سيماى صورت وسيرت زن در اسلام، مترجم: زهرا صالحى. اخلاق اسلامى - اخلاق اجتماعى، نشر ديغتالى كتابخانه القلم
- ١٦ . امير پادشاه، محمد امين، ١٤٠٣هـ تيسير التحرير، ج ١، دارالكتب العلميه، بيروت.
- ١٧ . آل بورنو، محمد صدقى، (١٤٤٢هـ) موسوعة القواعد الفقهييه، مؤسسة الرسالة، بيروت، الطبعة الاولى
- ١٨ . البيهقى، ابي بكر احمد بن الحسين بن على، (١٤١٤هـ) السنن الكبرى. دارالكتب العلميه، الطبعة الاولى، بيروت.
- ١٩ . البار، محمد على. مداوات الرجل للمرأة والمرأة للرجل : تاريخ البيمارستان فى الاسلام، مجلة مجمع الفقه الاسلامى
- ٢٠ . البخارى، محمد بن اسماعيل، (2012) م صحيح البخارى. القايره : دار التقاضى ، الطبعة الاولى
- ٢١ . بقرى، احمد ماهر ، (1981) م العمل فى الاسلام . الاسكندريه : مؤسسه شباب الجامعه . ب.ط
- ٢٢ . بن مهنا، احمد بن غنيم بن سالم، (١٤١٨هـ) الفواكه الدوانى على رسالة ابن ابي زيد القيروانى، الطبعة الاولى، دارالكتب العلميه، لبنان، بيروت.
- ٢٣ . البهوتى: منصور بن يونس بن صلاح الدين ابن حسن بن ادريس البهوتى الحنبلى ( المتوفى ١٠٥١هـ)، شرح منتهى الارادات، الناشر: عالم الكتب، الطبعة: الاولى، ١٤١٤هـ
- ٢٤ . الترمذى : محمد بن عيسى ابو عيسى الترمذى السلمى ، ( المتوفى 279 هـ ) ، سنن الترمذى ، تحقيق : أحمد محمد شاكر وآخرون ، دار إحياء التراث العربى - بيروت.
- ٢٥ . التويجرى، هيله بنت ابراهيم ، (1430 هـ) عمل المرأت فى الفقه الاسلامى. رسالة مقدمة لنيل درجة الدكتوراه فى الفقه، السعوديه ب.ط
- ٢٦ . الجرجانى، سيد شريف. (١٤١٣) معجم التعريفات، الناشر: دارالفضيلة، القايره
- ٢٧ . الجزرى، عزالدين بن الاثير ابي الحسن على بن محمد، (١٤١٥هـ) أسد الغابة فى معرفة الصحابة، دارالفكر.

٢٨. الخولى، البهى 8419 م الاسلام والقضايا الامرات المعاصرة. القاهرة: مكتبة دار التراث
٢٩. الدسوقى، شمس الدين محمد عرفة، حاشية الدسوقى على الشرح الكبير، ج٢، مكتبة زهران، طبعة دار احياء الكتب العلمية ب. ت
٣٠. ابن عابدين: محمد امين بن عمر بن عبد العزيز المعروف بابن عابدين الدمشقى الحنفى (المتوفى: ١٢٥٢ هجرى قمرى)، رد المختار على الدر المختار، فى كتاب البيوع، الناشر: دار الفكر - بيروت، الطبعة: الثانية، ١٤١٢ هجرى قمرى.
٣١. الرازى، محمد بن عمر، التفسير الكبير - مفاتيح الغيب، الطبعة الثانية، دار الكتب العلمية.
٣٢. الزبيدى، محمد مرتضى، (١٣٨٦) تاج العروس من جواهر القاموس، ج١٢، دار صادر، بيروت.
٣٣. الزحيلي، د. وهبة، الفقه الإسلامى وأدلته الناشر: دار الفكر - سورىة - دمشق.
٣٤. الزحيلي، وَهْبَةُ (1420 هـ)، الأسرة المعاصرة فى العالم المعاصر. دار الفكر، دمشق الطبعة الاولى.
٣٥. الزحيلي، وهبة، (١٤٣٣-٢٠١٢) موسوعة الفقه الإسلامى والقضايا المعاصرة. ج٣، دمشق: دار الفكر، الطبعة الثالثة.
٣٦. الزحيلي، وهبة، (١٣٩٩ هـ) نظرية الضرورت الشرعية. مؤسسه الرسالة - بيروت، الطبعة الثانية.
٣٧. زحيلي، د/ وهبة (١٣٩٤ هـ) احكام، آداب، حقوق ومسئوليت هاى فقه خانواده در جهان معاصر. مترجم: عبدالعزيز سليمى
٣٨. زيدان، عبدالكريم، (١٣٩٤ هـ) حقوق وتكاليف زن در اسلام، ترجمه: سهيلا رستمى. نشر الكترونيكى كتابخانه قلم.
٣٩. زيدان، عبدالكريم، (١٤١٢ هـ) احكام المرأة والبيت المسلم فى الاسلام. الطبعة الاولى، مؤسسه رسالة، بيروت.
٤٠. زن در اسلام، كزیده ای از مواضع اسلام درباره قضیه زنان. سايت نور نوار اسلام، تاريخ انتشار الكترونيكى، حوت ١٣٩٤
٤١. السبكي، تاج الدين عبدالوهاب، (١٤١١ هـ) الاشباه والنظائر، دارالكتب العلمية، بيروت، الطبعة الاولى

٤٢. السرخسى : شمس الدين أبو بكر محمد بن أبي سهل السرخسى (المتوفى 483 هـ)  
المبسوط للسرخسى، دراسة وتحقيق: خليل محي الدين الميس ، دار الفكر للطباعة  
والنشر والتوزيع، بيروت، لبنان، الطبعة الأولى، ١٤٢١ هـ - ٢٠٠٠ م .
٤٣. الشافعى، ابى عبدالله محمد بن ادريس،(١٤٠٠هـ) الأم، دارالفكر بيروت، الطبعة  
الاولى
٤٤. صلاح، عبدالغنى محمد. موسوعة المرأت المسلمة:الدارالعربية للكتاب، الطبعة  
الاولى، 1998م
٤٥. الصنعانى، محمد بن اسماعيل ،(1182م) (سبيل سلام، السعوديه، بيت الافكار  
الدولية . الطبعة الثانية
٤٦. الطبرانى : سليمان بن احمد بن ايوب بن مطير اللخمي الشامى ، ابوالقاسم الطبرانى  
( المتوفى 360 هـ ) المعجم الكبير للطبرانى ، ج ٩ ، تحقيق : حمدى بن عبد المجيد  
السلفى ، دار النشر: مكتبة ابن تيميه - القاهرة، الطبعة : الثانية
٤٧. عبادى، عبدالله عبدالرحيم، مسئوليت دراسلام، ترجمه:محمود خوش خبر . نشر  
١٣٩٤،
٤٨. عبدالمنعم،محمود عبدالرحمن.(ب.ت)معجم المصطلحات والالفاظ الفقهييه.جامعة  
الازهر- القاهره
٤٩. عزت، عبدالعظيم،١٤٠٨ هـ ١٩٨٨م هموم العمل والعمال. اسكندريه، مصر، دار  
المطبوعات الجديدة.
٥٠. عظيم آبادى، شمس الحق ،(1968) م(عون المعبود شرح سنن ابى داود ./المدينة  
المنوره، ناشر:محمد عبد المحسين. الطبعة الثانية
٥١. عقله، محمد(1996). م (نظام الأسرة فى الاسلام .الأردن، المكتبة الرسالة الحديثة
٥٢. عينى،بدرالدين أبى محمد محمود بن احمد،(١٩٩٥م)، عمدة القارى شرح صحيح  
البخارى، ج ١١ ، پشاور، المكتبة الحقانية.
٥٣. الغزالى الطوسى،أبوحامد محمد بن محمد. إحياء علوم الدين،ج٢، الغزالى،  
(المتوفى: ٥٠٥هـ) الناشر: دار المعرفة بيروت.
٥٤. غياثى،مولوى عبدالصمد،(١٣٩٤هـ ش.)حجاب زن مسلمان.نوبت انتشار:اول  
(ديجتال) سايت كتابخانه عقیده

٥٥. فيروز آبادي، مجد الدين، محمد بن يعقوب، (١٤٠٦م) القاموس المحيط، مؤسسة الرسالة، مكتبة التراث، الطبعة الاولى.
٥٦. الفيومي، احمد بن محمد، (١٤١٥م) المصباح المنير، ج٢، دار المعارف، الطبعة الثانية
٥٧. القرطبي : ابو عبدالله محمد بن احمد بن ابوبكر بن فرح الانصاري الخزرجي شمس الدين القرطبي (المتوفى : ٦٧١ هـ) الجامع لأحكام القرآن ، المحقق : هشام سمير البخاري ، دار عالم الكتب ، الرياض ، المملكة العربية السعودية ، الطبعة : الطبعة : ١٤٢٣ هـ / ٢٠٠٣ م .
٥٨. قلعه جي، محمد رواس، ١٤١٦، معجم لغة الفقهاء: بيروت دار النفائس.
٥٩. الكاساني، علاء الدين ،) سنة الوفاة(587 ، بدائع الصنائع في ترتيب الشرائع ، دار الكتاب العربي بيروت ، الطبعة 1982: م
٦٠. الكندي، عبدالرازق. المفطرات الطبية المعاصرة دراسة فقهية طبية مقارنة الشامله
٦١. كنعان، وديكران(٢٠٠٠م) الموسوعة الطبية، الفقهية، بيروت: دار النفائس الطبعة الاولى، .
٦٢. متوسل، محمود، (ب.ت) درآمدی بر اخلاق پزشکی در اسلام. ناشر: مركز فرهنگي درسهایی از قرآن.
٦٣. مجمع علماء سعودي، للدراسات الطبية الفقهية، الفقه الطبي، وزارت التعليم العالي جامعة الإمام محمد بن سعود الاسلامية. ب.ت
٦٤. مجلة البحوث الإسلامية، شماره: ٦٢، رياض، المملكة العربية السعودية، رئاسة إدارة البحوث العلمية والإفتاء بحث من د. سليمان بن ابراهيم بن ثنيان، نشر ذو القعدة وذو الحجة ١٤٢١ هـ محرم و صفر ١٤٢٢ هـ.
٦٥. مطر مزيد، مراد سهيل، (2007 م) عمل المرأة في المجال الصحي بين الضرورت والضرر دراسة فقيه المقارنه. الجامعة الاسلاميه الغزه. ب. ط
٦٦. مطر مزيد، مراد سهيل، ضوابط الشرعية للعمل للمرأة في المجال صحي.
٦٧. المقدم، محمد احمد اسماعيل، (١٤١٧ هـ) عودة الحجاب السعودي: دار الطيبة، الطبعة ٩
٦٨. المنجد، محمد صالح، سلسلة أعمال القلوب، شيخ المنجد (ج١، ص٣٢)، مجموعة زاد للنشر، چاپ اول، المملكة العربية السعودية ١٤٣٠-٢٠٠٩.



٦٩. الميسرى، عبدالوهاب، (٢٠٠٠). ما بين حركة تحرير المرأة و حركة التمركز حول الانثى: روية معرفية، چاپ شده در مجله منعطف مغرب، شماره ١٥-١٦
٧٠. النجار، إبراهيم عبدالهادى، (١٤١٥هـ) حقوق المرأة فى الشريعة الإسلامية، دار الثقافة.
٧١. الندوى، على احمد. (١٤٢٠هـ) القواعد الفقهية. دارالقلم، الطبعة الخامسة.
٧٢. النسائي : أبو عبد الرحمن أحمد بن شعيب بن علي الخراساني النسائي ( المتوفى ٥٣٠٣هـ ) سنن النسائي، ج ٧، تحقيق: عبد الفتاح ابوغدة، الناشر: مكتب المطبوعات الإسلامية - حلب، الطبعة: الثانية، ١٤٠٦ هجرى قمرى.
٧٣. وجدى، محمد فريد، (1419). هـ. المرأة المسلمة - الرياض، الطبعة الاولى.
٧٤. يعقوب، إميل بديع. (٢٠٠٦م)، موسوعة علوم اللغة العربية، ج ٦، الناشر: دارالكتب العلمي - بيروت، ، الطبعة الأولى

## Summary

In this research paper, which is descriptive and descriptive library in the first step, I wanted to research and edit the necessity of women's work and its criteria in the field of health, and the purpose of this research is to collect information and organize a useful paper. And it is useful in the reach the goal and to enter this discussion, I have discussed concepts such as criteria, necessity, work and accuracy under separate headings. And in the following, I have work in the field of health and its rules in the light of the verses of the holy quran, the instruction of the sunnah of the prophet, peace and blessings of god be upon him, and the view of the scholars.

This research is organized in three chapters, the first chapter forms the general discussion and includes three topics. The second chapter covers women and their work needs and is presented in three topics, and the third chapter, the rules of women's work and activity in in the field of health, is arranged in three topics, and at the end, the conclusions, and suggestions along with the list of verses, hadiths, the announcement and sources are also included.

And at the end, conclusions and suggestions are included along with the list of verses, hadiths, announcements and sources. Since the topic of women's work in offices, especially in the field of health, is considered one of the most important topics in Islamic societies and even among the sufficiency assumptions, and only a few people in the society are aware of its permissibility and impermissibility, I decided to conduct research on this issue, because this research the issue is

important for the stability of the society and the preservation of human lives, and there should be a sharia explanation in this case.

This research includes the subject of women's work in health facilities and its shari'a moral, and social standards. Because in Islamic societies, without considering Islamic values and guidelines, in hospitals and health facilities, they are affected by bad morals and disgrace, paying attention to this issue is one of the most important sharia and social issues. All topics of this research have been compiled in the light of the verses of the holy quran and the sunnah of the messenger of god and using the authoritative books of religious schools.

Recently, I have pointed out what I have achieved in this research as a conclusion, and I have also put forward some suggestions.

**Keywords:** necessity, work, criteria, health.



Salam University

Faculty of Sharia & Law

Master Program in Jurisprudence & Law



Emirates of Afghanistan

Ministry of Higher Education

DM- of academic affairs

# The necessity of womens work in the field and its regulations

A Master's Thesis

Student:Abdulkhalil"shahin"

Supervisor: Dr.Mohammad yonus"ibrahimi"

Year:2022



**Salam University**

**Faculty of Sharia & Law**

**Master Program in Jurisprudence &  
Law**



**Emirates of Afghanistan**

**Ministry of Higher Education**

**DM- of academic affairs**

# **The necessity of womens work in the field and its regulations**

**A Master's Thesis**

**Student:Abdulkhalil"shahin"**

**Supervisor: Dr. Mohammad yonus"ibrahimi**

**Year 2022**